

## ماهنامه خداآفرین ۱۸۶



### ایچینده کیلر

- ۲- کویده ۱۹ و مطبوعات سورونلار-----
- ۳- آسیب شناسی روابط ایران و جمهوری آذربایجان-----
- ۱۴- نریمان نریمان اف-----
- ۲۳- مدرنیسم و پست مدرنیزم در ادبیات-----
- ۲۶- گوئی آذربایجان پونزیاسینین انتباه دورو-----
- ۳۵- اعدامان سونرا باشلانان حیات-----
- ۴۰- ادبی پروسس حرکاتیندا یئنی دالغا-----
- ۴۹- عمر خیامین رباعیلری محمد هادینین ترجمه سینده-----
- ۵۶- محمد هادینین پونتیک اثرلری تورکیه مطبوعاتیندا-----
- ۶۴- بیر سنوگی حکایه سی ارک قالاسی افسانه سی-----
- ۷۱- اویکو و شعریمیز-----

### بسم الله الرحمن الرحيم

ماهنامه خداآفرین شماره ۱۸۶ سال ۱۳۹۹ تیر ماه ۸۰ صفحه  
 مدیر مسئول : دکتر حسین شرقی دره جک (سوی تورک)  
 زمینه مجله: فرهنگی مسایل اجتماعی؛ معلومات عمومی  
 ؛ طنز و سرگرمی سالم  
 روش مجله : تحلیلی ؛ خبری ؛ اطلاع رسانی ؛ پژوهشی  
 گستره ی توزیع ؛ آذربایجانهای شرقی ؛ غربی ؛ اردبیل  
 و تهران  
 آدرس چاپخانه : تهران چهار راه خانقاه پاساژ گوهری  
 نسب چاپ ارسباران پ ۳  
 نشانی مجله : دتهران خیابان وصال شیرازی پلاک ۷  
 واحد ۵ تلفن : ۶۶۴۹۳۰۸۴  
 -۰۹۱۹۲۲۸۱۹۱۶

### KHUDAFARIN

CULTURAL AND SOCIAL MONTHLY  
 MAGAZIN  
 DIRECTOR CONCESSIONER AND CHIEF  
 EDITOR :  
 DR. HOSSEIN SHARGHIDAREHJAK  
 SOYTURK

XUDAFƏRİN  
 AYLIQ ELMİ ; MƏDƏNİ ; İCTİMAYİ DƏRGİ  
 TƏSİSÇİ VƏ BAŞ REDAKTOR : DR.  
 HÜSEYN ŞƏRQİDƏRƏCƏK SOYTÜRK  
 SAY 186 TEMUZ (iyul) 2020  
 TİRAJ : 2000  
 WWW. KHUDAFARIN.IR  
 KHUDAFARIN@YAHOO.CO



## =کۆید ۱۹ و مطبوعات سورونلاری

مدیر مسئول: دکتور حسین شرقی دره جک

SORUMLU MÜDİR: Dr.HÜSEYN  
ŞƏRQİDƏRƏCƏK SOYTÜRK

اولو تاترینین آدیلا

آیدین گلّه جک نامینه و اوغورلو  
یولوموزون ایشیقلی صاباحلاری نامینه  
دایما وار اولاجاییق. دیلمیزی و  
مدنیتیمیزی قورویارق باشقالاریلا یاناشی  
هر زمان باشی اوجا اولاجاییق.

دونیا کئچید دئورینی یاشاییر. بوتون  
قوراللارا رعایت اندرک انشالله بو  
چتینلیکلری ده آتلامیش اولاجاییق. هر  
زمان مثبت دوشونرک گلّه جه یی  
آرخامیزدا یوک کیمی یوخ بلکه بیر  
اوغور کیمی داشیاجاییق.  
دوزدور بحران وار اونولا یاناشی یاشام  
مجادله سی ده وار. اینامیمیزی و  
اومیدیمیزی ایتیرمه دن داهادا گوزل و  
عدالتلی دونیا نامینه آکتیو و چالیشقان  
اولمالییق.

بهارمیز قیش اولسادا یئنه ده  
اوجاقلاریمیزدان توتن توستو وار  
اولماغیمیزین نشانه سی دیر.

بوتون خالقیم الله دان جان ساغلیغی و بول  
روزی برکت تمنی اندیرم. گلین بیر  
بیریمیز هایان اولاق و بو ویروسون  
تورتدی چتینلیکلره غالب گلک.  
گوروشمک دیله ییله. باکی شهری ۱۲ تیر  
۱۳۹۹ یعنی ۲ ژوئییه ۲۰۲۰ و ۱۰  
ذوالقعدة ۱۴۴۱

ددیرلی سویداشلاریم؛ دیلداشلاریم و  
وطنداشلاریم هامیا معلوم حالدیر کی ؛  
دونیامیز و چاغیمیز خسته له نیبیدیر. او  
اوزدن ده بوتون ایشلر کیمی مطبوعات  
ایشی ده چوخ لنگ گئدیر. اوچ آیدیر  
خداآفرین درگیسی معلوم سبب لردن  
دولایی نشر اندیلیمیر. لاکن بو او دئمک  
دئیل کی بیز شخصا بونو دایاندیرمیشیق.  
منیم اولکه یه گلّه بیلمه مه بیم ونشرین  
مادی سورونلاری باعث اولموشدور کی  
سیز دیرلی اوخوجولاریمیزدان اوزاق  
دوشک.

آنچاق کیقیت و مضمون باخیمیدان اورک  
آچان دا اولماسا یئنه ده سیزینله اولماغین  
یولونو تاپیب و بیر داها گوروشه  
بیلدیک. انشالله داها اوزون زمانلار برابر  
اولاجاییق.

اوج آی آرانین بیزی آبیروماغا گوجو یتمه یجک  
اونا گوره کی یوزلرله اینسان من دن طلب  
اندیردی کی ؛ بیرداها دخدافرین درگیسینی نشر  
اندیم. بوتون اوره یی یانانلارا و مطبوعتیمیزین  
قیدینه قالانلارا درین تشکورو مو بیلدیریم.



دکتر سبھان طالب لی

## آسیب‌شناسی روابط ایران و جمهوری آذربایجان

عواملی که توسعه روابط بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان را ضرورت می‌بخشد عبارت‌اند از: برتری آذربایجانی‌ها به جهت فزونی جمعیت در بین ملل قفقاز و نقش مهم این مسئله در روابط متقابل؛ برخورداری جمهوری آذربایجان از موقعیت ژئوپولیتیکی مناسب، عبور راه قفقاز از جمهوری آذربایجان؛ افزایش تأثیر اقتصادی و سیاسی جمهوری آذربایجان؛ برخورداری جمهوری آذربایجان از منابع غنی و نقش منابع اقتصادی در همکاری و نزدیکی ملل و کشورها به یکدیگر.

### مقدمه



ایران بعد از فروپاشی شوروی، برای پرکردن خلاء ایجادشده در قفقاز جنوبی، پی‌گیری فرایندهای سازمان‌یافته در منطقه را شروع کرد. تصادفی نیست که تهران به دفعات تلاش کرد تا در قفقاز جنوبی برای حل‌وفصل مناقشات موجود میانجی‌گری کند. البته این تلاش ایران در نتیجه مقاومت دولت‌های بزرگ با شکست روبه‌رو شد. با این حال ایران حوادث رخ داده در جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان را با دقت زیر نظر دارد و به قفقاز جنوبی به‌عنوان منطقه‌ای نگاه می‌کند که در آن منافع ملی دارد. همچنین ایران به کریدور حمل‌ونقل که غرب و شرق را به هم متصل می‌کند نیز علاقه و حساسیت خاصی نشان می‌دهد.

عواملی که توسعه روابط بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان را ضرورت می‌بخشد عبارت‌اند از: برتری آذربایجانی‌ها به جهت فزونی جمعیت در بین ملل قفقاز و نقش مهم این مسئله در روابط متقابل؛ برخورداری جمهوری آذربایجان از موقعیت ژئوپولیتیکی مناسب، عبور راه قفقاز از جمهوری آذربایجان؛ افزایش تأثیر اقتصادی و سیاسی جمهوری آذربایجان؛ برخورداری جمهوری آذربایجان از منابع غنی و نقش منابع اقتصادی در همکاری و نزدیکی ملل و کشورها به یکدیگر.

**ایران و جمهوری آذربایجان: روابط سیاسی و دیپلماتیک و دورنمای آن**

از اهداف اصلی سیاست خارجی جمهوری آذربایجان توسعه روابط دوستانه با کشورهای همسایه و نزدیک در خاورمیانه و شرق، از جمله با کشورهای است که با آنها از لحاظ ژئوپولیتیکی، دینی و قومی اشتراک‌هایی دارد. از این نظر در سیاست خارجی جمهوری آذربایجان، توسعه روابط اقتصادی، فرهنگی و... با جمهوری اسلامی ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. اشتراکات زبانی و دینی، تشابهات در آداب و رسوم ملل دو کشور از زمان‌های قدیم، به‌ویژه حضور آذربایجانی‌ها در ایران برای توسعه روابط بین ایران و جمهوری آذربایجان انگیزه و شرایط ویژه‌ای را ایجاد کرده است.

جمهوری اسلامی ایران با داشتن مرزهای مشترک با ۱۵ کشور، با هدف تأمین امنیت و موقعیت راهبردی خود سیاست خارجی انعطاف‌پذیر و فعال دارد. لذا جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌کند تا نسبت به کشورهای همسایه از سیاست دوستانه براساس اصول مبتنی بر حسن همجواری برخوردار باشد و با کشورهای منطقه و جهان نیز روابط دوجانبه خود را توسعه بخشد. در این زمینه نقش جمهوری آذربایجان حائز اهمیت است. تهران که در قفقاز جنوبی منافع گسترده‌ای دارد، به هنگام تعیین دورنمای سیاست خارجی مورد نظر خود، بر روابط با جمهوری آذربایجان به‌عنوان بزرگ‌ترین کشور قفقاز جنوبی اهمیت می‌دهد. تهران درک می‌کند که بدون همکاری و برقراری روابط مفید و متقابل با باکو نمی‌توان سیاست موفقیت‌آمیزی را در قفقاز جنوبی اعمال کرد. درعین‌حال، جمهوری آذربایجان با بهره‌جستن از موقعیت خود مطابق موازین بین‌المللی در تلاش برای صلح در منطقه فقط به صدور بیانیه‌ها اکتفا نمی‌کند و در حد لزوم دست به اقدامات عملی و سیاسی می‌زند و نسبت به همسایگان، به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران، روابط متوازنی را دنبال کرده است.

روابط جمهوری آذربایجان و ایران قدمت طولانی دارد. جمهوری آذربایجان معاصر از دوره جمهوری خلق آذربایجان (سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰) با ایران روابط سیاسی برقرار کرد. اصول و ضرورت برقراری روابط دوستانه متقابل با کشورهای مستقل و همسایه، برقراری روابط عادی با همسایه جنوبی جمهوری آذربایجان یعنی ایران را ضرورت می‌بخشد. برای نخستین‌بار روابط دیپلماتیک بین جمهوری خلق آذربایجان با ایران در سال ۱۹۱۹ با اعزام هیئت فوق‌العاده به رهبری اسماعیل خان زیادخانلی به تهران پایه‌ریزی شد. در مذاکرات بین اسماعیل خان زیادخانلی و وزیر امور خارجه ایران در تهران برخی توافقات حاصل و در ۴ ژوئن ۱۹۱۹ بین اسماعیل خان زیادخانلی و معتمدالسلطنه، رئیس امور روسیه وزارت امور خارجه ایران قرارداد ۱۴ ماده‌ای به امضا رسید. در این قرارداد، درباره شناسایی استقلال جمهوری آذربایجان، همچنین حل فوری مسائل تجاری بین دو کشور، مرزهای مشترک و به‌طور موقت حفظ حقوق شهروندان دو کشور مذاکره شد. اما تمامی این مذاکرات هم در ایران و هم در جمهوری خلق آذربایجان در نتیجه حوادث رخ داده و کودتاها بی‌نتیجه ماند.

در آستانه فروپاشی نظام شوروی، برخی جمهوری‌های شوروی تلاش می‌کردند تا با کشورهای خارجی روابط دوجانبه خود را گسترش دهند. لازم به یادآوری است که ایران حتی در دوره شوروی نیز در باکو کنسولگری داشت و جمهوری آذربایجان در اتحاد جماهیر شوروی نیز تا حدودی با ایران روابطی داشت. سقوط شوروی باعث شد روابط جمهوری آذربایجان و ایران گسترش یابد. جمهوری آذربایجان سندی را درباره استقلال کشور در ۱۸ اکتبر ۱۹۹۱ به تصویب رساند و به موجب آن استقلال خود را به جهانیان اعلام کرد. جمهوری اسلامی ایران نیز استقلال جمهوری آذربایجان را در ۲۵ دسامبر ۱۹۹۱ به رسمیت شناخت و روابط دیپلماتیک بین دو کشور در ۱۲ مارس ۱۹۹۲ برقرار شد. نصیب نصیب‌زاده، سفیر تازه‌تعیین‌شده جمهوری آذربایجان در جمهوری اسلامی ایران، در

۸ دسامبر ۱۹۹۲ میلادی وارد تهران شد که همراه او در هیئتی دیپلماتیک، دکتر حسن علی بیگلی به‌عنوان مشاور و دکتر صمد بایرامزاده به‌عنوان دبیر دوم نیز حضور داشتند. نصیب‌زاده استوارنامه خود را به علی‌اکبر ولایتی، وزیر امور از اهداف اصلی سیاست خارجی جمهوری آذربایجان توسعه روابط دوستانه با کشورهای همسایه و نزدیک در خاورمیانه و شرق، از جمله با کشورهای است که با آن‌ها از لحاظ ژئوپولیتیکی، دینی و قومی اشتراک‌هایی دارد

وقت خارجه ایران در ۱۲ دسامبر ۱۹۹۲ میلادی و یک روز بعد، یعنی در ۱۳ دسامبر ۱۹۹۲ میلادی، نیز استوارنامه خود را به هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت ایران، تقدیم کرد. در این دیدار هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور ایران، ابراز داشت که برقراری روابط دیپلماتیک بین ایران و جمهوری آذربایجان در ۱۲ مارس ۱۹۹۲ میلادی، باعث بسط و گسترش همکاری بین دو کشور شده است.

در نتیجه این تحولات، روابط سیاسی و دیپلماتیک بین دو کشور گسترش یافت و به سطح سفارت رسید. کنسولگری ایران در باکو که در سال ۱۹۶۹ میلادی افتتاح شده بود، از مارس ۱۹۹۲ به‌عنوان سفارت جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان شناخته شد و از ۱۲ دسامبر ۱۹۹۲ میلادی نیز سفیر جمهوری آذربایجان در جمهوری اسلامی ایران شروع به فعالیت کرد. متعاقب آن، سرکنسولگری ایران در جمهوری خودمختار نخجوان (از ۱۹۹۲)، رایزنی ایران در باکو (از سال ۱۹۹۳)، سرکنسولگری جمهوری آذربایجان در تبریز (از ۲۰۰۴ اکتبر) شروع به فعالیت کرد. در حال حاضر بنیاد حسین‌اف، سفیر جمهوری آذربایجان در جمهوری اسلامی ایران، است.

در مجموع، سفرهای الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان، به ایران در ۲۴ تا ۲۶ ژانویه ۲۰۰۵، ۲۱ و ۲۲ اوت ۲۰۰۷، اکتبر ۲۰۰۷، ۱۰ مارس ۲۰۰۹، ۱۲ و ۱۳ نوامبر ۲۰۱۴، ۲۳ فوریه ۲۰۱۶، مارس ۲۰۱۷ و سفرهای رؤسای جمهور ایران، سیدمحمد خاتمی در ۵ تا ۷ اوت ۲۰۰۴، محمود احمدی‌نژاد ۵ تا ۷ می ۲۰۰۶، ۲۱ و ۲۲ نوامبر ۲۰۰۷، ۱۷ نوامبر ۲۰۱۰، ۱۵ و ۱۶ اکتبر ۲۰۱۲، حسن روحانی در نوامبر ۲۰۱۴ و اوت ۲۰۱۶ میلادی، گویای سطح بالای مناسبات دو کشور است. در این سفرها، اسناد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مختلفی به امضا رسید که اهمیت بسیاری دارند. الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان در سفر رسمی خود به ایران در فوریه ۲۰۱۶ میلادی ضمن اشاره به اهمیت سفر جمهوری آذربایجان به همکاری دوجانبه قائل است، اظهار داشت:

«از فرصت استفاده می‌کنم و به دلیل از میان برداشته شدن تحریم‌ها علیه ایران به شما و تمام مردم ایران از صمیم قلب تبریک عرض می‌نمایم. جمهوری آذربایجان همیشه مخالف این تحریم‌ها است و از هر فرصتی استفاده کرده است تا این خواست خود را بیان نماید. به عقیده ما بهتر از این نمی‌توان سطح روابط دو کشور را ارزیابی کرد.» حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران، نیز ضمن اشاره به اهمیت سفر رئیس‌جمهور آذربایجان در مصاحبه با رسانه‌های گروهی اظهار داشت:

«ما امروز همراه با روابط دوجانبه، روابط سه‌جانبه را هم مورد مذاکره قرار دادیم. روابط سه‌جانبه ما عبارت‌اند: روابط بین ایران، ترکمنستان، آذربایجان، ایران، آذربایجان، روسیه، ایران، آذربایجان، گرجستان و ایران، آذربایجان ترکیه.»

از دیدگاه نگارنده، سفرهای متقابل سران دو کشور در واقع کمک تهران و باکو به همکاری‌های منطقه‌ای و ایجاد صلح در منطقه است و در گسترش روابط دو کشور نیز نقش مهمی ایفا کرده است؛ به‌ویژه آن‌که هنگام این سفرها، توسعه روابط دو کشور مورد بازبینی قرار گرفته است، مشکلات و موانع شناسایی شده و برای رفع آن‌ها تدابیر لازم

در نظر گرفته می‌شود که در مجموع زمینه مناسبی را برای توسعه روابط دوستانه دو کشور و انعقاد توافق‌نامه‌های مختلف فراهم مسیازد.

### روابط بین پارلمانی

روابط بین پارلمانی جمهوری آذربایجان و جمهوری اسلامی ایران در قالب دیدارها و مذاکرات بین رؤسای مجلس دو کشور و سفرهای هیئت‌های نمایندگان در سطوح مختلف منجر به توسعه و گرمی روابط دو کشور در بخش‌های مختلف، ایجاد اعتماد و تفاهم متقابل و نزدیکی منافع دو کشور شده است. تشکیل گروه‌های دوستی پارلمانی، انعقاد قراردادهای و تصویب آن و نیز تبادل افکار از آثار و نتایج روابط بین پارلمانی میان ایران و جمهوری آذربایجان به شمار می‌رود که به موازات گسترش روابط بخش‌های قانونگذاری دو کشور بر توسعه روابط در سایر بخش‌ها نیز تأثیر مثبت داشته است.

نخستین اقدام در جهت توسعه روابط پارلمانی، سفر هیئت نمایندگان مجلس جمهوری آذربایجان به رهبری زیاد صمدزاده، معاون اول شورای عالی جمهوری آذربایجان، به ایران در دسامبر سال ۱۹۹۱ میلادی بود. هدف اصلی این سفر، شناسایی استقلال جمهوری آذربایجان از سوی دولت ایران بود. هیئت نمایندگان پارلمان جمهوری آذربایجان با مهدی کروبوی، رئیس مجلس وقت ایران، در ۹ دسامبر ۱۹۹۱ میلادی دیدار کرد و موفق شد موافقت ایران را کسب کند، برای شناسایی استقلال جمهوری آذربایجان و نیز کسب حمایت ایران برای عضویت جمهوری آذربایجان در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی. هیئت نمایندگی پارلمانی جمهوری آذربایجان هنگام دیدار با مقامات ایرانی، موضع دوستی و صمیمی خود را ابراز کردند و برقراری روابط بین دو کشور را پیشنهاد کردند. در نتیجه این دیدارها و مذاکرات، دولت ایران، استقلال جمهوری آذربایجان را در ۲۵ دسامبر ۱۹۹۱ میلادی به رسمیت شناخت.

در ادامه این روند، هیئت نمایندگان پارلمان جمهوری آذربایجان به دعوت ایران برای شرکت در پانزدهمین سالگرد انقلاب اسلامی ایران در فوریه ۱۹۹۴ به تهران سفر کردند. سلطان محمداف، رئیس هیئت نمایندگان پارلمان جمهوری آذربایجان با حسن روحانی، معاون وقت رئیس مجلس ایران و دبیر شورای عالی امنیت این کشور دیدار و گفت‌وگو کرد. در این دیدار، حسن روحانی اظهار داشت که اگرچه ایران روابط عادی با ارمنستان دارد، اما مخالف تغییر مرزها است و تجاوز آن‌ها را محکوم می‌کند. تهران طرفدار حل مسالمت‌آمیز مناقشه قره‌باغ کوهستانی بوده و همیشه بر این موضع خود تأکید خواهد کرد. بنابراین در روند تنظیم و توسعه روابط بین جمهوری آذربایجان و جمهوری اسلامی ایران و تسریع روابط دیپلماتیک بین دو کشور، مجلس ملی آذربایجان نقش مهمی بازی کرده است. مصوبه‌های مجلس ملی آذربایجان درباره روابط دو جانبه با ایران و اقدامات عملی آن به روشنی گویای این امر است.

در ادامه روابط پارلمانی دو کشور، هیئت نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران به رهبری سیدرضا اکرمی، عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی و کمیسیون سیاست خارجی ایران از ۲۶ تا ۲۸ نوامبر ۱۹۹۶ به جمهوری آذربایجان سفر کرد. سیدرضا اکرمی از سوی حیدر علی‌اف، رئیس‌جمهور وقت جمهوری آذربایجان، به حضور پذیرفته شد؛ او ضمن اعلام رضایت خود از ایجاد گروه دوستی بین جمهوری آذربایجان و ایران در مجلس

تشکیل گروه‌های دوستی پارلمانی، انعقاد قراردادهای و تصویب آن و نیز تبادل افکار از آثار و نتایج روابط بین پارلمانی میان ایران و جمهوری آذربایجان به شمار می‌رود که به موازات گسترش روابط بخش‌های قانونگذاری دو کشور بر توسعه روابط در سایر بخش‌ها نیز تأثیر مثبت داشته است

ملی آذربایجان، تأکید کرد که به زودی در مجلس شورای اسلامی ایران نیز چنین فعالیتی شروع خواهد شد و این سفر نیز به عنوان نخستین سفر هیئت پارلمانی ایران به جمهوری آذربایجان طبق مصوبه مجلس شورای اسلامی عملی شد. متعاقب این سفر، در مجلس ملی جمهوری آذربایجان در ۲۲ نوامبر ۱۹۹۶ میلادی تصمیم گرفته شد تا جهت افزایش بهره‌وری در روابط بین پارلمان‌های دو کشور، گروه کاری تشکیل شود. شمار اعضای گروه کاری نیز از ۶ نفر به ۱۰ نفر افزایش یافت.

در مجموع، سفرهای رؤسای پارلمان جمهوری آذربایجان در توسعه روابط دو کشور اهمیت بسیاری داشته است: سفرهای علی عسگراف در ۲۷ و ۲۸ دسامبر ۱۹۹۸ و در ۱۵ تا ۱۷ ژوئن ۱۹۹۹ و نیز سفرهای اوکتای اسدوف در تاریخ ۲۰ تا ۲۲ فوریه ۲۰۱۰ میلادی، ۴ و ۵ اوت ۲۰۱۲ میلادی ۱۴ و ۱۹ فوریه ۲۰۱۴ و متقابلاً سفرهای رؤسای مجلس شورای اسلامی ایران شامل غلامعلی حداد عادل در ۲۳ تا ۲۵ نوامبر و در ۳۰ ژوئن تا ۲ ژوئیه ۲۰۱۱ سفر علی لاریجانی. به باور نگارنده، در توسعه روابط دوجانبه، کمیسیون مشترک بین دو کشور نیز نقش مهمی بازی کرده است و در توسعه روابط تجاری و اقتصادی ایران و جمهوری آذربایجان نقش منحصربه‌فردی دارد. لذا ادامه فعالیت این کمیسیون بسیار ضروری است. در عین حال، افزایش فعالیت گروه کاری در زمینه علوم، آموزش و سازماندهی میزگردها و جلسات نیز به توسعه روابط بین پارلمانی دو کشور کمک شایانی خواهد کرد.

### موضع ایران در مناقشه قره‌باغ کوهستانی

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دسامبر ۱۹۹۱ میلادی، جمهوری‌های قفقاز جنوبی خط‌مشی سیاست خارجی مستقل خود را مشخص کردند. از این مقطع بود که سیاست خارجی ایران در منطقه در راستای منافع راهبردی مورد نظر خود فعال شد. با وجود این، روسیه نیز خود را وارث ویژه شوروی اعلام کرد و بر منافع ملی خود در قفقاز جنوبی تأکید کرد. روسیه تلاش کرد با ایجاد و تحمیل مناقشات مصنوعی بر کشورهای منطقه و استفاده از آن به عنوان عامل فشار علیه کشورهای منطقه، نفوذ خود را در قفقاز جنوبی گسترش دهد. مسکو جهت افزایش نفوذ خود بر جمهوری آذربایجان مناقشه قره‌باغ کوهستانی را ایجاد کرد و آن را تشدید کرد. در جنگ ارمنستان علیه جمهوری آذربایجان، ارتش روسیه نیز شرکت داشته است.

رهبری ایران فرایندهای سیاسی و نظامی موجود در قفقاز جنوبی را با دقت پی‌گیری می‌کرد. با میانجی‌گری هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت ایران، مذاکرات صلح بین یعقوب محمداف، کفیل ریاست جمهوری آذربایجان و لئون ترپتروسیان، رئیس‌جمهور وقت ارمنستان در ۷ می ۱۹۹۲ میلادی در تهران آغاز شد. متأسفانه این میانجی‌گری با شکست روبه‌رو شد. به طوری که هنگام تداوم این مذاکرات، ارمنستان دو شهر شوشا و لاجین را به ترتیب در روزهای نهم و نوزدهم ماه می ۱۹۹۲ میلادی به تصرف درآورد.

جمهوری اسلامی ایران به دفعات، حمله ارمنستان به اراضی جمهوری آذربایجان را محکوم کرد و همیشه بر رفع دشمنی طرفین علیه یکدیگر تأکید کرده است. در عین حال، ایران به آوارگان جنگی که در نتیجه حملات ارمنه از سرزمین خود آواره شده بودند، کمک‌های انساندوستانه ارائه داد و هنگام اشغال مناطق قبادلی و زنگلان از سوی نیروهای مسلح ارمنستان، بسیاری از ساکنان آذربایجانی را از مرگ نجات داد. ایران در ارائه خدمات و فرستادن کالاهای ضروری به جمهوری خودمختار نخجوان که در نتیجه سیاست ارمنستان در محاصره اقتصادی قرار گرفته بودند و نیز در کاهش فشار بر آذربایجانی‌های این منطقه نیز نقش مهمی را ایفا کرد.

آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، هنگام سفر رسمی حیدر علی‌اف به ایران در ۲۹ ژوئن تا ۲ ژوئیه ۱۹۹۴ میلادی اظهار داشتند که «مردم جمهوری آذربایجان در معرض تجاوز نظامی ارمنستان قرار گرفته‌اند و در این جنگ دولت ارمنستان مقصر است و این کشور یک کشور تجاوزگر است». سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال جمهوری آذربایجان دوستانه بوده است و آذربایجان نیز آن را بسیار عالی ارزیابی کرده است. اظهارات حیدر علی‌اف در مورد کمک‌های انساندوستانه جمهوری اسلامی ایران به جمهوری آذربایجان شایان توجه است:

«ایران در روزهای سخت از موضع بر حق جمهوری آذربایجان حمایت به عمل آورده و اقدامات عملی زیادی را انجام داده است؛ حمایت از جمهوری آذربایجان در سازمان‌های بین‌المللی، شناختن ارمنستان به‌عنوان کشور تجاوزگر و درخواست خروج نیروهای ارمنستان از قره‌باغ؛ پیشنهاد میانجی‌گری در قره‌باغ کوهستانی؛ اعطای وام؛ تأمین برق و مایحتاج مردم نخجوان در زمان جنگ؛ کمک برای رهایی مردم مناطق اشغالی در زمان جنگ و سال‌ها حمایت از ۱۰۰ هزار آواره جنگی و تأمین مایحتاج آن‌ها.»

### **همکاری در چارچوب سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی**

روابط اقتصادی بین ایران و جمهوری آذربایجان در چارچوب سازمان همکاری اقتصادی (اگو) نیز شکل گرفته است. در اجلاس سازمان اگو در تهران در ۱۶ فوریه ۱۹۹۲ میلادی، جمهوری آذربایجان به عضویت این سازمان پذیرفته شد. در اجلاس شورای وزیران امور خارجه اگو در تهران در ژانویه ۱۹۹۴ میلادی نیز حسن حسن‌اف، وزیر امور خارجه وقت جمهوری آذربایجان، از اعضای اگو درخواست کرد تا جهت حمایت از موضع بر حق جمهوری آذربایجان، تحریم‌های سیاسی و اقتصادی علیه ارمنستان اعمال شود. در اجلاس سازمان همکاری اسلامی در تهران که در دسامبر ۱۹۹۷ میلادی برگزار شد نیز بیانیه‌هایی مبنی بر محکومیت ارمنستان و حمایت از موضع جمهوری آذربایجان صادر شد که موفقیت سیاسی و دیپلماتیک مهمی برای جمهوری آذربایجان به شمار می‌رفت.

### **همکاری در زمینه حمل‌ونقل و ارتباطات**

روابط اقتصادی در همکاری جمهوری آذربایجان و ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. وجود خطوط ارتباطاتی مناسب از عواملی است که می‌تواند محرک توسعه روابط اقتصادی فنی و تجاری بین دو کشور باشد. ایران متناسب با موقعیت جغرافیایی خود با بهره‌گیری از تمام امکانات حمل‌ونقل، روابط اقتصادی با جمهوری آذربایجان دارد. در حال حاضر جمهوری آذربایجان با ایران از راه حمل‌ونقل دریایی مانند باکو-انزلی و باکو-نوشهر، خطوط ریلی، مانند راه‌آهن نخجوان-جلفا-تبریز-تهران و خط‌آهن باکو-تبریز-تهران، راه زمینی باکو-آستارا-ایران، روابط اقتصادی خود را با ایران توسعه بخشیده است. برای احیای جاده ابریشم و فعالیت بزرگراه اروپا-قفقاز-آسیا نیز لازم هست تا هر دو کشور وضعیت راه‌آهن و راه‌های زمینی خود را به سطح استانداردهای بین‌المللی برسانند. با انجام تدابیر یادشده، این مسیرهای ارتباطی برای مدت زمان طولانی قادر به ترانزیت کالاها خواهند بود. همچنین، بین ایران و جمهوری آذربایجان، دورنمای نقش جمهوری آذربایجان به‌عنوان پل ارتباطی بین قاره‌ها به لحاظ موقعیت جهانی این کشور بسیار ضروری و مهم است

خطوط هوایی باکو-تهران-تبریز نیز فعال است. افتتاح خطوط پرواز باکو به مشهد و تبریز نیز بر رفت‌وآمد مردم دو کشور تأثیر مثبتی دارد.



جمهوری آذربایجان برای پل مرزی بین آستارا- آستارا اهمیت ویژه‌ای قائل است. دولت ایران با اعطای وام دارای تخفیف به مبلغ ۱۲۰ میلیون دلار، مسئولیت بازسازی بخش سالیان آستارا و جاده باکو - آستارا را برعهده گرفت. برای احداث راه‌آهن آستارا- قزوین نیز دولت آذربایجان با ایران مذاکراتی را صورت داده است. در نتیجه این تحولات، جمهوری خودمختار نخجوان با ایران و ترکیه از طریق خط‌آهن ارتباط متصل خواهد شد.

جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۰۵ میلادی به کریدور حمل‌ونقل شمال - جنوب پیوست. کریدور حمل‌ونقل شمال-جنوب با هدف برقراری ارتباط بین کشورهای اروپایی، روسیه، آسیای مرکزی و منطقه قفقاز با خلیج فارس و هندوستان و نیز برای تسریع روابط تجاری حوزه خزر با بنادر دریای سیاه ایجاد شده است. این کریدور زمینه حمل‌ونقل ریلی در اروپا- آسیای جنوبی-خاورمیانه را فراهم میسازد که این امر موجب کسب درآمد کشورهای واقع در این مناطق از حمل‌ونقل داخلی و ترانزیت می‌شود. در همین راستا، خط راه‌آهنی که با گذر از بولاشاک قزاقستان به ترکمنستان و از طریق اترک- گرگان (آکایلا) به راه‌آهن ایران متصل می‌شود، در دسامبر ۲۰۱۴ میلادی مورد بهره‌برداری قرار گرفت. همچنین، مسیر غربی کریدور حمل‌ونقل شمال- جنوب آستاراخان- مخاچ قلعه (روسیه)- سامور- آستارا (آذربایجان)- آستارا- رشت - قزوین (ایران) نیز از لحاظ اهداف راهبردی و مقاصد آن یکی از مناسب‌ترین گزینه‌های ترانزیتی است. این مسیر غربی حمل‌ونقل ریلی نسبت به مسیر شرقی مزیت‌های بسیاری دارد، اما با وجود هزینه بمراتب کمتر بیش از یازده سال است که در حال احداث است و به پایان نرسیده است. در حالی که با عملیاتی‌شدن مسیر غربی کریدور حمل‌ونقل، ترانزیت بار از جنوب شرقی آسیا به اروپا ۱۰ تا ۱۵ درصد ارزان‌تر خواهد شد. حمل بارها از طریق کانال سوئز نیز موجب کاهش ۸۰۰ کیلومتری مسافت ترانزیت می‌شود. در عین حال مدت حمل بارها نیز ۲۰ روز کاهش خواهد یافت و بارها از راه مطمئن‌تری به مقصد خواهد رسید. براساس محاسبات انجام‌پذیرفته برای حمل ۱۵ تن بار موجب صرفه‌جویی به میزان ۲۵۰۰ دلار خواهد شد. با پیوستن فنلاند به کریدور شمال - جنوب، ظرفیت آن باز هم افزایش خواهد یافت.

ضرورت تحقق مسیر غربی کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال - جنوب که از جمهوری آذربایجان می‌گذرد، در سفر حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران، به باکو در سال ۲۰۱۶ میلادی مطرح شد. رئیس‌جمهور، الهام علی‌اف و حسن روحانی دو سال قبل از آن نیز در ۱۲ نوامبر ۲۰۱۴ میلادی در باکو در این زمینه بیانیه مشترکی صادر کردند. سران دو کشور تأکید کردند که ایجاد کریدور حمل‌ونقل شمال‌جنوب تأمین‌کننده منافع هر دو طرف و برای کل منطقه مهم است. همچنین ارتباط ایران با دریای سیاه، اروپا و روسیه را میسر می‌کند. صدور این بیانات در باکو حاوی پیام مهمی بود و نخستین ثمره کوشش جمهوری آذربایجان برای ایجاد کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال-جنوب محسوب می‌شد. کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال-جنوب برای حمل کالا از هندوستان و جنوب شرقی آسیا از طریق بندرعباس در ایران به جمهوری آذربایجان شرایط لازم را فراهم خواهد آورد. در این مسیر ترانزیتی، انتقال سالانه ۱۰ تا ۱۵ میلیون تن بار پیش‌بینی شده است که جمهوری آذربایجان به واسطه آن درآمد بسیاری از محل ترانزیت به دست خواهد آورد. این مبلغ تقریباً سالانه ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیون دلار خواهد بود؛ بنابراین مسیر غربی کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال‌جنوب با عبور از آستاراخان و مخاچ‌قلعه روسیه و نیز تداوم آن از سامور تا آستارا در جمهوری آذربایجان و اتصال آن به خط‌آهن ایران از طریق آستارارشت-قزوین برای جمهوری آذربایجان از اهمیت استراتژیک برخوردار است. در واقع، کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال‌جنوب طرحی ژئوپولیتیکی است که موجب تحکیم و تقویت موقعیت جمهوری آذربایجان در منطقه قفقاز جنوبی و حوزه خزر خواهد شد. ضمن

این که خنثی شدن برنامه‌های ارمنستان درباره این طرح را نیز به دنبال خواهد داشت. در راستای این کریدور، جمهوری آذربایجان با بازکردن مسیر روسیه به سمت جنوب و راه ایران به سمت شمال، در تأمین ثبات برای منطقه و جلوگیری از خطرات نقش مهمی را ایفا خواهد کرد.

دورنمای نقش جمهوری آذربایجان به عنوان پل ارتباطی بین قاره‌ها به لحاظ موقعیت جهانی این کشور بسیار ضروری و مهم است. این امر در فضای افزایش تدریجی تهدیدات و تمایل به درگیری و رقابت در سطح جهانی، زمینه نقش آفرینی جمهوری آذربایجان را برای ایجاد ثبات فراهم خواهد ساخت؛ بنابراین به موازات منافع اقتصادی، باید موارد یادشده نیز در برنامه‌ریزی‌های میان‌مدت و درازمدت در نظر گرفته شود و به‌درستی ارزیابی شود. باید در نظر گرفت که تحقق کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی و به‌ویژه کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال‌جنوب، می‌تواند جمهوری آذربایجان را در فضای ژئوپولیتیکی پیچیده ناشی از خطرات رقابت شدید ابرقدرت‌ها در منطقه حفظ کند، یا حداقل تأثیرات منفی آن را کاهش دهد. از این نظر، همانگونه که قبلاً اشاره شد، جمهوری آذربایجان باید عملیاتی‌شدن کریدورهای حمل‌ونقل در کشور را به‌عنوان اهداف راهبردی مد نظر قرار دهد و در راستای افزایش نقش مهم خود حداکثر تلاش را بکند.

## روابط اقتصادی و تجاری

وجود شبکه حمل و نقل در دو کشور برای توسعه روابط جمهوری آذربایجان و ایران و نیز وجود بخش‌های متنوع تولیدی اهمیت اقتصادی بسیاری دارد که می‌تواند در مجموع به شکل‌گیری روابط اقتصادی دو کشور کمک شایانی کند. در سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۷ میلادی، ایران در بین شرکای تجاری جمهوری آذربایجان

برای توسعه روابط فرهنگی بین دو کشور یک سری توافق و پروتکل‌ها به امضا رسیده، اما همان اسناد تحت تأثیر برخی عوامل به‌صورت کامل اجرا نشده و برخی مفاد نیز اجرا نشده است

به لحاظ مبادلات تجاری به صورت مداوم در ردیف اول و دوم قرار داشته است. براساس آمار سال ۱۹۹۸ میلادی نیز ایران جایگاه پنجم مبادلات تجاری با جمهوری آذربایجان و در سال ۱۹۹۹ نیز جایگاه هفتم را در اختیار خود داشت. ارزش مبادلات تجاری بین جمهوری آذربایجان و جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۹۷ میلادی بالغ بر ۲۳۸/۵ میلیون دلار (۴۸/۸ میلیون دلار واردات و ۱۸۹/۷ میلیون دلار صادرات)، در سال ۱۹۹۸ میلادی نیز ۸۶/۸ میلیون دلار (۴۲/۵ میلیون دلار واردات و ۴۴/۴ میلیون دلار صادرات)، در سال ۱۹۹۹ میلادی، ۷۰ میلیون دلار (۴۷/۴ میلیون دلار واردات و ۲۳/۶ میلیون دلار صادرات) بوده است. در بین سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۹ میلادی، بزرگ‌ترین شاخص واردات مربوط به سال ۱۹۹۴ میلادی به میزان ۲۴۲/۱ میلیون دلار بوده است. این رقم در سال ۱۹۹۶ میلادی به ۶۵/۹ میلیون دلار رسید. این تنزل و کاهش در بخش‌های مختلف مرتبط با صادرات نفتی در قبال واردات انرژی الکتریکی (برق) از ایران بود.

محصولات وارداتی از ایران در فاصله سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۹ میلادی شامل ارزاق، کالاهای خانگی، اتومبیل، انرژی الکتریکی و غیره بوده است. در مقابل صادرات جمهوری آذربایجان به ایران نیز عمدتاً نفت و محصولات نفتی، محصولات شیمیایی، ضایعات، آهن سیاه و غیره بوده است. سهم قاره آسیا از واردات جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۰۰ میلادی تنها ۱۹/۶ درصد و سهم صادرات به آسیا نیز تنها ۲ درصد بوده است. در حالی که همان سال، ارزش کل واردات جمهوری آذربایجان از ایران ۵۶ میلیون و ۸۳۰ هزار دلار بوده و ارزش محصولاتی که به آن کشور صادر کرده نیز ۲۶ میلیون و ۸۳ هزار دلار بوده است. باوجوداین، جمهوری آذربایجان دارای امکانات و راه‌های صدور متقابل هر نوع محصولات

صنعتی به ایران است. در سال ۲۰۰۰ میلادی ۲۲/۹ درصد از واردات جمهوری آذربایجان از ایران مصالح ساختمانی، ۲۱/۹ درصد سوخت، ۱۷,۳ درصد محصولات غذایی، ۱۳/۹ درصد محصولات کشاورزی بوده است. ۲۴ درصد باقی مانده نیز مربوط به مواد شیمیایی، ماشین‌سازی، متالورژی، محصولات چوبی و جنگلی، لوازم الکترونیکی، تجهیزات پزشکی و... بوده است. در عین حال، ۷۱/۶ درصد از کل محصولات صادراتی جمهوری آذربایجان به ایران را متالورژی، ۱۱/۵ درصد را تجهیزات ماشین‌سازی و ۶/۴ درصد نیز صنایع سبک تشکیل می‌دهد. مابقی محصولات صادراتی نیز محصولات صنعتی و کشاورزی است. علی‌رغم این‌که جمهوری آذربایجان شریک تجاری و اقتصادی مهمی است، در دوره یادشده به دلیل محدودیت روابط اقتصادی و تجاری، حجم مبادلات تجاری با سیر نزولی همراه بوده است.

اما در سال‌های اخیر با از میان برداشته شدن تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، اراده و عزم رئیس‌جمهور، الهام علی‌اف و حسن روحانی برای گسترش روابط دوجانبه به توسعه روابط اقتصادی و تجاری تحرک جدیدی بخشیده است. در ۳ سال اخیر رؤسای جمهور دو کشور ۸ بار با یکدیگر دیدار کرده‌اند و هیئت‌های نمایندگان دو کشور نیز حدود ۱۰۰ دیدار متقابل داشته‌اند. بیش از ۴۰ سند به امضا رسیده و ۳ اجلاس کمیسیون مشترک دو کشور نیز تشکیل شده است. بیش از ۵۲۸ شرکت ایرانی در بخش‌های مختلف جمهوری آذربایجان در حال فعالیت هستند و در مجموع ایران ۲/۷ میلیارد دلار در اقتصاد جمهوری آذربایجان سرمایه‌گذاری کرده است. در مقابل، شرکت‌های جمهوری آذربایجان نیز در ایران در حال فعالیت هستند. ایران مهم‌ترین شریک تجاری جمهوری آذربایجان است و در سال ۲۰۱۶ میلادی مبادلات تجاری بین دو کشور بیش از ۷۰ درصد افزایش یافته است. توافقات به امضا رسیده در مورد سدهای خداآفرین، قیزقلعه‌سی و نیز اردوباد و مارازاد از سوی دو طرف تأیید و ضمانت اجرایی پیدا کرده است. اولین مرحله از کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی جنوب‌شمال نیز در حال اتمام است. در جمهوری آذربایجان به طول ۸/۳ کیلومتر خط آهن و پل راه‌آهن احداث شده است و در ایران نیز روند احداث ۱,۷ کیلومتر راه آهن و احداث ترمینال ادامه دارد. بیش از ۹۰ درصد راه‌آهن قزوین‌رشت که بخشی از کریدور حمل‌ونقل شمال‌جنوب است، به اتمام رسیده است و طبق برنامه در سال ۲۰۱۷ میلادی به اتمام خواهد رسید. همچنین، نیروگاه الکتریکی ۳۳۰ کیلو ولتی مغان (ایمیشلی پارس‌آباد) در سال ۲۰۱۶ میلادی به بهره‌برداری رسید و برای فروش انرژی الکتریکی نیز قراردادی به امضا رسیده است. در همین سال در منطقه صنعتی نفت چاله، کارخانه مشترک اتومبیل‌سازی و در ژانویه ۲۰۱۷ نیز در پارک صنعتی پیراللهی بین ایران و جمهوری آذربایجان به صورت مشترک کارخانه داروسازی احداث شد. همچنین در سال ۲۰۱۶ میلادی بین جمهوری آذربایجان و ایران، خط‌آهن نخجوان- جلفا- تبریز- تهران- مشهد افتتاح شد که به توسعه گردشگری، حمل‌ونقل و روابط اقتصادی کمک خواهد کرد. از طریق این مسیر ریلی، سالانه ۱۲ هزار مسافر جابه‌جا خواهد شد. قرار است در آینده نزدیک خط پرواز ارومیه و قبله نیز دایر شود.

### **مسئله رژیم حقوقی دریای خزر**

به موازات این‌که روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری آذربایجان و ایران رو به توسعه است، مشکلاتی نیز بین دو کشور وجود دارد. بعد از فروپاشی شوروی، مسئله رژیم حقوقی خزر و مباحث مرتبط با آن مانند مسئله تقسیم بستر و سطح دریای خزر و نیز ذخایر طبیعی آن موجب بروز مشکلاتی شد. این سؤالات مطرح شد که آیا کشورهای

ساحلی، مالک تمامی ثروت‌های دریای خزر هستند یا اگر قرار است این ثروت‌ها بین آنها به صورت مساوی تقسیم شود، این امر باید بر اساس چه معیاری صورت گیرد؟  
براساس ماده ۱۱ قانون اساسی جمهوری آذربایجان بخشی از دریای (دریاچه) خزر که مربوط به جمهوری آذربایجان است، جزئی از اراضی این کشور محسوب می‌شود. به لحاظ ذخایر نفت و گاز می‌توان دریای خزر را با خلیج فارس مقایسه کرد. لذا تمامی کشورهای ساحلی خزر برای استخراج ثروت‌های آن به مطالعه لایه‌های بستر دریای خزر در تلاش هستند. جمهوری آذربایجان با استناد به اصل حسن همجواری با ایران و همکاری در مسئله استفاده از دریای خزر، تمایل خود را برای دادن بخشی از سهام خود در قراردادهای نفتی به ایران در دسامبر ۱۹۹۴ میلادی نشان داد، اما این اقدام و خواست جمهوری آذربایجان از سوی آمریکا و شرکت‌های اروپایی پیوسته به قرارداد نفتی مذکور رد شد. علی‌رغم این‌که ایران که به دنبال منافع اقتصادی، سیاسی و دینی در قفقاز جنوبی است، تلاش می‌کند تا با جمهوری‌های تازه استقلال یافته در قفقاز جنوبی روابط همه‌جانبه‌ای را برقرار کنند

در هر یک از قراردادهای میدان گازی شاه‌دنیز در سال ۱۹۹۶ و لنکران و دریای تالش (دریای خزر) در سال ۱۹۹۷ میلادی ۱۰ درصد سهام به ایران اختصاص داده شده است، اما این کشور باز هم مخالف خواست جمهوری آذربایجان مبنی بر تقسیم خزر براساس بخش‌های ملی بوده است و همچنان بر موضع خود اصرار می‌ورزد. شرکت طراحی و ساخت صنایع نفت ایران در دو کنسرسیوم بین‌المللی شرکت کرد. نخست، قرارداد میدان گازی شاه‌دنیز در ۴ ژوئن ۱۹۹۶ میلادی انعقاد شد که در سه کنسرسیوم ایران دارای ۱۰ درصد سهم است. قرارداد دریای لنکران و تالش در ۱۲ ژانویه ۱۹۹۷ به امضا رسید. در پنجمین کنسرسیوم نیز سهم ایران ۱۰ درصد تعیین شد علاوه بر این همکاری در بخش‌های ملی خزر بین شرکت دولتی نفت آذربایجان (سوکار) و شرکت طراحی و ساخت صنایع نفت ایران برای اکتشاف نفت ادامه دارد. الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان، در فوریه ۲۰۱۶ میلادی در سفر به ایران به مسائل دریای خزر اشاره کرد و اظهار داشت:

«دورنمای خوبی در بخش نفت و گاز وجود دارد. ایران در بخش نفت و گاز جمهوری آذربایجان سرمایه‌گذاری می‌نماید. در رابطه با همکاری‌های آتی نیز تبادل نظر شد. مسئله بهره‌برداری مشترک معادن نفت و گاز دریای خزر مورد مذاکره قرار گرفت و در انتظار نتایج خوبی هستیم. دریای خزر ثروت عمومی ماست. دریای خزر باید بعد از این هم دریای همکاری، امنیت و صلح باشد.»

حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران نیز درباره نقش دریای خزر در مناسبات ایران و جمهوری آذربایجان اظهار داشت:

«ما نهایتاً به صورت دوجانبه همکاری می‌نماییم و جغرافیای این همکاری گسترش می‌یابد. این هدیه ارزشمندی بر همکاری منطقه‌ای محسوب می‌شود. این امر نشانگر نیت و عزم دو کشور است و ما می‌خواهیم در منطقه و جهان صلح، امنیت و همکاری حاکم باشد. امروزه در این منطقه ایران و آذربایجان نقش تثبیت‌کننده ایفا می‌کنند. هرچه اتحاد بین ما محکم باشد، در منطقه نیز امنیت به همان اندازه در سطح عالی حفظ خواهد شد.»  
به نظر نگارنده در مسئله رژیم حقوقی خزر لازم است کارشناسان و دانشمندان دو کشور با تشکیل کنفرانس و میزگردها، چاپ کتاب‌های مشترک و تبادل نظر اندیشمندان و کارشناسان با یکدیگر همکاری داشته باشند. همچنین همکاری در زمینه کشتیرانی، استفاده از گیاهان و جانوران دریای خزر، همکاری زیست‌شناسان و فعالان محیط‌زیست دو کشور نیز مفید خواهد بود.

**روابط فرهنگی، علمی و کمک‌های انساندوستانه**

یکی از عواملی که به توسعه روابط دو کشور کمک کرده است، برقراری و توسعه روابط علمی و فرهنگی بوده است. کنسرت‌های برگزارشده از سوی هنرمندان جمهوری آذربایجان در شهرهای مختلف ایران از سوی مردم با استقبال گرمی مواجه شده است. از دانشمندان و ادیبان کشورمان در مراسم‌ها و کنفرانس‌های برگزارشده در تبریز، تهران و دیگر شهرها استقبال می‌شود. تحلیل روابط فرهنگی با ایران نشان می‌دهد که جمهوری آذربایجان هنگام اعمال سیاست خارجی خود باید ارزش‌های تاریخی، ملی و معنوی مشترک میان دو کشور را مد نظر داشته باشد. چرا که توسعه روابط با ایران در این زمینه تماماً به نفع کشورمان است و این مسئله برای اهداف راهبردی جمهوری آذربایجان در منطقه نیز مهم است.

برای توسعه روابط فرهنگی بین دو کشور یک سری توافق و پروتکل‌ها به امضا رسیده، اما همان اسناد تحت تأثیر برخی عوامل به صورت کامل اجرا نشده و برخی مفاد نیز اجرا نشده است. و در نتیجه حوادث سیاسی و اجتماعی رخ داده در جمهوری آذربایجان در فاصله سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ میلادی از جمله تجاوز ارمنستان و اشغال ۲۰ درصد از اراضی کشور و نتایج تلخ جنگ و بحران، برای مدتی کمبودهای مالی پیش آمد. مشکلات مالی و تضعیف اقتصاد کشور بر روابط فرهنگی جمهوری آذربایجان و ایران در این سال‌ها تأثیر منفی برجای گذاشت. اما پس از عبور از این مقطع، روابط تاریخی و فرهنگی چندین قرنی موجود بین جمهوری آذربایجان و جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۷ میلادی گسترش یافت. در طول این سال‌ها شاعران، نویسندگان، هنرمندان، روحانیون و موسیقیدان‌های ایرانی به جمهوری آذربایجان سفر کرده و در عوض هنرمندان آذربایجانی نیز به ایران سفر داشته‌اند.

### نتیجه‌گیری

به‌طورکلی با تحلیل وضعیت ژئوپولیتیکی در منطقه و با در نظر گرفتن وجود اشتراکات قومی، دینی، زبانی و فرهنگی و نیز وجود آداب رسوم تاریخی بین مردم جمهوری آذربایجان و ایران می‌توان گفت که جمهوری آذربایجان باید در سیاست خارجی خود برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت ویژه‌ای قائل شود و اصول حسن همجواری و همکاری مفیدی را مد نظر داشته باشد. چرا که تحکیم روابط بین ایران و جمهوری آذربایجان به نفع منافع هر دو کشور است. جمهوری آذربایجان دارای امکانات وسیعی برای توسعه بیش از پیش روابط بین دو کشور است و در سیاست خارجی جمهوری آذربایجان نیز روابط دوستانه با ایران در اولویت قرار دارد و باکو برای این منظور از تمام امکانات خود استفاده خواهد کرد.

ایران که به دنبال منافع اقتصادی، سیاسی و دینی در قفقاز جنوبی است، تلاش می‌کند تا با جمهوری‌های تازه استقلال یافته در قفقاز جنوبی روابط همه‌جانبه‌ای را برقرار کند. در این چهارچوب، روابط جمهوری اسلامی ایران با جمهوری آذربایجان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. واقع شدن هر دو کشور در مکان جغرافیایی مهم به اهمیت آن‌ها در روابط اقتصادی و تجاری به‌عنوان کشورهای ترانزیتی می‌افزاید. هر چند، به دلیل نظام سیاسی و ایدئولوژیک موجود در جمهوری اسلامی ایران و نظام سکولار جمهوری آذربایجان، روابط فرهنگی بین دو کشور در تمام زمینه‌ها نمی‌تواند پیش برود و در چارچوب خاصی توسعه می‌یابد.

**نویسنده:** سبحان طالب لی، عضو انستیتوی شرق شناسی آکادمی ملی علوم جمهوری آذربایجان

# نریمان نریمان اف

Nəriman nərimanov

مولف: تیمور احمداف

TEYMUR ƏHMƏDOV



" ای شرق، ای اولین مردمان، اگر در راه شما جانمرا فدا کنم و برای شما رنج ها را تحمل نمایم. باز هم از آرمانم دست نخواهم کشید. همگان شاهد هستند که من زندگی خود را وقف این آرمان کردم. اگر پیدا می شد لقمانی که جان بدهد، سی سال از عمرم برای تو عطا می کردم.

نریمان نریمان اف

قرن بیستم تاثیر بسیار عمیقی در تاریخ سیاسی - اجتماعی و ادبی آذربایجان گذاشته است. نریمان نریمان اف به عنوان نویسنده، نمایش نامه نویس، مدرس و روزنامه نگار آثار ارزشمندی را از خود بر جای گذاشت. این نوشته خوانندگان را با زندگی و فعالیت های این شخصیت بزرگ آشنا می کند.

## مقدمه

در قرن بیستم نریمان نریمان اف نقش مهمی را در تاریخ افکار انقلابی و آزیخواهانه ماورا قفقاز بازی کرده است. اتفاقی نیست که او قبل از انقلاب در بین مردم زحمتکش به عنوان یک معلم، دکتر، روزنامه نگار، رمان نویس، مدیر، نمایشنامه نویس و بعنوان چهره سیاسی و اجتماعی برجسته شناخته شده است. نریمان نریمان اف یک وطن خواه واقعی بود. او سرنوشت خود و هموطنانش را در هم تنیده میدانست و همین دیدگاه پایه تمام فعالیت های او را تشکیل میداد و از این رو زندگی وی هر چند پر از سختی بود، اما یک زندگی باشکوه بود.

نریمان فرزند کربلایی نجف نریمان اف در ۱۴ مارس سال ۱۸۷۰ (۲۳ اسفند ۱۲۴۸ شمسی) در یک خانواده فقیر در شهر تفلیس (الکون پایتخت گرجستان) به دنیا آمد. قصه های شیرین مادرش حلیمه خانم، صحبت های دلنشین عمویش علیمیرزا و اشعاری که از زبان برادرش سلمان شنید از اوان کودکی غذای روح نریمان اف شد. نریمان کوچک به دلیل ذکاوت، کنجکاو و مهربانی بین همسالان خود متمایز شد. اشتیاق وی برای علم آموزی و

ادبیات پرتو امید را در دل همه روشن کرده بود. به همین دلیل، او را در سال ۱۸۷۹ (شمسی ۱۲۵۸) به مدرسه ای ششکلاسه در تفلیس که تحت کنترل شیخ الاسلام قفقاز بود فرستادند. در برنامه این مدرسه که وابسته به سیستم آموزش و پرورش ماوراقفقاز بود، درسهای دینی و زبانهای ترکی ماورا قفقازی، فارسی و عربی تدریس می شد. زبان تدریس روسی بود. به همین دلیل نریمان باتلاش بیشتر درس میخواند تا آنجا که فرصت تحصیلات در سمیناریای معلمان (دانشکده تربیت معلم) در شهر گوری را بدست آورد.

او سال ۱۸۸۵ (۱۲۶۳ شمسی) در مدرسه ابتدایی که نزد سمیناریای معلمان بود شروع به تدریس کرد. مهمترین اولویت نریمان خوب درس خواندن بود. اهمیت آموزش و از طرفی، داشتن خلقیات لطیف و حساس، به نریمان جوان اجازه نداد به طور عینی رویدادهای سیاسی و اجتماعی دوران را درک کند. اما از سویی دیگر افکار رهایی بخشی توده های زحمت کش او را وادار میکرد که همیشه به این موضوع مهم بیاندیشد. به همین دلیل ایشان بطور آگاهانه به مطالعه تاریخ، ادبیات و فرهنگ ملل پیشرو جهان پرداخت. کنجکاوانه در پی یافتن پاسخ به سوالات خود بود. هنگام خواندن کتاب ها برخی موارد را که او را تحت تاثیر قرار می داد در دفترچه خود یادداشت میکرد. نریمان خدمتگذاری به هموطنان و خدمت به سرزمین مادری خود را دین مقدس و افتخار شهروندی مینداشت.

روزنامه "کشکول" در شماره ۲۸ خرداد ۱۸۹۰ (۱۲۶۹ شمسی) نوشت: "به برخی از کسانی که مدرسه سمیناریای (دانشکده تربیت معلم) گوری را در ۶ ماه به پایان رسانده اند گواهی نامه تدریس داده شود. یکی از آنها نریمان نریمانزاده تفلیسی است. کسانی که گواهی نامه معلمی را دریافت کرده اند، در آن زمان به چاپخانه ما آمدند و قول خدمت به سرزمین مادری و مردم آنرا داده اند."

هنگامی که نریمان در سمیناریا دانشکده تربیت معلم تحصیل می کرد آرزوی تحصیل در دانشگاه را در سر داشت. نریمان در زندگی نامه خود در این مورد نوشته است: من دو ماه از تحصیل سمینار دور بودم. خبر مرگ ناگهانی پدرم را شنیدم و واقعا این خبر من را تحت تاثیر قرار داد. آرزوی ادامه تحصیلم نقش بر آب شد. برای تامین خانواده ام که به من نیاز داشتند به سوی آنها شتافتم. من پس از اتمام سمیناریا برای تدریس به روستای قیزیلجایی اعزام شدم.

او در ۱ سپتامبر، ۱۸۹۰، شروع به تدریس در مدرسه ابتدایی روستای قیزیلجالی کرد. در روستای قیزیلجالی سنت و عادت های دوره فئودالیسم حاکم بود. این موضوع نریمان را که عاشق آموختن بود ناراحت می کرد. بنابراین او مانند یک شمع که اطراف خود را روشن می کند برای جلب کردن کودکان روستاییان به مدرسه شروع به آگاهی دادن در مورد اهمیت تحصیل کرد. این باعث نارضایتی در میان بزرگان روستا شد. آنها معلم جوان را تحت فشار قرار میدادند و سعی می کردند که مدرسه را جمع آوری کنند. ولی نریمان دست از مبارزه کردن با آنها برنمیداشت. بعد ها در باره مبارزه خود می گفت: منبرای اولین بار با ایده جنگیدن با تاریکی فکر بشریت در قیزیلجالی آشنایی پیدا کردم.

نریمان دغدغه های اجتماعی ماورا قفقاز را بسیار خوب می دانست و برای گفتن حرف دل خود به مردم یک مکان مناسب جستجو می کرد. خواسته ها و ایده های بزرگش او را به باکو به مرکز صنعت و فرهنگ برد. نریمان اف در سال ۱۸۹۱ به باکو آمد، در اینجا او شروع به تدریس در مدرسه متوسطه<sup>۱</sup> خصوصی پوبدونوستسو<sup>۲</sup> کرد. او در مدرسه و دبیرستان پسران باکو به نام الکساندر سوم<sup>۳</sup> به عنوان دستیار آموزشگران کلاس کار کرد. در عین حال معلم زبان ماورا قفقاز شد. نریمان اف به عنوان یک معلم صادق و توانا شناخته می شد. بنابراین مدال برنز و سپس نشان درجه سوم استانیسلاو به نریمان اف اهدا شد. در این دوره، کتابهایی که در مدرسه تدریس میشد به زبان مادری نبود و اینهم نریمان را بسیار ناراحت می کرد. حکومت چار به دنبال یک سیاست روسی سازی در ماورا قفقاز بود. به همین دلیل، زبان روسی در مدارس تدریس می کردند و اهمیت به زبان ترکی ماورا قفقاز نمی دادند. در چنین محیطی، نریمان اف کتاب های درسی جدید بر اساس دانش و تجربه خود تهیه کرده بود. لیستی از این کتابها عبارتند: "صرف و نحو مختصر زبان ترکی-ماورا قفقازی" (۱۸۹۹)، "کتابچه ساده برای یادگیری زبان روسی بدون معلم برای مسلمانان" (۱۸۹۹)، "خودآموز زبان تاتار برای روس ها" (۱۹۰۰-۱۸۹۹). این کتاب ها برای دانش آموزان مدارس ماورا قفقاز مدت مدیدی مفید بود. نریمان اف در مقدمه کتاب "صرف و نحو مختصر زبان ترکی-ماورا قفقازی" در مورد مشکلات در مطبوعات به دلیل عدم قانون املائی واحد سخن می گفت: خیرا برادران اهل قلم با نوشتن کتاب های گوناگون سرگرم هستند. اما تا این

<sup>1</sup> Progymnasium

<sup>2</sup> A. I. Pobedonostev

<sup>3</sup> Alexandr III

زمان، به دلیل اینکه هیچ قواعدی در نوشتار زبان ترکی-ماورا قفقازی وجود ندارد هر کس هر گونه که بخواهد می نویسد. مقالاتی که بدون قواعد نوشته شده نه به نفع زبان است و نه به نفع ملت.

کوشش های نریمان اف برای ایجاد موسسه مطبوعاتی به زبان ماورا قفقازی با همان دوره همراه است. روشنفکران این دوره خیلی با تاسیس مطبوعات ملی موافق نبودند. بنابراین نریمان اف در مقاله خود با عنوان "چند کلمه در مورد نویسندگان روشنفکر" آنان را مورد انتقاد قرارداد. همانطور که معلوم است، روزنامه های "ضیا"، "ضیای قفقازیه" و "کشکول" که بعد از روزنامه "اکینچی" منتشر شدند در آن زمان تعطیل شده بودند. در ماورای قفقاز هیچ موسسه مطبوعاتی به زبان ترکیماورا قفقازی وجود نداشت. تا مدتها تنها مطبوعات مسلمانان در روسیه روزنامه هفتگی به ترکی تاتار به نام "ترجمان-پروودچیک" بود، که به سردبیری اسماعیل قاسپرینسکی منتشر میشد. مقالات نریمان اف همچنین در این روزنامه انتشار می یافت. در این مقالات او درباره مدرسه، سینما، موسسه خیریه و سنت ها می نوشت.

اما این روزنامه که نیمی به زبان روسی و نیمی به زبان تاتار منتشر می شد، به گستردگی در میان مسلمانان ماورا قفقاز پخش نشده بود. در مورد این موضوع نریمان اف می گفت: اگر روزنامه ها به زبان ماورا قفقازی در ماورا قفقاز وجود می داشت مردم در می یافتند که چه باید بکنند و چگونه باید اوضاع خود را بهبود بخشند. اما چون چنین روزنامه ای وجود ندارد، بنابراین وظیفه معلمان است که کتابهایی به زبان مادری خود بنویسند. (روزنامه کاسپی، ۱۸۹۶، شماره ۲۵)

نریمان اف، می خواست در آذربایجان مطبوعات دمکراتیک مشرق زمین پایه گذاری کرده و گسترش دهد. او موکل روزنامه های "حیل المتین"، "تربیت"، "ناصری" در روسیه بود که در کشورهای مشرق زمین منتشر می شد. گاهی اوقات او مقالات خود را در این روزنامه ها منتشر میکرد.

اندیشمندان به دنبال یافتن راهی برای ایجاد یک نهاد مطبوعاتی بودند. نریمان اف و غنیزاده تصمیم گرفتند مجله مصور برای کودکان به نام "سوغات" را منتشر کنند. آنها در ژانویه ۱۸۹۶ این موضوع را از فرماندار باکو درخواست کردند. اگر چه پاسخ مثبت نگرفتند اما این پاسخ نریمان اف را تضعیف نکرد. اودر اکتبر ۱۸۹۹ درخواست خود برای انتشار یک روزنامه هفتگی به نام تره خبرلر "اخبار تازه" که تواما مطالب روزنامه با ترجمه روسی هم باشد را به ریاست عمومی امور مطبوعات داد. سپس در ۴ دسامبر ۱۹۰۰، مجدداً به ریاست عمومی امور مطبوعات مراجعه کرد. وی در این دیدارها در مورد اهمیت گسترش زبان و فرهنگ آذربایجان و روسیه در میان مسلمانان ماورا قفقاز گفت و گو کرد. از اینرو، انتشار مجموعه "مکتب" در زبان ماورا قفقازی که به همین موضوع مربوط بود ضرورت داشت. اما حکومت چار از انتشار روزنامه ها و مجلات به زبان ماورا قفقازی به بهانه های مختلف جلوگیری می کرد.

او در آن هنگام در کالج پسرانه بنام الکساندر سوم در باکو مشغول بکار بود. ایشان طی درخواستی از مدیر کل مطبوعات وقت خواسته که باید روزنامه ای به زبان مردم آذربایجان جهت روشنگری امور منتشر شود. در این اواخر برخی مطبوعات روسی از عقب ماندگی مسلمانان از تحصیل را مطرح میکنند. اخبار ایران نیز فقط به زبان روسی منتشر میشود که آنرا هم یک مشت مامور میتواند بخواند.

نریمان اف با تمام توان، به پیشرفت مردم کمک می کرد. با دوستان روشنفکران خود تاتر پایه گذاری کردند و در نمایشهای تاترها گاهی کارگردان گاهی بازیگر می شد.

در آوریل ۱۸۹۴، نریمان اف موفق به افتتاح اولین قرائتخانه ملی در خیابان گورچاکوف (در حال حاضر مالگین) بود. قرائتخانه نریمان اف به زودی در روسیه و کشورهای مشرق زمین مورد توجه قرار گرفت. روزنامه ها، مجلات و کتاب ها از استانبول، صوفیه، قاهره، تهران، تبریز و دیگر شهرستانها به اینجا ارسال می شد. روشنفکران سایر کشورها یکدیگر را در این محل ملاقات می کردند. این مکان به مرکز فرهنگی تبدیل شده بود. در این مرکز جوانان جمع شدند، آثار جدید به زبان ماورا قفقازی خوانده میشد و مورد بحث و تبادل نظر قرار میگرفت. (و. ممداف. نریمان نریمان اف. باکو، اوشاقگنجش، ۱۹۵۷، ص. ۲۵)

قرائتخانه نریمان اف به مدت چهار سال فعال بود. گردهم آمدن جوانان در قرائتخانه برای حکومت چار نگران کننده بود. به این دلیل، قرائتخانه را در سال ۱۸۹۸ با انگ اتهامات "سیاسی" بستند. با وجود این "قرائتخانه نریمان اف" آغاز فصلی نو در افکار عمومی مردم آذربایجان بود.

در پایان قرن ۱۹ میلادی در فعالیت هنری نریمان اف پیشرفت های چشمگیری به وجود آمد. نریمان اف کمدی نادانلیق " نادانی" (۱۸۹۴) و " شامدان بی" (۱۸۹۵)، تراژدی تاریخی " نادر شاه" (۱۸۹۸)، بخشی از رمان " بهادر و سونا" (۱۸۹۶) را نوشت و منتشر کرد. او کمدی "مفتش" گوگول (۱۸۹۲) را به زبان آذربایجانی ترجمه کرد و به نمایش گذاشت. نریمان اف خدمات بزرگی در توسعه نمایشهای ملی آذربایجان کرد.

<sup>4</sup>Tercuman-Perevodchik



بهتاشا گذاشتن نمایشنامه ی "مفتش"، جسارت می طلبید. نریمان افبه این اثر اهمیت خاصی را می داد. راز اهمیت دادن او به این اثر جلب توجه هموطنان خود به بی عدالتی، استبداد در زندگی اجتماعی بود. برای نریمان اف، "کمدی، آینه زندگی" بود. "هدف واقعی از کمدی" آگاهی و تربیت است. تئاتریک نوع مدرسه برای بزرگسالان است.

او در سال ۱۹۰۲، در دبیرستان پسرانه به نام الکساندر سوم امتحان داد و دیپلم رسمی را دریافت کرد. در ماه جولای همان سال، او وارد دانشکده پزشکی در دانشگاه امپریال نوروسیبیسک در بندر ادسا شد. هنگامی که نریمان اف دانشگاه را شروع کرد، ۳۲ ساله بود. او جدی اما بسیار خوشرفتار و مسن تر از همکلاسی های خود بود. به همین دلیل او را به عنوان نماینده کلاس انتخاب کردند.

از روزهای اول نریمان اف شروع به ایجاد یک جامعه متشکل از دانشجویان مسلمان کرد. اعضای این جامعه در تقاطع سرتنسک در اپارتمان شماره ۵۱ در خانه شماره ۱ جمع می شدند و تا نیمه شب صحبت می کردند. شیوه زندگی و مبارزه مردم در روسیه جهان بینی نریمان اف را تحت تاثیر قرار می داد.

اوضاع آشفته سیاسی و اجتماعی نشان می داد که طوفان قدرتمندی در راه است. دانشجویان قفقازی مشتاق پیوستن به این نیروهای انقلابی بودند. نریمان اف به جریانات انقلابی پیوست و به زودی یکی از رهبران مخفی انجمن های دانشجویی شد. او از مردم می خواست تا با استبداد مبارزه کنند. یکی از روش های مبارزاتی او عرصه نمایشی بود. او دوست نزدیک از بازیگران دوستدار روسیه بود که در غذاخوری ارزان کارگران روزهای یک شنبه فعالیت می کردند. او یک انجمن سیاسی در میان کارگران بندر تاسیس کرده بود. گاهی در تهیه نمایشنامه ها نریمان اف به بازیگران روسیه کمک می کرد. (نگاه کنید: روزنامه "زاریا واستوکا"، مارس ۲۹، ۱۹۲۵، شماره ۸۳۶)

او همچنین در دانشگاه یک گروه نمایش متشکل از دانشجویان به وجود آورده بود که اطلاعات جالبی در این مورد در روزنامه "مترجم" هست.

نریمان اف کوشید تا فاجعه تاریخی "نادر شاه" را در کریمه نمایش بدهد. اما روسیه ی تزاری هرگز اجازه نداد. بدون شک، حادثه "بازار خون" در روسیه در سال ۱۹۰۵، احوال انقلابی توده ها را تشدید کرد.

در ماه اکتبر ۱۹۰۵، جنبش انقلابی سیاسی کشور را فرا گرفت و اعتصاب سرتاسر روسیه را به تعطیلی کشانید. در چنین دوره پر تنش نریمان اف در اودسا سخنرانی کرد که موضوع آن در مورد برتری حکومت جمهوری بر سلطنت بود. او همانطور که دیده می شود، از سال های اولیه انقلاب، نریمان اف مردم را تشویق به مبارزه برای آزادی می کرد. نریمان در سخنرانی خود، تاکید می کرد که دولت چار یک دشمن سخت برای همه مردم روسیه است.

در سال ۱۹۰۵، دانشگاه نوروسیبیسک در نتیجه اعتصاب بسته شد. اکثر معلمان و دانشجویان یا دستگیر و یا تعقیب می شدند. برای فرار از این وضعیت، در ماه اوت در سال ۱۹۰۵، نریمان اف تلاش کرد از دانشگاه کازان خارج شود.

نریمان اف در سال ۱۹۰۶ به باکو برگشت. در نوشته های خود در روزنامه "ارشاد" با عنوان "صحبت جمعه"، در روزنامه "حیات" با عنوان "فریاد زندگی" توده ها را به مبارزه تشویق می کرد.

در سال ۱۹۰۶ نریمان اف، برای برقراری ارتباط و انجام فعالیت های مخفیانه انقلابی و سیاسی خود با انگیزه سیاسی باز به طرز ماهرانه ای از جامعه خیریه "نجات" استفاده کرد. بعد از عضویت در تشکیلات "همت"، نریمان اف همچنین به حرکات آزادی ملی در ایران کمک کرد.

در ماه اوت در سال ۱۹۰۶، نریمان اف و حسن بی زردابی رییس اولین کنگره معلمان مسلمان در ماورا قفقازیا بودند. در یکی از جلسات که، موضوع زبان تحصیلی مورد بحث قرار گرفته بود. نریمان اف بیان داشت که دیگر زمان تهیه کتاب های درسی به زبان ترکی آذربایجانی است. کنگره، پیشنهاد جسورانه نریمان اف را تصویب کرد. روز بعد از زین العابدین تقی اف به منظور ایراد سخنرانی به هدف تاثیرگذاری بر معلمان در همین زمینه، دعوت بعمل آمد که در کنگره حضور بهم رساند. او در سخنرانی خود گفت: "ایا شما می دانید که نریمان اف کیست؟ او یک سکه در جیب خود ندارد، بحساب من می خواند، اما اینجا سخنرانی انقلابی می کند. او تنها ذهن مردم را معشوش میکند. من از شما خواهش می کنم تصمیم دیروز را رد کنید."

سکوت سالن رافرا گرفت شد. همه داشتند به نریمان اف نگاه می کردند. نریمان اف به آرامی گفت: "دوستان، من یکی از دانشجویان هستم که از تقی اف بورس تحصیلی گرفتم. اما من نمی دانستم که در مقابل بورس تقی اف سرنوشت دانشجویان را باید به دست او بسپارم. الان وقت حرف زدن است و من نمی توانم خاموش بنشینم. هرگز به کسی اجازه ندادم که منرا با قدرت پول یا طلا ساکت کند. و الان هم اجازه نمی دهم. در پیش همه شما، من با کمال میل کمک مالی او را رد می کنم."

انقلاب روسیه جهانی بینی نریمان افیه طور جدی را تحت تاثیر قرار داد. او بعدها در مورد این واقعه می نوشت:

"من ۱۵ سال از عمرم را صرف علم و تحصیل کردم که به مردم خدمت کنم. اما حاجی زین العابدین به شرافتم توهین کرد. این مبارزه ای بود بین یک دانشجوی فقیر و یک حاجی میلیونر.

(نریمان نریمان اف. مقالات و نامه ها. باکو، ۱۹۲۵، ص. ۶۷-۶۸)

در پایان، ۱۹۰۶ نریمان اف برای ادامه تحصیلات خود در دانشگاه امپراتور نووروسییسک به اودسا برگشت. در سال های ۱۹۰۶-۱۹۰۸، مردم بطور داوطلبانه از آذربایجان مرتباً به نریمان اف کمک های مالی کردند.

پس از فارغ التحصیلی از دانشکده پزشکی دانشگاه امپراتور نووروسییسک نریمان اف به باکو برگشت. او تصمیم داشت یک بیمارستان خصوصی در باکو تاسیس کند. برای کار انقلابی مخفی لازم بود که یک بیمارستان خصوصی داشته باشد. اما در این زمان نریمان اف را فوراً برای کمک به جنبش های آزادیخواهانه ایران به تقلیس فرستادند. در یکی از اسناد مخفی به وضوح نوشته شده است که نریمان اف برای یک ماموریت حزب خاص به تقلیس رفته بود: "بر اساس دستور که از طرف مرکز به دکتر نریمان اف داده شده است، او وظیفه نظارت بر تحرکات و امور مالی و همچنین تمام فعالیت های شعبه را به عنوان یک مسئول، بعهده داشت.

(نریمان نریمان اف. مقالات و نامه ها. باکو، ۱۹۲۵، ص. ۶۷-۶۸)

از اسناد رسمی به وضوح دریافت میشود که نریمان اف و سازمان " همت " به انقلابیون ایران کمک می کردند، مهمات، تجهیزات چاپ و ادبیات را می فرستادند. هنگامی که نریمان اف در تقلیس بود، او در اتاق شماره ۲۶ در هتل ماورا قفقاز زندگی می کرد و بیماران را در این اتاق معاینه می کرد. نریمان اف، از روز اول ورود به تقلیس از طرف پلیس حکومت چار تحت کنترل بود.

در ایران نیروهای فدای تحت رهبری قهرمان ملی ساتارخان در برابر ارتش شاه می جنگیدند. سفیر چار در یکی از پیام های ارسال شده از ایران به دولت خود اظهار میدارد که، تبریز تبدیل به یک قلعه شده که فتح کردنش برای ارتش شاه ممکن نیست. (نگاه کنید: ادیا<sup>۵</sup>، ۱۰۲، فهرست ۱۰، پوشه ۱۶۹، ۱۹۰۹)

نریمان اف در ۱ مارس ۱۹۰۹، در قلعه متخ دستگیر شد. در ماه مارس ۸، عکس او گرفته شد، بعد از دو روز اولین بررسی و تحقیق آغاز شد. اداره ژاندارم استان تقلیس نریمان اف را در "فرستادن انسان، سلاح و مواد منفجره به ارتش انقلابی ستارخان و باقرخان" متهم کرد.

هنگام جستجو از نامه ای که پلیس به دست آورده بود به نظر می رسید که، در سال ۱۹۰۷ کمیته مرکزی حزب مجاهدان از فعالیت های اجتماعی و سیاسی و عملی نریمان اف تشکر کرده بودند. ( سسر مدناً گرجستان ۲، فهرست ۱، پوشه ۸۳۹، ص. ۶۹)

ارتباط با حزب مجاهدان یکی از درخشان ترین صفحات فعالیت های انقلابی او بود. نریمان اف به مدت هفت ماه در قلعه متخ در تقلیس محبوس ماند. جامعه دموکراتیک ماورا قفقاز، آزادی فوری نریمان اف را طلب می کرد. نامه های اعتراض روشنفکران مترقی در صفحات مطبوعات " ماورا قفقاز"، "ترقی"، "باکو" و غیره... چاپ می شد. اما خواهش جامعه دموکراتیک نتیجه نداد. در یکی از نامه های فرستاده شده به وزارت امور داخلی دفتر ژاندارم در تقلیس نوشته شد که: "دکتر نریمان اف باید به مدت پنج سال به یکی از مناطق دور در سیبری تبعید بشود."

در ۳۰ سپتامبر ۱۹۰۹، نریمان اف با خانواده خود به شهر هشترخان تبعید شد. یک روز پس از ورود به هشترخان نریمان اف به مدرسه "دار الادبا" رفت و پزشکی رایگان مدرسه را بر عهده گرفت. نریمان اف کارهای خود را در تبعید ادامه می داد. اینجا توده های سختکوش نریمان افرا به آغوش گرفتند چون او را دوست داشتند.

روزنامه " برهان ترقی" در ۱۱ اکتبر ۱۹۰۹، با احترام در سرمقاله " دکتر نریمان بی" می نوشت: "اقای نریمان بک! هرگز فکر نکنید که اینجا زندانی یا غریب هستید. چون که همه جهان برای اصلاح وطن است. شما گوهر ملت هستید. گوهر در همه جا گوهر است.

(سسر اویمتا<sup>۶</sup>، لیست ۱۰، کار ۱۶۹، ورق ۴۶)

نریمان اف به عنوان یک دکتر حقیقی از طرف مردم پذیرفته می شد. در مطب نریمان اف نه تنها ترکهای آذربایجان، بلکه روس ها، قرقیزها، ترکمن ها، فارس ها و کارگران ارمنی همچنین معاینه می شدند. اتاق کوچک او صبح از ۹ تا ۱۲ و شب از ۶ تا ۸ مملو از بیماران بود.

<sup>5</sup>ADIA

<sup>6</sup>SSR MDTA

<sup>7</sup>SSRI OIMTA

۲۱ اوت در سال ۱۹۱۱، مدت تبعید نریمان افیه پایان رسید. اما پس از پنج ماه به نریمان اف اجازه دادند تا به باکو بر گردد. به خاطر این که وضعیت مالی او خوب نبود برای مدتی در هشترخان ماند و فعالیت های اجتماعی خود را ادامه داد. مقاله های او با عنوان " تلفن " در روزنامه " برهان-ترقی " با یک امضای مخفی "اری بک"<sup>۸</sup> منتشر می شدند و این مقاله ها در تاریخ روزنامه نگاری آذربایجان، هم از جهت فرم و هم از جهت محتوی جدید بود. وی در این مقاله ها در مورد مهم ترین موضوعات روز سخن می گفت.

پس از انتخاب شدن به عنوان رئیس "دانشگاه خلق" نریمان اف تلاش می کند این مکان را به مرکز تبلیغات و تحریکات سیاسی تبدیل کند. همزمان نریمان اف شومیان را که در سال ۱۹۱۲ به هشترخان تبعید شده بود به دانشگاه خلق دعوت کرد.

نریمان اف فعالیت های انقلابی مخفی خود را در هشترخان ادامه می داد. او به جوانان مسلمان عضو جامعه اسلامی توصیه می کرد که راه واقعی مبارزه برای رسیدن به آرمانها و اهداف انقلابی جنگیدن و سرنگون کردن حکومت چار است.

در ژانویه ۱۹۱۳ نریمان اف از طرف کارگران دموکراتیک نامزد ریاست شهرداری و سپس به این سمت انتخاب شد. شومیان پیروزی بزرگ کارگران را با خوشحالی به نریمان اف خبر داد.

نریمان اف در ماه جولای ۱۹۱۳ به باکو بازگشت. آنجا یک مطب خصوصی باز کرد. سپس نریمان اف در قاراشهر در یک بیمارستان بصورت رایگان به عنوان رئیس بیمارستان شروع به کار کرد. کارهای ادبی - انتقادی و علمی-نظری و هنری او در مطبوعات آن زمان منتشر می شدند.

نریمان اف داستان " ماجراهای یک روستای " (۱۹۱۵)، داستان " پیر " (۱۹۱۷)، و مطالبی چند در زمینه پزشکی را نوشت، اثر " اعدام " ژن را ترجمه کرد و این آثار منتشر شدند. نریمان اف یک مجمع ادبی مستقل تاسیس کرد. اعضای مجمع ادبی کاظم اوغلو، سلمان ممتاز غنیزاده، عبدالله شایق، س.ح. صادق و چند نفر دیگر - توجه جدی به موضوع زبان و دیگر امور علمی و هنری داشتند. زیرا یکی از مهمترین موضوعات در این دوره مبارزه برای نجات زبان مادری بود.

زمان آن رسیده بود که مطبوعات دوره ای منتشر شود که توده های مستضعف را از مشکلات اجتماعی خبردار کند و آنان را برای مبارزه انقلابی آماده سازد. این موضوع به یک دغدغه جدی در ذهن نریمان اف تبدیل شده بود. عبدالله شایق نقل می کند که در سال ۱۹۱۴ نریمان اف آرزوی انتشار مجله "دان اولدوزو" را داشت، ولی از این ایده به دلیل پیچیدگی شرایط سیاسی و بحران اجتماعی خودداری کرد.

نریمان اف در ماه ۱۸ دسامبر ۱۹۱۶ از رئیس پلیس باکو درخواست کرد تا یک ماهنامه علمی و ادبی و سیاسی با اسم " فکر " منتشر کند. اما کوشش نریمان اف نتیجه نداد. با وجود این، نریمان اف به دنبال راه های جدیدی برای ترویج ایده های انقلابی خود در میان توده ها بود. (و. ممداف. نریمان نریمان اف. اوشاق گنجشیر، باکو، ۱۰۱-۱۰۲)

بلافاصله پس از انقلاب دموکراتیک بورژوا در ماه فوریه ۱۹۱۷، سازمان "همت" به طور جدی موضوع انتشار ادبیات و روزنامه ها به زبان ترکی آذربایجانی را پیگیری کرد. سرانجام، در سوم جولای ۱۹۱۷ در باکو اولین شماره "همت" با چهار هزار نسخه منتشر شد. چهره های انقلابی مانند ن. نریمان اف، س.م. افندیف، ت. شاهبازی، د. بنیادزاده در تحریریه روزنامه همکاری میکردند. سردبیر روزنامه "همت" نریمان نریمان اف بود.

روزنامه "همت" با هدف حمایت از حقوق کارگران و زحمتکشان بعد از انقلاب همه آنان آگاهی لازم را میداد. بنابراین، در روزنامه نوشته شده بود: "هدف ما متحد کردن همه مردم است و می گوییم: برای همه مردم هدف و راه یک است." (روزنامه " همت " جولای ۳، ۱۹۱۷، شماره ۱)

این روزنامه در همه جای کشور مورد اقبال قرار گرفت و برای زحمتکشان ها یک نعمت بزرگ بود. در سال ۱۹۱۷-۱۹۱۸ روزنامه "همت" تنها روزنامه بلشویکی در سراسر روسیه بود.

اگر چه تنها یک صد و سیزده شماره از "همت" تا ماه ۳۰ جولای ۱۹۱۸ منتشر شد، ، این روزنامه آینه تمام نمایی از مبارزات بود. نریمان اف، در روزنامه اغلب اوقات مقالات خود را در مورد مفهوم انقلاب می نوشت. مقالات نریمان اف مثل "انقلاب فرانسه"، "امروز"، "نظر ما به انقلاب روسیه"، " من از اتحادیه دعوت می کنم"، " ما باید چه کار کنیم؟" نمونه های عالی از نوشته های انقلابی او هستند.

در آن روزهای سخت، بلشویکهای ماورا قفقاز تلاش کردند تا قدرت توده های مستضعفرا برای وظایف مهمتری جذب کنند. آنها در معادن نفت و کارخانه ها و کارگاه ها سخنرانی می کردند و کارگران را برای مبارزه سیاسی آماده می کردند. جلسات سخنرانی نریمان اف در همه جا با استقبال فراوان همراه بود. چرا که او راه های رهایی

۸ اقا زنبور

از ظلم و ستم را نشان می داد. (نگاه کنید: "کاسپی"، ۲۰ ماه مه، ۱۹۱۷، شماره ۱۰۳؛ "آچیق سوز"، ۱۷ مارس، ۱۹۱۷، شماره ۴۲۶، و غیره.)

۲۶ در اکتبر، ۱۹۱۷، قیام مسلحانه در پتروگراد به پیروزی رسید. همین روز، در ساعت ۷ شب، مردم باکو در میدان "آزادلیق" گرد هم آمدند. نریمان اف، شامیان، چاپاریدزه، زوین و چهره های دیگر به زبانهای ترکی آذربایجانی، روسی و ارمنی سخنرانی کردند. آنها حاکمیت کارگران و دهقانان روسیه را تحسین کردند. در ۱۵ نوامبر، ۱۹۱۷ نیروهای ضد انقلابی ماورا قفقاز یک سازمان ضد شوروی در تفلیس تشکیل دادند. این سازمان علیه نیروهای انقلابی به دنبال برنامه ریزی برای ترور و طرح ضربه به انقلاب بود. نریمان اف در مورد این موضوع به توده های زحمتکش هشدار داد. او بیان کرد که آن نیروهای ضد انقلاب بین ملت ها نفاق می اندازند. (روزنامه "همت"، ۱۶ ژانویه ۱۹۱۸، شماره ۲۷)

قتل سربازان انقلابی روسیه در اطراف شهرشمکیر و گنجه که از جبهه ترکیه باز می گشتند، ریاکاری کمیساریای ماورا قفقاز را فاش کرده بود. مطبوعات بلشویک ماورا قفقاز جنایات خونین کمیساریای ماورا قفقازی را با کین آلود کرد. در روزنامه های "اخبار شوروی باکو" و "همت" مکتوب نریمان اف با اسم "نامه سرگشاده به سوسیالیست ها نشسته در کمیساریای ماورا قفقاز" منتشر شد. (نریمان اف. مقالات و نامه ها، باکو، ۱۹۲۵، ص. ۲۵-۲۶)

نریمان اف می گفت: رمان "بهادر و سونا" را من نوشتم. این رمان دقیقا ده سال پیش نوشته شده بود. در این رمان دختر ارمنی سونا باهوش است و مردم خود را بسیار دوست دارد. بهادر که مسلمان است و با سونا یکدیگر را دوست دارند. بهادر سعی می کند که دوستی را بین مردم احیا کند. بسیاری آرزوهای آنها به حقیقت نرسید. اما هر دو باور می کردند که اگر عوامل تفرقه و جدایی از بین برود، مسلمانان و مسیحیان متحد می شوند، آن زمان اصطلاح ترک، گرجی و ارمنی هم دیگه کارایی نخواهد داشت. از اثر خودم نمونه آوردم تا مرا خوب بشناسید. من از ته قلبم به شما اعتراض می کنم!" (نریمان اف. مقالات و نامه ها، باکو، ۱۹۲۵، ص. ۲۶-۲۷)

در ۲۵ مارس، ۱۹۱۸ در باکو، کمیساریای های مردم شورای باکو تاسیس شد. نریمان اف اینجا به عنوان کمیسار اقتصادی شروع به کار کرد. برای بهبود کردن مشکل تجارت، حمل و نقل، تدارکات خیلی سعی کرد. با تمام وجود می خواست که در باکو مدارس جدید، کتابخانه، کارگاه ها تاسیس کند.

در بهار ۱۹۱۸، نریمان اف بیمار شد. به توصیه پزشکان برای سرعت بخشیدن به معالجه ایشان با یک نوع گل مخصوص او را در شهر هشترخان مکانی بنام "تیناکی" فرستادند.

آن روزها جنگ با همه شدت خود همه جا را فرا گرفته بود. لنین در تلگرام خود که به کمونیستهای هشترخان فرستاده بود، برای نجات منطقه هشترخان از فاجعه، در انتخاب آدم ها به اعتماد و اطمینان آنها مورد توجه باید باشد. (نگاه کنید: لنین، مقالات، جلد ۳۵، ص. ۳۴۱)

در چنین زمان، نریمان اف با وجود خستگی و بیماری خودش کارگران مسلمان قرقیز، تاتار و ایرانی را به مشارکت در جنبش های سیاسی دعوت می کرد و در باره وظیفه شهروندی کارگران سخنرانی میکرد.

نریمان اف مدیر بخش پزشکی کمیساریای سیاسی هشترخان بود. در اینجا با کیروف که رییس کمیته انقلابی نظامی بود ملاقات کرد و در تمام اقدامات حفاظتی به طور فعال شرکت کرد. حافظ سیفی-انقلابی تاتار- می نویسد که، نریمان اف جان حرکات انقلابی بود. (در کنار کمیته ملی. میا<sup>۹</sup> سویکپ. مک. ۱، سهم ۷۲، فهرست ۳، بسته ۸۷۵، ص. ۴)

در اوایل ۱۹۱۹، نریمان اف به عنوان رییس اداره آموزش و پرورش استان هشترخان کار می کرد. او به تاسیس مدارس و مراکز فرهنگی به سبک جدید اقدام نمود.

نریمان اف در مورد تعصب مذهبی می گفت: "اعتقاد یک فرد بستگی به وسعت فکر او دارد. نباید آدم ها را مجبور کنید تا به دین روی بیاورند. و نباید گفت که تو خدایی نداری، و دین را باور نکن. مانند برخی از دوستان کمونیست این موضوع را نباید با حکم و دستور و اجبار برقرار کرد. این موضوعی است که بستگی به توسعه اندیشه انسانها دارد. در این زمینه ما باید مراقب باشیم."

۲۰ دسامبر در سال ۱۹۱۸، در جلسه معلمان مدرسه تاتار و ملا ها و ۲۸ دسامبر در سال ۱۹۱۸ نریمانف در سخنرانی خود در جلسه کمونیست های مسلمان نریمان افخدا پرستی را نهی کرد. لنین، تبلیغات نریمان اف را مورد تحسین قرار داد.

<sup>9</sup> MLI. MPA.

<sup>10</sup> SOV. İKP. MK.

در ماه مارس سال ۱۹۲۱، وزیر امور خارجه چیچرین در نامه خود که به رک (ب) پ مک<sup>۱۱</sup> فرستاده بود در مورد تبلیغات نریمان اف می گفت: "نریمان اف توصیه های بسیار ارزشمند برای مروجان شرق داد." لنین بلافاصله پس از خواندن نامه این فرمان را به چیچرین داد، "راه. چیچرین! من کاملا با شما موافقم. پروژه ایشان محقق شود. (آیا می توانیم اینجا متن کامل یا حداقل بخشی از متن سخنرانی نریمان اف را بگذاریم؟ ارایه دادن متن کامل بهتر است.) این مهم است. لنین." (مجمعه لنین، جلد ۱، ص. ۳۳۳)

نریمان اف در سخنرانی خود با اسم " نظر ما در مورد دستیابی به قفقاز " می گفت: همه کشورهای قفقازی، از جمله ماورا قفقاز یک جمهوری مستقل در ترکیب شوروی اعلام خواهد شد.

در ماه جولای ۱۹۱۹ در هسترخان در چاپخانه "کوچ" کمیساریای مسلمان ماورا قفقازیا، کتاب "با چه شعار ما به قفقاز می رویم" نریمان اف منتشر شد. در آن زمان این اثر مخفیانه در ماورا قفقاز توزیع شد. نریمان اف در این کتاب ماهیت و وظایف اصلی را توضیح داده بود که کمونیست های مسلمان بایست انجام دهند. نریمان اف از کارگران و دهقانان می خواست تا حاکمیت را بدست بگیرند. او می گفت: "فقط آدم های زحمتکش حق دارند که از نعمت های زندگی لذت ببرند و قوانین جامعه را تدوین کنند. صاحبان املاک و کارخانه ها چنین حقی ندارند. ما بر علیه سرمایه داری اعلان جنگ میکنیم. اینکه تاکنون در با دسترنج کارگران زندگی کرده اید، کافیسیت! باین شعار ما قفقاز را ترک کردیم و با این شعار ما به قفقاز باز خواهیم گشت." (نریمان اف، با چه شعار ما به قفقاز می رویم، هسترخان، ۱۹۱۹، ص. ۶)

نریمان اف در مسکو به عنوان رئیس بخش مسلمانان ماورا قفقاز، و چند ماه بعد به عنوان معاون کمیسر امور مردم رفسر<sup>۱۳</sup> مشغول به کار بود.

نریمان افسفیر افغانستان (اولین دولت خارجی که با دولت شوروی روابط دیپلماتیک ایجاد کرده بود) را در مسکو ملاقات کرد. " برای اولین بار، در تاریخ سیاست شوروی نریمان اف به زبان ترکی آذربایجانی خطاب کرده بود. نریمان اف می گفت که، خطاب کردنش به زبان ترکی اثبات این است که در روسیه شوروی همه ملت ها برابر و آزاد هستند." (و.مداف. نریمان نریمان اف. باکو، ۱۹۵۷، ص. ۱۱۰)

استالین به نریمان اف دستور داد تا با سفیر هند با استاد مسلمان پراساد مذاکره کند. (نگاه کنید به: استسوف. خاطرات مسکو، ۱۹۶۹، ص. ۱۷۷)

نریمان اف در حل مسائل کشورهای شرق به تصمیم و دستورهای لنین اکتفا می کرد. نریمان اف نوشته است: "ولادیمیر ایلیچ همیشه اعتراف می کرد که او با زندگی مسلمانان شرق آشنا نیست. ولی لنین قابلیت تحلیل کردن زندگی مردم جهان سوم را داشت. کسانی که در مورد رهایی مردم مظلوم شرق زمین با او صحبت می کردند، فکر می کردند می توانند مشکلات را حل کنند."

برای نریمان اف، رهایی مردم شرق از اسارت سرمایه داران بنیادی آنهاست. بخاطر این، نریمان اف به دنبال ایجاد یک جمهوری مستقل شوروی در آذربایجان از جمله در ماورا قفقاز بود.

کارگران و دهقانان ماورا قفقاز به نریمان اف اعتقاد داشتند و با اطمینان میگفتند که "هرجا که نریمان اف برود ما هم می رویم."

در ۸ ماه آوریل ۱۹۲۰، با تصمیم کمیته مرکزی حزب کمونیست اداره قفقازیه تاسیس شد. با پیشنهاد لنین، نریمان اف به ترکیب اداره قفقازیه پیوست. اداره قفقازیه در ایجاد حاکمیت شوروی بر قفقاز شمالی و ماورا قفقاز نقش مهمی ایفا کرد. سازمان کمونیستی ماورا قفقاز شروع به مقدمات لازم جهت قیام مسلحانه از دهقانان و کارگران کرد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ماورا قفقاز در ۲۷ ماه آوریل، ۱۹۲۰ کمیته موقت انقلابی مسلحانه را برای رهبری قیام مسلحانه ایجاد کرد. نریمان اف موقتا بعنوان رئیس کمیته موقت انقلاب مسلحان انتخاب شد. در نتیجه، کارگران و دهقانان ماورا قفقاز قیام کردند و حاکمیت را بدست گرفتند. روسیه شوروی به درخواست کمیته انقلاب مسلحانه موقت ارتش سرخ یازدهم را برای کمک اعزام کرد.

در ۲۳ ماه آوریل، ۱۹۲۰ اورجونوکیدزه در تلگرام خود که به لنین فرستاده بود می نوشت: "باکو به نریمان اف نیاز دارد. از شما خواهش می کنم، او را اینجا بفرستید." (سهم مدگوا<sup>۱۴</sup>، فهرست ۲، پوشه ۵، ص. ۴۸).

در ۲۸ ماه آوریل ۱۹۲۰ تحت فرمان یفروموف ستون زرهی از ارتش سرخ یازدهم به نام "کراسنی داغستانس"، "اینترناسیونال سوم"، "کراسنایا استراخان" و "تیمافوی اولیانتسو"، دو روز بعد سواره نظام اصلی و سربازان

<sup>11</sup>RK(b)P MK

<sup>12</sup>XXXX

<sup>13</sup>RFSR

<sup>14</sup>MDQOA

پیاپی نظام وارد باکو شدند. لنین یک تلگرام تبریک به مردم از طرف شورای کمیساریای مردم رفسر<sup>۱۵</sup> فرستاد. در ماه مه ۱۹۲۰، کارگران و دهقانان نریمان اف را با شادمانی در باکو ملاقات کردند. نریمان اف در تلگرام فرستاده شده به مسکو می گفت:

"مسکو.

به لنین عزیز، به چیچرین. شانزدهم آوریل من وارد باکو شدم و از طرف مردم با شادمانی مورد استقبال قرار گرفتم. شوق انقلاب اینجا موج میزند. مردم اطمینان دارند که روسیه شوروی کمک خواهد کرد تا آذربایجان شوروی جوان تقویت پیدا کند. رییس کمیته انقلاب آذربایجان نریمان اف."

مشاوره هوشمندانه لنین در شرایط دشوار به نریمان اف الهام می بخشید. در سخت ترین لحظات خود نریمان اف با معلم بزرگش مشورت می کرد.

کمیته انقلاب آذربایجان به کمک روسیه شوروی متکی بود و از ماه های اول با اقدامات لازم مهم ترین برنامه های سوسیالیستی راموقیت به اجرا درآوردند: صنعت نفت، بانک و غیره را ملی کردند. (نگاه کنید: روزنامه کمونیست، مه ۲۷، ۱۹۲۰؛ شماره ۲۱؛ جولای ۱۱، ۱۹۲۰، شماره ۳۳، و غیره.)

نریمان اف نخستین رئیس شورای کمونیست های خلق آذربایجان مستقل شوروی بود. نریمان اف دلگرمی مردم را درک کرده بود و برای پیروزی و تقویت قدرت شوروی بسیار تلاش کرده بود. آغامالی اوغلی در خاطرات خود نوشته است: "در طول سفرهای داخل جمهوری من نریمان اف را دقت میکردم و با چشمان خودم دیدم که او چقدر اقتدار و نفوذ در میان جمعیت کارگران آذربایجان دارد. همه به او عشق می ورزیدند. بدون شک این سفر در آن زمان برای تقویت ساختار جدید بوجود آمده اهمیت زیادی داشت." (نگاه کنید: موسسه مطالعات شرقی فرهنگستان علوم وابسته به دانشگاه علوم، "کارهای علمی"، جلد چهارم، باکو، ص. ۲۳)

در سال ۱۹۲۲، نریمان اف در یک کنفرانس بین المللی در جنوا، ایتالیا شرکت کرد. خاطرات او از جنوا در مطبوعات جمهوری منتشر شد.

در این سالها نریمان اف با جدیت پیگیر رشد ادبیات و هنر در آذربایجان بود. در سال ۱۹۲۱، با کوشش نریمان اف مجله "صنعت-نقیسه" به زبان های روسی و ترکی آذربایجانی منتشر شد. در ماه مه ۱۹۲۲، نریمان اف بعنوان رئیس شورای اتحادیه فدراسیون آذربایجان انتخاب شد.

زمانی که اتحاد جماهیر شوروی تشکیل شد، نریمان اف یکی از چهار رهبر اول کمیته مرکزی اتحاد جماهیر شوروی شد. نریمان اف همزمان با فعالیت های عمومی و اجرایی کار ادبی و روزنامه نگاری خود را نیز ادامه می داد.

نریمان اف با استفاده از فرصت های داخلی در آذربایجان سعی میکرد حوزه های اجتماعی و سیاسی را در مسیر ایدئولوژی سیاسی لنین توسعه دهد. رهبران بلشویک اصلاحات بی طرف نریمان اف را دوست نداشتند و میکوشیدند تا اختیارات وی را محدود سازند. نریمان اف تحت حملات شدید قرار گرفت. او متوجه شد که، هدف اصلی روسیه شوروی در همراهی با آذربایجان بهره برداری کردن از نفت بود. و چون مهمترین مسیرهای آسیا بود. استالین به طور علنی گفته بود: "اهمیت آذربایجان برای انقلاب مواد اولیه، سوخت و منابع غذایی و واقع شدن در مسیرهای مهم اقتصادی آنست." (نگاه کنید: استالین، آثارش، جلد ۴، ص. ۱۰۸)

در سال ۱۹۲۴، پس از مرگ لنین نریمان اف در محیط حیل گرانه کرملین تنها ماند. در نامه خود تحت عنوان "نامه به پسر" او تاکید کرد که رهبران کرملین مسیر واقعی را فراموش کرده اند.

در فوریه ۱۹۲۵، در کمیته انقلاب ملی اتحاد جماهیر شوروی اتحادیه مطالعات حوزه شرقی به مناسبت سی امین سالگرد فعالیت های ادبی و اجتماعی و سیاسی نریمان اف مجلس یادبودی برگزار شد. در جلسه، نریمان اف بعنوان عضو افتخاری انجمن مطالعات حوزه شرقی انتخاب شد.

در ۱۹ ماه مارس، ۱۹۲۵، نریمان اف به طور ناگهانی طی یک حمله قلبی درگذشت. او تجسم پاکی بود. نریمان نریمان اف تصویری از اخلاص بود که وظیفه خود را برای بهبود شرایط زندگی انسانها آنها با صداقت تمام و تا نفس آخر انجام داد. مجسمه با شکوه او در شهر باکو نصب شده است.

ویراستار علمی: عیسی حبیب بیلی

ویراستار: حسین شرقی دره جک (سوی تورک)

مترجم: الهه.م. قورشون

<sup>15</sup> RFSR

## مدرنیسم و پست مدرنیسم در ادبیات

واژه اسپانیایی مدرنیسم \_ به معنای معاصر شدن با زمانه \_ در زمینه ادبیات و هنر تحولی بود در حساسیت که در انگلستان ، فرانسه و آلمان پدید اومد . از مشخصات اون رمانتیسم بود که به طور کلی مجموعه ای از سبک ها ، روش ها و جنبشهای فرهنگی ، هنری و حرکتی را برضد سبک های پیشین در بر می گرفت .

مدرنیسم از قرن شانزدهم و شاید اندکی پیش از اون ، یعنی اواخر قرون وسطی ، آغاز می شه و دوران درازی را در بر می گیره که رنسانس ایتالیا ، انقلاب علمی قرن هفدهم اروپای غربی ، انقلاب صنعتی انگلستان و جنبش روشنفکری قرن هجدهم را شامل می شه . اقتصاد سرمایه داری و ارزش های طبقه متوسط از چیزهایی هستند که در دامن مدرنیسم پرورش پیدا کردند و این به معنی مرحله گذار فرهنگ از بدوی گرایی قرون وسطایی به فرهنگ مدنی و مدرن هست .

جنبش ادبی مدرن هم از اواسط قرن هجدهم ، با سبک رمانتیسم ، پا به پای انقلاب صنعتی اروپا پدید اومد . هنرمندان این جنبش قواعد و قالب های کهن رادرهم شکستند و بنیان هنر خودشون رو \_ به جای عقل و منطق \_ بر احساس ، تصور ، خیال و عشق استوار کردند . اونا آزادی رو جایگزین محدودیت و توجه به عامه مردم رو جانشین خدمت به درباریان و قدرتمندان کردند .

از اون جایی که در آثار ادبی مدرن تیپ ها و شخصیت های افسانه ها ، اساطیر ، رمان ها و درام ها بر ناپایداری و دگرگونی روابط انسانی تأکید می کنن و مرزهای میان واقعیت و خیال لحظه به لحظه محوتر می شن ؛ ظرفیت های خیالی ، آرزو و نیاز انسانی گسترش پیدا می کنن . می دونیم که هنر و ادبیات مقوله ای انسانی اند و هر آفرینش گر ، شکل و فرم دنیای معاصر خودش رو به اثرش می بخشه . با توجه به این که مشخصه دنیای مدرن ، قطع رابطه با سنت های قدیم بوده و در اون هیچ الگوی محافظه کارانه و نظام اجتماعی و فکری پایدار نیست ، باید انتظار داشت که هنر و ادبیات هم \_ از اونجا که هویت غیر محافظه کارانه و الگو ناپذیر دارن \_ در قالب معیارها و الگوهای ثابت زندانی نشن .

مفهوم تازه در ادبیات مدرن « موضوع پولیش ذهنی » هست که به ویژه توسط *باختین* ، *اشکلوفسکی* و *یاکوبسن* مطرح شد . *الیوت* و *مالارمه* نیز وظیفه شاعر را پالایش زبان طایفه می دونستند . در ادبیات این دوره *فرمالیسم* ، اصالت زبان و ساختار زبانی هم شکل می گیره . اما *فرمالیسم* بر ساخت ها و فرم های جا افتاده پیشین هم \_ که در موقعیت خود تثبیت شده بودند \_ تأثیر می ذاره ؛ تا جایی که یکی از فیلسوفان فرانسوی بیان کرد « امروز جز قائل شدن برای فرم ، هیچ آزادی دیگری وجود ندارد . » (\* علی اصغر قره باغی ؛ *تبارشناسی پست مدرنیسم* ؛ ماهنامه گلستانه ، ش ۸ ، ص ۶۱) زیبایی شناسی هنری مدرنیسم ، که از اواخر قرن نوزدهم آغاز شد تا اواسط قرن بیستم ادامه داشت ، هم با *سلاح هنر آوان گارد* (پیشرو) به مقابله با نظام ارزش های طبقه متوسط رفت و به جنبه های گوناگون اون حمله برد . همه حرکت های فرهنگی در این دوره تلاش می کردن چهره فرهنگ رو دگرگون کنن و در هر مقوله نوعی استقلال و استواری بر پایه ارزش های درونی رو رواج بدهند . اما این روند تا حدی پیش رفت که به خردمداری و انسان محوری منجر شد ؛ یعنی سلطه بی چون و چرای عقل و خرد بنیاد اندیش بشر و این که تمامی حقایق در درون انسان قرار داره و اونه که مایه نجاته . مدرنیسم که به گفته بودلر « تلاشی بود برای تسلط هنر بر قلمروهای دیگر زندگی » (\* بابک احمدی ؛ *مدرنیته و اندیشه انتقادی* ؛ نشر مرکز ؛ چاپ اول ، ۱۳۷۳ ؛ ص ۲۷۷) ، در ابتدا بسیار آرمان گرا و امیدوارکننده به نظر می رسید و نقش شفافبخش هنرمند رو در پوشوندن خلأ و شکاف بین اندیشه و احساس می دونست . اما با گذشت زمان ، هنرمند نقش جنایتگر ویران کننده ای رو پیدا کرد که هدفش فتح سرزمین های تازه بود و می خواست شکل هنر رو نو و متفاوت بکنه و هنر رو داور و مرجع خودش قرار می داد .

به این ترتیب این جنبش در ادامه مسیر خود از ارزشها و موازین اولیه ش فاصله گرفت . برای نمونه ، روشنفکران مدرن و کسانی که از فرهنگ بهره ای دارن ، تکامل و پیشرفت فرهنگی که حاصل مدرنیسمه ، رو توضیح می دن نه عوام ؛ چون که فرهنگ عوام \_ به گفته مدافعان مدرنیسم \_ چیزی جز نفی فرهنگ نیست و فرهنگ ، فقط توسط فرهیخته ها ظهور و حضور عینی پیدا می کنه .

مدرنیسم نتونست اون چه رو که در ابتدای حضور خودش در ذهن ها خلق کرده بود ، عملی کنه و این یک شکست بود . اون همه تنوع و آزادی ، فقط یه محیط اجتماعی آشوب زده رو پدید آورد . در این فضای خشن و وحشیانه ، محبت و همدردی که از

فضیلت های سنتی و مذهبی شمرده می شدن ، از بین رفته بودن و انسان دیگه پیوندی با گذشته ش احساس نمی کرد . این فضا که بیش از حد عقلانی بود ، انسان رو از اصل خودش دور می کرد . به همین دلیل نویسنده های مدرن \_ مخصوصاً در غرب \_ جلوه های تاریک زندگی انسانی رو در آثارشون نشون می دن و آرزوی بازگشت به گذشته و اسطوره گرایی در این آثار به چشم می خوره . راه های فراری هم که در مقابل این سردرگمی ها پیشنهاد می کنن مادی هست و به نابودی ارزش ها ختم می شه . اما در این بین ، کسانی هم مثل برشت پیدا می شن که به انسان مقام متعالی می بخشن و یا به دوست داشتن و زندگی کردن اهمیت می دن . یا آثاری که جنگ و نابودی رو محکوم می کنن ( « خانواده تیبو » ، ... ) که ادب و هنر انسان دوستانه در غرب رو به نمایش می گذارند .

یه مسأله دیگه هم هست که ریشه ای عمیق در معماری مدرن داره و اون چیزی نیس جز یه سری عناصرزائد و تقلیدی که ارزش و اعتبار نازلی دارن . این آثار هنری با قیمتی پایین و در تعداد زیاد ، برای مصرف طبقه متوسط تهیه می شدن \_ مثل ستون ها و پایه بناهای روم باستان یا طاق نماها \_ که کارکرد مثبت و مفیدی در ساختمان نداشتند . فقط یه شأن کاذب برای صاحبخونه ای به وجود میاوردن که دوست داشت با این کار از اشرافیت تقلید کنه . این عناصرزائد در ادبیات ، برای مثال به صورت داستان های تکراری و قالبی و یا شعرهای متوسط و بد نمود پیدا می کنن که خیلی از شعرهای نو هم از این دسته هستن . این آشفتگی ها در مدرنیسم به یه راه چاره و درمان جدی احتیاج داشت ...

آشفتگی پدید اومده در مدرنیسم و شک و تردیدهایی که از همه طرف و تمامی جنبه ها اونو احاطه کرده بود به ظهور پست مدرنیسم ختم شد . پست مدرنیسم که برای اولین بار در معماری مطرح شد ؛ فن آوری مدرن رو در ارتباط با سنت و فرهنگ غنی گذشته به کار می گرفت . اما در ادبیات ، یک نویسنده اسپانیایی به اسم *فدریکو دی انیس* این واژه رو در اثرش به نام « *گزیده شعر اسپانیایی و هیسپانوی امریکایی* » ( ۱۹۳۴ ) به کار برد . پست مدرنیسم از دهه ۱۹۶۰ به بعد ، به صورت جدی مطرح شد و مورد نقد و بررسی قرار گرفت . ظهور این جریان به این معنی نبود که باید از مدرنیسم جدا شد و اونو کنار گذاشت ؛ بلکه ادامه مدرنیسم به شمار میاد که بحران ها و پرسش های جریان قبل از خودش \_ یعنی همون مدرنیسم رو \_ به شکلی آگاهانه پیش می کشه و سعی در ارائه راه حل براشون داره . این جنبش فقط می خواد محدودیت ها رو بشکنه و تمرکززدایی و پراکندگی به وجود بیاره . مراحل ابتدایی اون به صورت شالوده شکنی و شکستن ساختار هنری ( *iontrudecons* ) آغاز شد و در قلمرو هنر از کنایه ، تمثیل ، تقلید تمسخر آمیز ( پارودی ) و به ویژه ایهام به عنوان ابزارهای بیانی استفاده کرد .

می شه گفت یک پای پست مدرنیسم در گذشته ست ولی این به معنی بازگشت به گذشته نیست . در واقع منظور یک جور بازنگری ، خودآگاهی و انتقاد از خود هست . پست مدرنیسم نیامد گذشته ای رو که قبل از جریان مدرنیسم وجود داشته ، کنار بذاره ؛ بلکه اونو به دقت موشکافی می کنه و عناصر باارزش و مهمش رو استخراج می کنه . به همین جهت می شه گفت یه جریان مقتصد و صرفه گراست و با مدرنیته \_ که به کلی از گذشته بریده بود و در نهایت ، با دور شدن از معنویت و ارزشهای انسانی ، به پوچی و ابتذال کشیده شد \_ متفاوت . شاید بشه گفت که پست مدرنیسم می خواد نیازهای حال حاضر آدم هایی رو که در حال گذر از بحران مدرنیسم اند ، از طریق امروزی کردن الگوها و عناصر کهن رفع کنه . عقل گرایی افراطی مدرنیست ها رو هم قبول نداره . تفسیری که از انسان و عقل انسانی ارائه می ده ، اون طور نیست که انسان رو در مرکز عالم بنشونه و زبان و فرهنگ رو متعلق به اون بدونه ؛ بلکه می گه این انسانه که به فرهنگ و زبان تعلق داره و هر فرد هم در محدودیت های پدید اومده توسط زبان و فرهنگ ، گرفتاره . از نظر پست مدرنیست ها زبان ، ویژگی اصلی وجود بشری هست که درگیر و دار تجربه های انسانی حاضر و دخالت داره .

ویژگی دیگه پست مدرنیسم محتوا گرایی اونه که نتیجه ش کثرت گرایی هست . این گرایش به محتوا در مقابل فرمالیسم و گرایش به فرم ( ساختار ) مطرح شده در دوران مدرنیته قرار می گیره و فرم رو تحت تسلط خودش قرار میده ؛ یعنی این محتواست که شکل اثر رو تعیین می کنه .

یک اثر هنری پست مدرن ، اثری مدرن هست که می تونه وجه های دیگه ای هم داشته باشه ؛ می تونه گونه های مختلف سنت گذشته ملی ، محلی یا عامیانه باشه . پست مدرنیسم در ادبیات ، از تداخل متن ها استفاده می کنه تا شکاف بین گذشته و حال رو پر کنه . بنابراین میاد متن های گذشته رو در بستر و بطن تازه ای می نویسه ( به اصطلاح *تextcon* گذشته رو در *تtextcon* )



جدید می نویسه). این، نوعی آوردن گذشته به حال هست؛ به صورتی که گذشته در حال بگذره (\* علی اصغر قره باغی؛ *پست مدرنیسم در ادبیات داستانی ما*؛ ماهنامه گلستانه؛ ش ۱۷ و ۱۸؛ ص ۱۴)

نویسنده هایی مثل جان بارت عقیده دارن که نویسنده آرمانی کسی نیست که صرفاً دوران مدرن رو انکار کنه یا فقط از سنت های پیش از مدرن تقلید کنه. مدرنیته پیش نیاز روند جدید هست و مثل گذشته ای به اون شکل میده.

از خصوصیات بارز پست مدرنیسم اینه که در کنار معنادار بودن، به بی معنایی و پوچی رسمیت بخشیده؛ چون همه چیز رو مبتنی بر ساختار ذهنی یا subject می دونه. در این صورت یه افق جدید پیش روی متن باز می شه که اونو به حیثه چند معنایی بودن می کشونه. این خود متنه که معنا داشتن یا بی معنایی در اثر پست مدرن رو تعیین می کنه؛ یعنی قالب مشخصی از پیش تعیین نعی شه و این طرز نوشتن رو به «نبودن معنا در اثر» تعبیر می کنن. منظور اینه که هنرمند از همون ابتدای آفرینش اثرش در حاشیه قرار می گیره و خود اثر رو مهم تر از نیت خودش می دونه. به این ترتیب هر اثر پست مدرن اعتبار خودش رو از طریق ارتباط یافتن با متن های دیگه پیدا می کنه. البته مفهوم این امر «ثابت نبودن معنا» در اثر هست نه بی معنایی صرف؛ اینه که یه اثر رو هر بار می خونن می شه یه معنای جدید ازش استنباط کرد و هر خواننده تعبیری جدا ازش داره یا می تونه با تغییر حال خواننده، شکل و معنایی متفاوت پیدا کنه.

دلیل مهم این مسأله اینه که در نظریه ادبی پست مدرن، خواننده اهمیت خاصی داره و نقش موثری رو ایفا می کنه؛ چون در نهایت خواننده ست که وجوه مختلف اثر رو تشخیص میده و درک می کنه. هرچه بینش زیبایی شناختی خواننده هم قوی تر باشه معنای ادبی موجود در متن، گسترده تر می شه. یک اثر به چیزی خارج از خودش رجوع نمی کنه بلکه به خودش برمی گرده؛ از این جهت که در نوشتن این گونه آثار، اصل علیت کنار گذاشته می شه و ما با جهان عدم قطعیت مواجه می شیم. در واقع اصالت متن به صورت یک اصل و محور، مورد توجه ادبیات پست مدرن قرار گرفته. این متن، اثری نیست که تموم شده باشه بلکه در حال نوشته شدن و خواننده هم تنها مصرف کننده نیست، بلکه در آفرینش اثر دخالت داره و دخالتش در متن، همون تعبیر مختلفی هست که از متن داره.

یک هنرمند بنا به نیاز درونی و باطنی خودش هست که آثاری رو خلق می کنه که از ویژگی «چند صدایی و چند پایانی» بودن برخوردارند؛ نه این که فقط از روی یه الگوی کلیشه این کار رو انجام بده. اما گاهی پیش میاد که نویسنده ها در کلیشه های پست مدرن و مفاهیم سبک و ظاهر غرق می شن و معنا رو از یاد می برن.

در آفرینش آثار پست مدرن، تخیل با توان بالا و توجه نکردن به هر گونه ممنوعیت نقش مهمی داره. جهش خیال که زاییده سکوت و رویاست هرگونه حد و مرزی رو از دنیای ذهنی بشر برمی داره و دنیاهایی رو پدید میاره که لازم نیست عناصر واقعی شون حتماً نشون داده بشن. تفکری که الگو، قالب و کلیشه محدودی رو به هنرمند ارائه می ده از تخیل و رویا بهره ای نداره و دنیای تنگ و محدودی رو پدید میاره که ذهن پوششگر و بی تاب نویسنده رو تحریک می کنه تا تمام قواعد دست و پاگیر رو درهم بشکنه و به دنیایی دست پیدا کنه که فراتر از ذهن معمولی و ظاهر نگر بشر هست. بشری که از گذشته خودش چیزی نمیدونه، از ریشه هاش بریده و در بین چیزهایی گرفتار شده که با او هیچ سازگاری و سنخیتی ندارن، تنها می تونه با طغیان تخیل فعال و سازنده و سلاح انتقاد و نفی اجبارهای قالبی، در مقابل اون چیزهایی که مدعی نوآوری و آزادی هستن بایسته و به بازآفرینی و احیاء ارزش های فراموش شده دست بزنه.

\*منابع:

۱- ساختار و تأویل متن؛ بابک احمدی؛ نشر مرکز؛ چاپ چهارم، ۱۳۷۸.

۲- مدرنیته و اندیشه انتقادی؛ چاپ اول، ۱۳۷۳.

۳- پست مدرنیسم چیست؟؛ چارلز جنکز؛ ترجمه فرهاد مرتضایی؛ نشر مرنندیز؛ چاپ دوم، ۱۳۷۵.

۴- «مدرنیته و بحران هویت»؛ رامین جهاننگلو؛ روزنامه همشهری؛ ش ۲۱۰۴، (۱۳۷۹/۲/۱۰).

۵- «تبار شناسی پست مدرنیسم»؛ علی اصغر قره باغی؛ ماهنامه گلستانه؛ ش ۸ و ۱۰ (شهریور و آبان ۱۳۷۸).

۶- «راهکارهای پست مدرنیسم»؛ ش ۱۱ (آذر ۱۳۷۸).

۷- «پست مدرنیسم در ادبیات داستانی ما»؛ ش ۱۷ و ۱۸.

منبع: پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



## گ. آذربایجان پوئزیاسینین انتباه دورو GüneyAzərbaycan poeziyasının intibah dövrü

دکتر ساکیبه اسماعیل قیزی علسگرووا

Dr. Doç. Sakibə İsmayıl qızı Ələsgərova, əməkdar əmüllü

آچار سۆزلر: جنوب، پوئزییا، بویوک وطن محاربهسی، آذربایجان مطبوعاتی .

۲۰-جی عصرین ۴۰-جی ایللرینین اورتالاریندا گونئی آذربایجاندا گوجلو ادبی حرکات باشلانمیشدی. بو حرکاتی ایرلی آپاران اساساً وطنپرور شاعرلریدی. باشقا ژانرلاردا دا یازیب-یارادیردیلار. آنجاق پوئزییا نومونهلرینده کی مضمون گؤزللیگی، حیسلرین، دو یغولارین صمیمیلیگی، فیکیرلرین یئنیلیگی و درینلیگی اونو گؤستریردی کی، حقیقتاً، گؤزل عمل و آزاد فیکیر تاریخینده یاشاییرسان. همین دؤورون شاعرلرین تجربهلری و یارادیجیلیق پافوسو ایله فرقلسلر ده، اونلاری بیر مقصد، بیر آمال بیرلشدیریردی. اؤزلرینی «آزادلیقسئور آذربایجان اوغول و قیزلاری» آدلانديران بو یارادیجی شخصلر توتدوقلاری مؤقیعه گؤره ایفتیخار حیس اندیر و قورور دویوردولار. سوونت آذربایجانیندان گلیمش اوردو فاشیستلرین فیتنکارلیغینا سون قویموشدو و اونلار اورک سؤزلرینی دوغما آنا دیلینده قلمه آلیردیلار. واحد بیر ادبی اوسلوب اطرافیندا بیرلشن قلم صاحبلرینین یارادیجیلیغیندا عکس اولونان وطنپرورلیک، ایستقلال کیمی بشری ایدئیلار آپاریجی رول اویناییردی. همین پوئزییا نومونهلرینده سوونت آذربایجانینا، البته، دؤورون طلبی کیمی اونون، عینی زاماندا دیگر سوونت خالقارینین رهبرینه رغبت حیسسی ده عکس اولونوردو. اونلارین یازدیغی ادبی نومونهلر «وطن یولوندا»، «ادبیات» قرتلرینده، «آذربایجان» ژورنالیندا و س. ادبی اورقانلاردا نشر اولوناراق خالقا چاتدیریلیردی. آرزولار، دعالار، دشمن قوشونونون زاوالا گلمهسی، گونئی آذربایجان فدایلرینین عزمکارلیغی، سوونت رهبرینین بوتون اولکلهری فاشیزم ایشغالیندان آزاد ائتمهسی، قالیبیت نیشانیین طنطنهسی کیمی مؤوضولار همین دؤور پوئزییا نومونهلرینین آپاریجی مؤوضوسونا چئوریلیمیشدی. پوئزییادا سانکی ۲ مؤوضو اوز-اوزه دایانمیشدی-بیر طرفده قاراگوره چو و وحشیلر-هانسی کی، اونلار خالقارلی فلاکتته سوروکلیبر، دیگر طرفده ترققپور بشریت و اونلارین شر قوهرلر اوزرینده قلبه ازمینین پوئتییک ترنومو. همین دؤورده نشر اولونان مطبوع اورقانلارین اکثریتینده عینی مؤوضو و مضمون، قلبه ایدئیسینین طنطنهسی صف-صف دورموش «اوردو» کیمی نظری جلب اندیر. «ادبیات» قرتلرین ۱۹۴۵-جی ایل، ۵ مای، ۱۲-جی ساییندا محمد بی ریا، م. اعتماد، علی توده، علی نیشانی، ابوالفضل مقانی، آذر اوغلو، صمد آفوم، میر مهدی چاووشی کیمی مشهور گونئی آذربایجان شاعرلرینین شعرلری نشر اولونوب. وطنین گؤزللیینی، ووقارینی، شیمالی آذربایجانین «آزادلیغی»-نی ترنوم ائدن بیر پوئزییا چلنگی. علی توده «سوونت آذربایجان» شعرینده یازیر :

آذربایجان، آت اویناتدی

هر یئریندن قالخان سنده .

شاهلیق اوسته بیر-بیرینه

چکدی قیلینچ، قالخان سنده .

قیردی السیز-ایاق سیزی،

آخیتدی چوخ آل-قان سنده .

نه ارشه، نه شیکایته

باخمادی بی، سولتان سنده ( ۱،۶ )

آنجاق بو، ایندییه قدر اولانلاردیر. شاعر شمالی آذربایجان خالقینین «آزاد» یاشاییشینی ظلمون گونشله بوغولماسی ایله موقاییسه ائدیر. سینه‌سینده آزادلیق نیشانی اولان «جان» آذربایجان بختیاردیر، آشیق سازلا، شاعر سوزله اوز خالقینا خیدمت ائدیر. هاردا کی، اوچان خیال، جوشان کونول، یازان قلم، دانیشان دیل آزاددیر، او یئرده خوشبخت‌لیک حؤکم سورور. علی نیشانیین قلمینده («آذربایجان، آذربایجان») آذربایجانین تاریخی شان- شوهرتی، بنزرسیز طبیعت گوزل‌لیگی، طبیعی ثروت‌لری اوز گوزل‌لیگی ایله عکسینی تاپیر. او یازیر :

بؤیوک آنا قوجاغین وار .  
گونش رنگلی بایراغین وار .  
آزاد ائلر مسکنسین !

آذربایجان، آذربایجان (۱،۶)

یئر اوزونده جننت کیمی گولزاری اولان یوردوموزون دونیانین گوزه‌لی، قوجا شرقین گلینی آدلاندیریلماسی بوتون تاریخی دؤورلرده تسدیقلنیب. قوجاغیندا «نظامی» لر، «فضولی» لر بسله‌ین آذربایجان بوتون زمان کسپکلرینه اوز وقاری ایله شفق سالیب. دنیا مدنیتی شمالین سوز مولکینین معمارى اولان خاقانی پوئزییاسیندان، اثرلری ایله «سارای» تیکمیش مهستی شعرلریندن، ختایی، قاضی کیمی سردار شاعرلرین قورورونریجی یارادیجیلیغیندان، واقیف گوزللمه‌لرینده، قارانلیغی ایشیق‌لانديران صابیر قلمیندن معنوی قیدا آلیر. بیزیم بو ادبیات نهنکلرینین یارادیجیلیغیندان گونئی آذربایجانین بیر چوخ شاعر و یازچی‌لاری دا بهره‌لندی و دنیا سوییه‌لی ادبی نومونه‌لر یاراتدی. کسر سوزو اولان تراد، افشار، سوز مولکونو بزمن باهار، ۲۰-جی عصرین اورتالاریندا «حیدربابایا سلام» پوئماسی ایله شووینیزمه آنا دیلینده میدان اوخویان «بیزیم شهریار» و س. کیمی سوز نهنکلری اوزون ایللر اوز اثرلری ایله ساسییز-حساب‌سیز اینسانلاری جحالت یوخوسوندان اویاتدی. قاچاق نبینین، کوراوغلونون آدی ایندی ده دوشمنه پسیخولوژی تأثیر ائدیر. کوراوغلونون قهرمانلیغی، خالقین منافقینینی مدافعه ائتمه‌سی، آذربایجان اوغلونون مردلیگی نامرد دوشمنلریمیزین ده اونون شنینه قهرمانلیق داستانی قوشماسینا سبب اولموشدو. دوز همیشه «کسیر». اودور کی، ۲۰-جی عصرین ۴۰-۵۰-جی ایللرینده یارانان بدیعی نومونه‌لرده فدایرین قهرمانلیغی، فاشیزمی مغلوب ائتمین قورورو اوز عکسینی تاپیردی. م.م. چاووشی «یوردوم» شعرینده یازیردی :

ایندی بوتون گولومسییر قیزیل گول تک آل گولور،

هر گون یئنی بیر ظفری، شوکاری وار یوردومون .

یئر اوزونه نجات وئرن بؤیوک «سوونت» خالقینین

پولاد آدلی رهبرینه ایلقاری وار یوردومون. (۱،۶)

بیر میللت اولراق فیکیرلشنده سسری بیزدن چوخ شعی آلدی. آنجاق او زمانکی بیرلیک واحد دوشمنین اوزرینده ازمله قلبه چالدى. عینی زماندا ۴۰-جی ایللرده سسری گونئی آذربایجان یئنیندن اوزونده بیرلشدیرمک فیکرینه دوشدو. آنجاق سونرا معلوم اولدو کی، شخصی منافعلر دوستلوق و قارداش‌لیقدان اوستون ایمیش. آدلاری چکیلن و چکیلیمین گونئی آذربایجان شاعرلرینین هامسی خالق ایچرسیندن چیخمیشدی. یازیلان بدیعی نومونه‌لر ده آذری خالقینین اوجالان سسی، اونلارین دیلکلری و اورک چیرپینتیلاریدیر. اونلار وطنینی، اونون کدرینی دویان، حیس ائدن اینسانلاردیر. شعرلرین مضمون گوزللیینه دقت یئتیرن هر کس اونو دا بيلمه‌لیدیر کی، بورادا تصویر اولونان هر شعی حیات حقیقتلرینه اساسلانیب. خالق بیرلییه، صداقته، آزادلیغا چاغیران بو شخصلر جمعیتین طالعیینی اوزاقگورنلیکله درک ائدیردیلر. گونئی آذربایجان خالقینین فداکارلیغی، چالیشقانلیغی، داخلی و معنوی زنگینلیگی، زیرک‌لیگی

اونلاردا آزادلیق و ایستقلالیت اولان اینامی آرتیردی. ۱۹۴۵-جی ایله آزرولو بو تئندنسیاسینی ایلك حیس و ترنوم ائدن شاعرلردن ایدی :

اینسان گرک ایلمه سین قارشسییندا ظالمترین،  
او گرکدیر اوز حقیقی، حقوقونو یوکسک بيله .  
قالسا، آدی آزاد اولسا، اولسه، دوشه دیلدن-ديله،

اینسان گرک بولان گوندن منلیینی دوشونمیلی (...۱،۵)

خالقین اورک چیرپینتیلارینی، آرزو و عملرینی ترنوم ائدن بو شاعرلر چوخ گوزل آنلایردیلار کی، وطن سیز یاشانماز. تاپدانمیش تورپاقدا شهیدلرین، اولولارین روحو دیدرگیندیر. وطن قدرینی بیلن اینسانلارین وارلیغی تورپاغین و خالقین بختیارلیغینین مؤوجودلوغو دئمکدیر. وطنپرور شاعر علی فطرت «آذربایجان» آدلی شعیرینده یازیر :

دایم شرفلی آشیانیم یاشا !

یاشا، یاشا، آذربایجانیم، یاشا! (۱،۵)

گونئی آذربایجان شاعرلرینین اثرلرینده تصویر اولونان سسری، ایستالین، سوونت خالق کی می مراجعتلر اصلینده سوونت آذربایجانینا اولان جوشقون محبت و احتیرامدان ایرلی گلیردی. علی فطرت و علی توده عینی آدلی «سوونت آذربایجان» شعیرلرینده اوز وطنپرورلیک حیسلرینی عکس ائتدیردیلر. علی توده سوونت آذربایجان و طنداشلارینی اونا گوره خوشبخت حساب ائدیر کی، اورادا اوبا، ائل خیال، کونول، موزراب، تئل، حتی دیل بنله آزاددیر. فاشیزمین محوی بو آزادلیغی داها دا گوجلندیریب. جنوبدان باکیدان نشر اولونان قزنت و ژورناللارا گوندریلن پونزییا نومونهلرینین اکثریتینی ده جوشقون بیر ادبی اینتیباه اوزونو گؤستریردی. آنتی فاشیست مؤقده دایانان و اثرلرینی باکییا گوندرن ایستقلالیت شاعرلرینین سای ۳۰-او کئچمیشدی. یوخاریدا اثرلریندن نومونه کئیردیمیز یازارلاردان باشقا م. بیریا، م. اعتماد، یحیا شعیدا، امیر آبی، آشیق حسین، یوسف شادی، مهتاب، محمد باغیر کرگر، ر. نوبری، کاشیفی، صابیر، نعمت اوغلو، شاه علی سلیمی، قولوخان بورچالی، طالب زاده، ف. تهذب کی می شاعرلر گنج و گوجلوق صاحبلی ایدی. اونلارین یارادیجیلیغی سایه سینده گونئی آذربایجان ادبیاتی چیچکلنمه دؤورونو یاشاییردی. بو پونزییادا هم سوونت آذربایجانینا رهبرلرینه اینام و اومید، هم ده گ. آذربایجان خالقینین یوکسک امال و آرزولاری ترنوم اولونوردو. شاعر خیالی جیلوسوز اولور، دئییرلر. چیچکدن چیچمه قونولاسی بو خیال جیلووو او دؤورلرده آنجاق وطن و آزادلیق عشقی ایله اوچوردو. اوزو ده یونگول کپنک کی می دئییل، آغیر-آغیر، بیر ده آتشین. صمد آفوم یازیردی :

سنددیر خمیریم، ائی آنا یوردوم .

سینه سیملریمله میزرابی ووردوم .

آنالیق حاقینا، او سود حاقینا،

( فیکریمله، سؤزومله بو شعیری قوردوم ) ۱،۵.

سوونت قوشونلارینین جنوبدان چیخاریلماسی خالق دا، اونون علی قلم توتانلارینی دا میوس ائتمیشدی. بو «قیزیل اوردو» اوزونون «مین بیر دولای» ایله اوزونو خالفا سئودیرمیشدی. اودور کی، همین دؤورده اونون گوجونه، صداقتینه مینرله اثر اتحاف اولونوردو. هم دؤورون طلبی، هم گوجلو ایدئولوگییا بونو خالقا و اونون یازان علینه گوجلو شکیلده تلقین ائتمیشدی. اوز صادق ۱۹۴۵-جی ایل، «ادبیات» قزنتینین ۱۵-جی ساییندا «جوشقون محبت ایفاده سی» آدلی مقاله سینده یازیر: «قیزیل اوردو چیخان گون شهرلر بزه نیر، ظفر تاغلاری قورولور، خیتابت کورسولری دیکلیر، قیزیل عسگرلرین باشلارینا سیمک اوچون گول و چیچکلر دریلیر، شهر اهلی شوعار و بایراقلارلا کوچمه چیخیب قیزیل عسگر دستهلرینین و موتورلو

حیسلملرین کئچجی یوللارین ایکی ارفینده صف چکیب اونلاری موشاعیت ائدیردیلر». (۲،۳). او واخت تکجه تبریزده دئییل، ماراغادا، اورمودا، سلماسدا، اردبیلده ده عینی منظره یارانمیشدی. ائله بیل کی، قلبدن باغلانمیش دوستدان آیریلیق مراسمی کئچیریلیردی. ساسییز بدیعی اثرلرین یارانماسی اوچون اولجهدن هر جور ایدئولوژی بازا یارادیلیمیش و خالقین تفکورو نه یئریدیلیمیشدی. هیجران، فراق، آیریلیق مضمونلو ایبارهلر، هرارتلی سؤزلر و قلب چیرپینتیلارینین هدفینه چئوریلن همین قیزیل اوردو ۱۹۹۰- جی ایلین قارا یانواریندا آذربایجان خالقینین شانلی تاریخینه قانلی بیر صحیفه یازدی. البته، بو هله سونرالار اولاجاقدی ...

آنجاق همین واخت جنوبون گؤرکملی شاعرلریندن هیلال ناصری قیزیل اوردونون گئدیشینی فاجعه کیمی قبول ائتمیشدی :

حیبیم، ایندی نه حالتدهیم، اوزوم بیلیرم،

گوزون گوزور کی. بدنن چیخبدی جان گئدیری .

گوزوم آخیر، اوریم تیریر، یانیر جانیم،

اولا بو جیسمیم اوچون تاقوت-تلان گئدیری . (۲،۲)

حتی قیزیل اوردونون گونئی آذربایجاندا چبخاریلماسینی ایستمهین تبریز شاعرلری بیرلیکده اوردویا نزمه مکتوب یازیر. مؤفلر تبریز شاعرلری آیدندان م. بی ریا، ا. فطرت، م. اعتماد ابولقاسیم کامیل، ب. آذراوغلو و حسین صحاف ایدی. «ادبیات» قزئتینین ۱۹۴۶-جی ایل، ۳۱ مای تاریخلی ساییندا بو مکتوب درج اولونوب. «تب روان» آدلاندریلان «اوبیئکتدن» اونلاری هیجران اودونا یاندریماماسی اوچون کؤمک ریجا اولونور. حیات حقیقتی بو ایدی کی، اوزون عصرلر «قانلی سیتماکارلاردان» -مغول ، عرب، افغان قوشونلاریندان ظلم، ایشگنجه گورن جنوب قارداشلاریمیز روس قوشونلاریندان ضرر گورمیشدی. روس حکومتینین جنوبون طبیعی ثروتلرینه شریک چیخماسیندان خالقین خبری یوخ ایدی. اوزبوز خوش رفتار، قلبی تمیز اولان شرقلینین منتیقله دوشونمهسینه ایمکان وئریمیردی. اونلار دوشونوردو کی، سوونت دؤولتی اونلارا همیشهلیک صاحب چیخار. مکتوبدا خالقین تاریخی یادداشی تزلنیر، اوزون ایللر تۆکولن قانلار، سئزار اوردوسوندان اوزو بری ائدیلن سیتملر یادا سالینیر. آنجاق خالق بو آخیرینجی اوردونون فراغینا دوزه بیلمهیهجک. مکتوبدا اوخویوروق :

نه تک اوز خالقینی آزاد ائلدی،

هامی مظلوملارا ایمداد ائلدی .

روح وئریب شانلی گوزل اولکمیزه،

قلبه درسینی اویرتدی بیزه . ( ۲،۳)

قیزیل اوردویا اینامی گولندیرن اساس سبیلر اونا قدر ائدیلن ظلملر، مرکزچی شووینیزمینین آذربایجان اولادلارینا قارشی تورتدی و حشیلکله، خالقین آغیر یاشاییش طرزلی، دیلی بنله الیندن آلینان، مکتبسیز، تحصیلسیز قالان اینسانلارین دوشدویو چتین وضعیت ایدی. اولکده اوزون ایللر تۆکولن قانلار، بونو تصدیق ائدن تاریخی فاکتلار، ظلم، ایشگنجه و تالاندان باشقا بیر شعی گورمهین جنوبلو قارداش و باجیلاریمیز و اونلارین گورن گوزو و قلم توتان الی ایلك دفعه کؤمک گورموشدو. بیرری مین بیلن خالقیمیز آیدندان یازیلان بو مکتوبدا اونون اورک سؤزلری، تشککور دولو باخیشلاری اوز عکسینی تاپیردی. مرکز گوز داغینین وئریمهسی اونلاری اورکلندیرمیشدی .

کسدیلر ظلمو سیتهم ریشهسینی.

ائله بیر امن وامان اولدو وطن.

بیر گوزل میلی حکومت یارانیب،

میللت اؤز قیسمتینی ایندی قانیب (۲، ۳)

گونئی آذربایجان خالقینا بویوک یارادان بیر ایل ده اولسا، آزاد دؤولت، آزاد دیل، ایچرسیینده خاین اولمایان موسیقی اوردو قیسمت ائتدی. او بیر ایلین شؤهرتی، شانی، قورورو، طنطنهسی اوزون ایللردیر یاشانماق دادیر. مکتوبدا گونئی و شیمالی آذربایجانین آیری دوشمهسینی یانغیلا تصویر ائدن شاعر لر بونو آغیر درد آدلاندیریر :

بیر اولوم، بیر ده فراق اولمایا کاش،

قالمایا قارداشا حسرت قارداش (۲،۳)

قیزیل اوردونون تاریخینده چوخ سایدا «قارا لکه» وار. بئش ایل جنوبدا قالدی، کؤمک ائتدسیه ده، سونرا اؤز منافئینی دوشونوب ایشینی یاریمچیق قویدو و قاچدی. بیر «قارا لکه» ده اوندا قازاندی. اما جنوبلو شاعر لر، آذری اؤولادلاری چوخ صداقتلیدیر، دوست دئدینه میننت دویار، کسین دوز-چوری بویکسک قیمتلندیریر. اونلارین محبتی گؤزلرده دئیل، کؤنولرده یاشار. اوردو جیسمن جنوبدان آیریلیر. آنجاق ترنوم اوزون ایللر داوام ائدیر. واقیفدن سیتات گئیرن شاعر لر چوخ کدرلنیب :

«آیری دوشسم ده او گؤزلدن من،

قلبینه یول گورونور قلبمدن.»

دوستلارینین اولکلرینی ترک ائتمهسی اونلار اوچون چوخ قوسسهلی آندیر. وطنین طالعی تهلوکهده اول بیلر. شونیزم ظلمونون آیاقلار آلتیندا قالدیغی بیر زاماندا اوردونون چیخماسی خالقدا تشویش یارادیر. هیلال ناصرینن هارایی ایندی باشا دوشولور. اینسانلاری کمکه چاغیریر. اونلاری شووینیستلردن قورویان بو عسگرلره محبتی او قدر بویوکدور کی، اونلاری عشق کمندینه سالان «یار مهربان» آدلاندیریر، حتی تبریزی گولوستانه چنوبرن او کسلرین گئدرکن گوللری ده، گولوستانی دا آپاردیقلا رینی بیان ائدیر .

هیلال، سانما کی، یارین چنوبردی اوز سندن

او دا سنین کیمی، واللاهی باغری قان گئدیری (۲،۳)

جنوبلو باجی-قارداشلاریمیز دوشونموشدور کی، قیزیل اوردو اونلاری ایکنجی دنیا محاربهسینین دهشتلریندن خلاص ائتمیش، آزادلیق و مدنیت یولونو اونلارا گؤسترمیشدیر. آنجاق بئله دئیل. شووینیستلر ایله، اینگیلیسلرله اونلار اؤز-فدایلر، بیر ده میلی حکومتین باش وزیر ی س.ج. پیشوری آردیجیل اولاراق هم ایدئولوژی، هم ده سنگرده قهرمانجاسینا ووروشموشلار. قیزیل عسگر ده بیر ایستینادگاه ایدی. س.ج. پیشوری «قیزیل عسگر» قزئینده اونلارا دستکلری اوچون میننتدار لیغینی بیلدیرهرک یازیردی کی، ایران خالقلارینین قدار پهلوی رژیمنین، ایشگنجهلردن خلاص اولماسیندا سوؤت عسگرلرینین بویوک امیی وار. جنوبدا قیزیل اوردونون بیر مثبت آوانتاژی دا او ایدی کی، خالقین داخیلی ایشینه قاریشمیردی. او واخت وطنی خلاص ائدن فدایلرین وطنه بسلیکلری محبت و صداقت، آلی اخلاق نومونهلری و جنگی قهرمانلیقلاری ایدی. فدایلرین بو نومونوی حرکتلری اوزون ایللردیر بیز آذربایجانلیلارین عبرت درسینه چئوریلیب. قیزیل اوردودان اول اونلارین ایدئیا، فیکری، معنوی رهبرلری اولوب. ستار خان کیمی، ش.م. خیابانی کیمی. آذربایجان خالقینین بویوک فدایلری، میلی قوشونون دؤیوش چولری اؤز میللتی یولوندا همیشه جانیندان کئچمهیه حاضر اولوب. بونا مدنیت و یاخود مدنیت اوردوسو دئمک اولارسا، بئلهدیر. او واخت تبریزده قاضیلان ۸ سو قویوسوندان خالق دا، قیزیل اوردو عسگرلری ده حالاللیقلا ایستیفاده ائتمیشدیر. پونزییا نومونهلریندن آیدین اولور کی، تئاتر، کینو و کلوبلار خالقین اوزونه آچیلیمیشدی. اما قیزیل اوردو هکیملرینین فعالیتی دانیلمازدیر. اینسانلاری موالیجه ائدرک خستهلیکلرین پنجهسیندن خلاص ائدن، اونلارین قایغسینا قالان حکیملر هر جور تشکوره، ترنومه لاییق دیر. عینی

زاماندا بیر مثبت حال دا او ایدی کی، آذریلرین عادت-عنعنهلرینه، مئنتالیتئینه ضرر وئرەجک حاللار باش وئرمیردی. بلکه ده، بو شیمالدان جنوبا اعزام اولونموش میلیتجه آذربایجانلی اولان سیاسیئرین و مدنیت خادیملرینین خصوصی نظارتینین نتیجەسی ایدی کی، اخلاق و تربییه مسئلهلرینده هئچ بیر قوصور نظره چارپمیردی. بو، سؤزده دئییل، ایشده اوزونو گؤستریردی .

تبریزین لیریک شاعری فخرالدین محزون، اورمو شاعرلرینین اکثریتی یوردون بزینی «یولداش»ین آیریلماسینی کدرله قارشیلاییردیلار. هر بیر اوز اورک سؤزلرینی شعیره تۆکوردو. ف. محزون «ادبیات»قزنتینه گؤندردیی شعیرینده یازیردی :

فراقیندان بوتون گؤزلر دولور یاش،

باغوباغچا، قان آغلاپیر داغ-داش.

بیزیم یوردوموزون بزینی یولداش

بو گون گوله-گوله آیریلیر بیزدن ( ۲،۳ )

همین دؤورده تبریزده مدنیت مسئلهلرینه خصوصی دقت یئتیریلیردی. تبریزی اشیق شاعر اشیق حسین یئنیجه یارانان میلی حکومت طرفیندن خالق آرتیستی آدینا لاییق گؤرولموشدو. هر یئرده حورمتله قارشیلانان آ. حسین سوونت نماینده هئیتی ایله ده خوش موناسیبت یاراتمیشدی. او دا اوز محبتینی اونلارا یئتیرمکله برابر، گنتمهلرینه ده میوس اولوردو .

آیریلیب اوزاغا گل دوشمه مندن،

هیجران کلمهسینی سوروشما مندن .

کؤنولسوز ال وئریب گؤروشمه مندن،

من آشیق سن جانانا، خوش گلدین! ( ۲،۳ )

اونلارین گنتمهسی اشیق-شاعری او قدر کدرلندیریر کی، بو وضعیتین، ملالین اونو شیخ صنانا دؤندرجهییندن قورخور و شیمالا آذر اوؤلادلارینین آتشین سلاملارینی گؤندریر .

علی توده ایسه تام شکیلده اینانیر کی، قیزیل اوردو حیصلهلی کسدیکلری دوز- چؤرهیه صداقتلی اولار، تاپدماز، اونوتماز و دوستلارینی یاری یولدا بوراخیب آتماز :

قلیم توتولوب دا گؤزوم دول سا دا،

لاکین توپلاپیرام قومی یئنه،

چونکی اومید وئریر قارداشیم منه .

بیلیرم آتامیش، او آتماز منی،

اونوتماز هئچ زامان، اونوتماز منی. ( ۲،۳ )

بلی، «اورتاق قارداشیمیز!!!...» بیزی هئچ واخت «اونوتمازی»: نه قاراباغ حادثهلرینده، نه ده قانلی یانواردا.... هر زامانین بیر حکمو وار، دئییرلر. یامان یاخشی، دوشمن ده دوست اولای بیلیر. آتالار اونو دا دئییر کی، «قاری دوشمن دوست اولماز»، «ایلانین آغینا دا لعنت، قاراسینا دا».... اما تاریخ دوستلوقلاری دا، دوشمنلیکلری ده الییر. زامان-زامان هر کسین یاخشی و پیس عملی اوزه چیخیر، دویون آچیلیر، مقصد آیدینلاشیر. معلوم اولور کی. گونئی آذربایجان خالقینی «آزادلیغا چیخارماغا» گندن قیزیل اوردو اصلینده اوزونون جنوب سرحدلرینی قوروماغا گندیب. جنوبون نفت احتیاطلارینا بئله «طاماح سالیب». الییر اولان بو «دوستلار» آیی و شیر مثلی آذربایجانلی پارچالادیلار. یئنه آذربایجان اوزریندن اوز ایشلرینی یوردورموشلر. علی توده «او آغیر گونومه کمکه گلدی» دئیینه اولاجاقلاردان خیرسیز ایدی. ائینن آزاوغلو کیمی. ۱۹۲۱-جی ایله آنادان اولان، طالعیینه ده «۲۱ آذر» حرکاتی یازیلان، ۲۵ یاشیندا اولارکن «تبریزین گورکملی شاعری» («ادبیات» قزنتی، ۱۹۴۶-جی ایل، ۱۳N۵) (۴۴۷) آدلاندریلان

بالاش آذراوغلو شعیرلرینده همین دؤور حادثهلرینی، خالقینین سئوینج و کدرینی قلمه آلیر، یئنی-یئنی یارادیجیلیق اوغورلاری قازانیر، گؤزل بدیعی نومونهلر یارادیردی. آذراوغلو هم جیسمن، هم ده قلمی ایله وطنینین آزادلیغی اوغوروندا موباریزهده اؤزونو فدای کیمی تانیدان شاعرلردندیر. فاشیزمین اوزرینده قلبهیه سئوینسه ده، ایکییه پارچالانمیش آذربایجان یاراسی اونو اینجیدیر. قزئتین همین ساییندا ۳ شعیری نشر اولونوب: «۹-مای-قلبه گونو»، «شعیر»، «آذربایجان». بیر گؤزویله قلبه سئوینجی یاشایان شاعر او بیرری گؤزویله وطن دردینه آغلاپیر :

بلکه هر اورکده مین بیر آراز وار،  
سؤنمور آرازداکی جوشغون دالغالار .  
ایستهسن بونلاری قوروداسان، بیل،  
اولجه ائلرین گؤز یاشلارین سیل  
سیل بو اورکلرده یئر سالان قمی،  
قالماسین نه آراز، نه هیجران قمی(۳،۴)

اونا گوره کی، آذربایجان اونون اوچون کؤنول قوشونون قوندوغو «بوداق»، آناسینین مئهریان قوجاغی، آرخالاندیغی یئگانه دایاق، سیرر اوجاغی، امید یئری، آزادلیق شلاله سینین قاینادیغی بیر بولاق دیر. ساسییز قسب، تجاویز، محاربه، قان، قادا گؤرن آذربایجان او شاه ووقارینی هئج زامان دوشمن قاباغیندا ایمهیب. وطن اونون اوچون ایلهام پرسی، پروانهسی اولدوغو اولدولار اوجاغی-اولدولار یوردودور. هئج بیر دونیا اولکهسی جنوبون فدای اوغوللاری کیمی قهرمان گؤرمهیب. هر دفعه «آلچاق یاغی» لارین تله سینه توش گلیلر. اودور کی، آسلانلار او یلاغی، بابک یوردو، اوغوز ایگیدلرینین یاتدیغی تورپاقلار اوزون ایللردیر دوشمن تاپداغیندادیر. ب. آذراوغلو یازیر :

یقین بو حالی می دوی موسان سن ده،  
من هئج ایچمیردیم دوستلار ایچنده .  
آماندیر سرحددی قاتار کئچنده،  
دولدر پیالمی آرازدان منیم .( ۳،۴ )

۲۰-جی عصرین ۴۰-۵۰-جی ایللرینین مطبوعاتینی ایزلهینده گونئی آذربایجان شاعر و یازچییلارینین بؤیوک اوربی، تخیبول دیپازونو اینسانی حیرته سالیر. خصوصاً پوئزییانین مؤوضو دایره سی اینانیماز درجه ده زنگیندیر. همین ایللرین آغیر حادثهلرینین ایچرسیینده اولان بو یازارلار تکجه فدایلرین باشینا گلنلری، قهرمانلیقلاری دئییل، ایکییه پارچالانمیش وطن دردینی، دونیا خالقلا رینین آزادلیق اوغوروندا محاربه سینی، فاشیزم اوزرینده قلبنن سئوینجینی و س. درین حیسلری ایله درک ائدیر و قلمه آلیردیلار. کدر حیسی و ترننوم اونلارین یارادیجیلیغیندا قوشا آدیملایردی. اگر آزادلیغی دونیادا آخان شلاله یه بنزتسک، گونئی آذربایجان اونون قاینادیغی بولاق ایدی. آزادلیق و ایستیقلا لیت حیسی اونلارین دامارلاریندا آخان قانا قاریشیب. تورپاقلاری دا قانلا یوغرولوب. شووینیزمین آذری تورپاقلارینا باسدیغی هر آیق ایزی قان آغلاپیر. قاراباغی، جنوب، زنگزور، دربند تورپاقلاری و س. آذربایجان خالق گلهجهیه امیدله، سئوینجله باخیر. اما بیر یعنی گئرییه دؤنوکدور، یارالیدیر. بیر یعنی باتمیش گمی کیمی. ب. آذراوغلو یازیر :

من اونسوزدا مستم، دریادیر قمیم،  
بیر گون آیریلما میش قمدن عالمیم .  
دولدر پیالمی قرق اولموش گمیم  
چیخا تا دریندن، دایازدان منیم .( ۳،۴ )



«ادبیات» قزنتینین ۱۹۴۶-جی ایل، ۱ مای ساییندا تبریزین گۆرکملی لیریک شاعری حبیب ساهیریر شعیرلری نشر اولونوب: «بیر توخوجو قیزا»، «تبریزه»، «شعیر و خیالین قاپسی». ۴۳ یاغلی، عالی تحصیللی، موکمل بیلیه و مدنیته مالیک بو شاعر هم ده گنج نسلین تربیهسی ایله مشغول اولان بیر خالق معلمیدیر. اوزونمخصوص، اورپژینال بیر تبی وار. ایفاده گۆزللیگی، بدیعی تصویر واسطهلریندن یئرلی-یئرینده ایستیفاده، اوبرازللیق اونون پونژیاسینین اساس خصوصیتلریندیر. «بیر توخوجو قیزا» شعیرینده تهکییه ده وار، لیریک ریجعت ده. شاعر رنگی قاجمیش، سسی کاللامیش، گوش گۆرمهین، اوشاقلیغینی توخوجولوق کارخاناسیندا خالچا توخوماقلا کئچیرن کیچیک بیر قیزین حیاتیینی جانلاندیریر. اونون اینجه، اللریله توخودوغو بزکلی خالچالار وارلیلارین سالونلارینی بزیر. بو زواللی قیزین اوزونون ایسه هئچ نیی یوخ دور.

نه واختادک آج قارینا ایشلهیب،

یورغون اللر صرف اندجک مین امک؟

انشیدیبسن بو مثلی بابادان :

«چیلپاق گزیب اوزگه لری سوسلمک.» (۲، ۴)

قلمینی آزادلیق، ایستقلالیت، یاشاییش اوغروندا موباریزهیه حصر ائدن حبیب ساهیر بو یاشدا قیزلارین مکتبه گلمه سینی ایستیر. اما ایمکانلی قیزلاری او یاشدا گئیینیر، بزیر، مکتبه گئیر، «گول کیمی آچیر». توخوجو قیزین ایسه آچان گولو واخت سیز سولوب. زنگین قیزلارین قیسمتی مخمر، اونونسا قیسمتی بئزیدیر. شاعر بوندان چوخ میوس اولوب. اونون توخوجو قیزا آرزولاری وار :

گول، گوشلر آچسین سولموش گوللرین،

گول، قوش کیمی قانات آچیب اوزاقلاش،

قیزیل گوش اویسون ساری تنلرین! (۲، ۴)

« تبریزه» شعیرینده شهرین گلجینه اینامیندان، «شعیر و خیالین قاپسی» ندا ایسه آچیلان قاپیلارین مجازی آنلاملارینی پونتیکلشدیرن شاعر اوز خیال قاپسیندان بحث ائدیر. اونون خیال قاپسینین بیر اوفوق ده، داغلارین اوستونده گورونن اوستادی لیدن بیر قاپیدیر، اوزو ده باشقا بیر عالم قاپسی. آخشام آچیلان قاپینی قم قاپسینا بنزه دن شاعر، شفق قاپسینا دا گنده بیلیر. اونون خیال قوشو ظولمتدن کچمه دن خیالت قاپسینی دا آچماق ایستیر. گونون داغدا سونمه سینی پرده لنن قاپیا اوخشادان شاعرین سئودی قاپی ایسه اولدوزلو گویده یارانیر و اونون گوزل اثرلر یازماسینا سبب اولان خیالین قاپسیدیر. ماراقلی و اورپژینال بیر تصویردیر. دوغرودان دا، شاعر اولماغین اولویلیگی، گوزللیگی بئله مقاملاردا داها چوخ نظره چارپیر. عادی اینسانلارین دوشونه بیلیمجی، حسد آپاریلماق نوانسلار. ح. ساهیر و دیگرلری کیمی ایستعدادلی اینسانلارین نامرد مانجاناغیندا زمان-زمان عذاب چکمه لرینی دوشونمک بئله قورخونج دور. اما «گنج اولار، گوج اولار» ائل مثلینه اینانماق لازیمدیر.

گونئی آذربایجان خالق تکجه یارادیجی اینسانلاری، فدایلی ایله دئییل، تاریخی عابده لری ایله ده اویونمه لیدیر. ۱۹۴۰-۵۰-جی ایللرین قزنت و ژورنال صحیفه لرینی ورقلیدیکجه، قدیم آذربایجان شهری ماراغانین تاریخی بینالاری ایله مشهور، اوزوم باغلاری آراسیندا گیزلنمیش بیر شهر اولدوغونو اویرنیرسن. ۱۱۴۸-جی ایله تیکلمیش «قیرمیزی گومبز»، ۱۱۹۷-جی ایله تیکلمیش «گۆی گومبز»، سلجوقیلر دؤورونون یادیگاری اولان، معمارلیق صنعتینین گوزل نومونس. اما بئله گوزللیگی دشمن گوزو گوتورمیش و قارت انتمیشدیر. دونیاجا مشهور، شرق اولکه لری آراسیندا بیر علم اوجاغی کیمی تانینان «ماراغا» رصدخاناسینی قویوا اوخشار قارائلیق بیر ماغارا یا چئویرن ده دشمن علیدیر. تبریزده کی «رشیدییه» علم شهرجی، «مقبرالشعرا» نین طالعی عینی شکیلده سونلانیب. غلام ممدلینین

دئییمینده اوراداکى کاروانسارالارین اکثریتی ده علم عالمینین دقتینی چکمه سین دئییه عینی طالع یاشاییب. ۱۹۴۶-جی ایلین سون آیلارینین دهیشتلرینه قدر جنوب خالقى شیمالین دستیی ایله آز مدته اولسا دا گۆزل گونلر یاشادی. مثلاً، یازیچی وئرا اینبئری ایران یازیچیلارینین ۱-جی قورولتایینا (۱۹۴۶، آقوست) سوونت یازچییلاری گتیرمیشدی. وئرا خانیم یئنی دئموکراتیک مفکورهلری ترننوم ائدن، یئنی فورمالار آختاران گنج شاعرلرین چیخیشینی چوخ بینمیشدی. قورولتایدا ممد عاریف داداشزاده نین آذربایجان ادبیاتی حاقیندا معروضه سی یوکسک شکیلده آلقیشلانمیشدی. بو دا او زامان دوستلوق و مدنی علاقه لرین مؤوجودلوغونون ثبوتو ایدی. قورولتایدان سونرا شیراز شهرینده سعدینین، حافظین، حافظین معلمی کیرمانین قبرینین زیارت اندیلمه سی تقدیرلاییق بیر ایش ایدی. تبریزده و شیرازدا بو خصوصدا خصوصی یئرلرین تشکیل اولونماسی دا هم اینکیشافین، هم ده ادبی-مدنی علاقه لرین گؤستریمیسی ایدی. میر مهدی چاوشی یازیردی :

گلینیدیر قوجا شرقین، گۆزله دیدیر دونیانین،

یئر اوزونده جنت کیمی گولزارى وار یوردومون(۱،۶).

#### Ədəbiyyat

1. Ədəbiyyat” qəzet. 1945-ci il, 5 may, №2“

۲ Ədəbiyyat” qəzeti. 1946-cı il, 31 may, №15

۳ Ədəbiyyat” qəzeti. 1946-cı il, 9 may, №13

۴ Ədəbiyyat” qəzeti. 1946-cı il, 1 may, №4

#### Xülasə

Cənubi Azərbaycan poeziyası İNTİBAH DÖVRÜ (1944-1945-ci illər)  
məqalədə Böyük Vətən müharibəsi illərində Cənubi və Şimali Azərbaycan ədəbi əlaqələri təhlilə cəlb olunmuşdur. Bu hərəkata qoşulan vətənpərvər şairlər idi. Onları bir amal, bir məqsəd birləşdirirdi. Əsərlərində azadlıq, istiqlal motivləri üstünlük təşkil edirdi. Ürək sözlərini ana dilində qələmə alan bu şairlər xoşbəxt görünürdü. İlk dəfə cənublu bacı, qardaşlarımızın dili, qələmi azad idi. Bəşəri ideyalar onları ağışına almışdı. Əsərlərini Sovet Azərbaycanında nəşr olunan mətbu orqanlara göndərirdilər. Şər qüvvələr üzərində qələbənin poetik tərənnümü onlara yaradıcılıq gücü verirdi. Bu hisslərini cənublu qardaşları ilə bölüşən yazarlar bir növ mənəvi sakitlik tapırdı.

#### Summary

ERA OF RENESSANS OF South Azerbaijani poetry (1944-1945)  
the article analyzes the literary relations between South and North Azerbaijan during the Great Patriotic War. they were patriotic poets who joined this movement. they were united one goal, one purpose. the motives of freedom and independence prevailed in his works. these poets, who wrote the words of their hearts in their native language, looked happy. For the firsttime, our southern sister and brothers' language and pen were free. Human ideas embraced them. His works were sent to the press published in Soviet Azerbaijan. the poetic hymn of victory over the forces of evil gave them creative power. the writers who shared these feelings with their southern brethren found a spiritual peace.



# اعدامدان سونرا باشلانان حیات... EDAMDAN SONRA BAŞLANAN HƏYAT...

PROF. QƏZƏNFƏR PAŞAYEV

پروفیسور غەزنفەر پاشایئو

نسیمینین آنادان اولماسینین ۶۵۰ ایلیک یوبیلئینین قئید ائدیلمهسی حاقیندا محترم پرنزیدنتئیمیز ایلهام علیئوین ۱۵ نوایبر ۲۰۱۸-جی ایل تاریخلی سرانجامی و آذربایجان رئیسولیکاسیندا ۲۰۱۹-جو ایلین "نسیمی ایلی" اعلان ائدیلمهسی حاقیندا ۱۱ یانوار ۲۰۱۹-جو ایل تاریخلی سرانجامی ایشیغیندا عالیملریمیز سانباللی، موختلیف سپگیلی اثرلر یاراتماقدادیرلار. آکادئمیکلر رافائل حسینوو، عیسی حبیبیلی، تیمور کریملی و محسن ناغیسویون سیلسیله یازیلاری، آکادئمیک زئمفیرا سفرووانین مقالهسی، شرقشوناس عالیم فیرودین قوربانسویون "عمادالدین نسیمی" مونوقرافییاسی، واقیف آسلان، سایمان آروز، ایسلام صادیق و باشقالارینین اثرلری بو قیبلدندیر .

یوکسک بشری هومانیزمی ایله دونیا شوهرتی قازانمیش آنادیللی پونزییامیزدا فلسفی قزلین و قصیدنین، آشیق یارادیجیلیغیندا قیفلیند دئییشمهلرین، "ایف-لام" و "ترس ایفبا"نین بانسیی، قوشما و دیوانی کیمی ژانرلارین پونئیک تکاملونده موسنتنا رولو اولان، آذربایجان ادبیاتی تاریخینده مستضاد، مربع و ترجیبندلرین ایلیک نومونهلرینی یارادان داهی شاعریمیز نسیمی حاقیندا، اونون پونزییاسینین ایدئیابدیعی صیقلتی بارهده بوندان سونرا دا تدقیقاتلار آپاریلاجاق دیر .

نسیمی ارثینین بویوک ماسشتابدا دؤرییهیه گلدی چاغداش گونلریمیزده اونون فاجیعوی طالعی حاقیندا مباحثه و ملاحظهلر سنگیمک بیلیمیر. تأسفله قئید ائتمهلیم کی، شاعرین دین خادیملرینین (او دور ) خصوصی فتواسی اساسیندا امانسیزجاسینا قتله یئتیریلمهسی و درسیینین دیری-دیری سویولماسی، خلیفنین گؤستریشی ایله شاعرین بوتون یازیلارینین یاندیریلماسی، آدا-بوددا دؤوروموزه قدر گلیب چاتانی دا... سوونت واختی "ادبیاتشوناسلار"نین تحریف ائتمهیه باشلاماسی، شاعری آنتیست کیمی قلمه وئرمهلی و س. بارهده بعضی مقاله مؤفلرینین قناعتلری یانلیشدیر. او جملهدن یاخین گونلرده مطبوعاتدان تانیش اولدوغوم "ایکی جاهانا سیغمایان شاعر" ادلی مقاله مؤفلینین فیکیرلری... هر شئیدن اول اونو دئیک کی، مصر سلطانی معی الدین نسیمینین اعدامی بارهده امرینده شاعرین اثرلرینین یاندیریلماسی بارهده هنج نه یوخدور. شاعرین دونیا کیتابخانالاریندا و موزئیلرینده ساخلانیلان ۵۰-دن آرتیق الیازماسینین اولماسی، جاهانگیر قهرمانوون اوچ جیلدهده عرب ایفباسیندا، اوریزینالدا اولدوغو کیمی ترتیب ائندی "عمادالدین نسیمی. اثرلری. (باکی، ۱۹۷۳)" و حمید آراسلینین ترتیب ائندی "عمادالدین نسیمی. سنجیلمیش اثرلری. (باکی، ۱۹۷۳، ۶۷۶ ص.)" اثرلری مقاله مؤفلینین فیکرینی آلت-اوست ائدیر .

شاعرین آنتیست کیمی قلمه وئریلمهسی مسئلهسینه گلینجه، یوخاریدا آدی چکیلن مقالین مؤلفینه توصیه ائدردیک کی، گؤرکملی ادبیاتشوناس عالیمیمیز میرزاغا قولوزاده نین "بویوک ایدعاللار شاعری" کیتابینی اوخوسون. عالیم یازیر: "نسیمی اوبیئکتیو دونیانی، رئال حیاتی تصدیق ائن بیر شاعر دیر، بو معنادا او، بیر موفککیر کیمی ماتئریالیست دونیاگؤروشونه یاخینلاشیر .

نسیمینی ماتئریالیست و آنتیست شاعر کیمی قیمتلندیرمک سهودیر. نسیمی آنتیست دئییلدیر. (باخ: "بویوک ایدعاللار شاعری". باکی، گنجلیک، ۱۹۷۳، ص. ۱۳۶-۱۳۷) .

بونو مصر سلطانین امریندن ده، دین خادیملرینین شاعرین اعدامینا فتوا وئرمه سیندن ده گورمک اولور .

او کی قالدی، شاعرین دین خادیملرینین فتواسی اساسیندا قتله یئتیریلمه سی و درسینین دیری-دیری سویولماسی مسئله سینه، بونولا باغلی فیکریمیزی بیر داها بیلدیرمک و شاعرین قتلیندن اون ایل سونرا باش وئرن تاریخی اهمیتلی بیر مسئله نی گوندمه گتیرمک دیر. بونون اوچون مطلق کئچمیشه ائکسکورس ائتمک ضرورتی اورتایا چیخیر .

طالع دن گلن عؤمور پاییمدا بیر چوخ اولکه لرده اولموش، سفر قئیدلری و حتی کیتابلار دا یازمیشام. لاکین ۲۰۰۸-جی ایلین ۱۰-۱۷ نوایبریندا سوریبایا سفریمیزی اهمیتینه گوره هئچ بیر سفرله موقایبسه ائتمک اولماز .

بیز سوریبایا آذربایجان پرئزیدنتی جناب ایلهام علیئوین تشبوسو و تاپشیریغی ایله آذربایجان سفیرلینین اوغورلا حیاتا کئچیرمکده اولدوغو مقدس بیر ایشین یئرینه یئتیریلمه سینه یاردیمچی اولماق آماجی ایله گنتمیشدیک .

نماینده هئیتینه مدنیت و توریزم ناظیرلینین شعبه مودیری فیکرت بابایئو، معمار روستم موختاروو، برپاچی تئلما کریملی، میلی علملر آکادئمیباسیندان آکاد. بکیر نبیئو، پروف. تئیمور کریملی، ف.ا.ن. سعادت شیخیئو و من داخیل ایدیک .

فیکرت بابایئو و معمارلار سوریبالی همکارلاری ایله نسیمینین مقبره سینین و مسجدین برپاسی اوچون واریانتلار اوزرینده ایشله دیلر. بیز ایسه نسیمییه حصر اولونموش بئیلخالق کونفرانسدا ایشتیراک ائتدیک .

کونفرانسین ایکینجی گونو ایلك معروضه ایله من چیخیش ائتدیم: "نسیمینین عراق دیوانی و شاعرین حیات و یارادیجیلیغینا یئنی باخیش" مؤوضوسوندا معروضمه گؤستریم کی، نسیمینین دیوانینین عراق نوسخه سی اوزرینده تدقیقات آپارارکن قریبه بیر منظرین شاهیدی اولموشدوم. دیوان نوسخه سینده یئر آلان ۴۰۰- قدر شعیرین اوچدبیر حیصه سیندن چوخو اللها، ایسلام دینینه، پیغمبریمیزه و باشقا مقدسلره حصر اولونوب. سوؤئت دؤنمینده بو باره ده سؤز آچماق آسان دئییلدی. اودور کی، کیتابدا اونلارین یالینز ایلك و سون بئیتلرینی وئره بیلیمشیم. (باخ: عمادالدین نسیمی. عراق دیوانی. باکی، "یازچی"، ۱۹۸۷، س. ۲۵۶-۲۷۹).

بو شعیرلردن بئله قناعته گلیمک اولور کی، نسیمینین اللها سئوگسی حدوسوزدور. بئله اولان حالدا اونون انه سزلیقدا تقصیرلی بیلینه رک قتله یئتیریلمه سی نه قدر ایناندیرجیدیر؟ آپاردیغیمیز تدقیقاتلار بیزیم حاقلی اولدوغوموزو ثبوت ائتدی. حلب جانیشینی یشبک عبدالله ال-یوسفینین ایسرارلا شاعرین اولومونه فتوا وئریلمه سینین طلب ائتمه سینه باخمایاراق، حلب قاضیلری فتوادان ایمتینا ائتمیشدیلر. بلکه بو ایشده شاعرین دینی شعیرلری ده اونلارین دادینا چاتمیشدی، بیلیرم. گون کیمی آیدیندیر کی، نسیمی کافیرلیکده سوچلو بیلینه رک اعدام ائدیلیدی، مسجدده دفن اولونمازدی، اونا مقبره تیکلمزدی. توربه سی زیارتگاها چئوریلمازدی. آدینا کوچه قویولمازدی، تکیه سی اولمازدی. تکینین اوستونده "حضرت نسیمی"، توربه سینین اوستونده "شیخ نسیمی"، "اللهین دوستو" یازیلمازدی .

من دانیشدیقجا حیس ائدیریم کی، منیمله یاناشی اوتوران حلب موقتسی دکتراحمود اکام هیجان کئچیریر. ناراحات اولدوم. فیکرلشیم کی، بلکه منیمله راضیلاشمیر. لاکین بئله دئییمیش. بورادا خصوصی وورغولاماغا دیر کی، ائله موقتین کونفرانسدا ایشتیراکینین اوزو نسیمینین روحونا بؤیوک احتیرام ایدی. لاکین او، مندن سونرا "نسیمی و صوفیلیک" مؤوضوسوندا ماراقلا قارشیلانان معروضه ائتدی. دکتراحمود اکام معروضه یه باشلامازدان اول دندی: "پروف. پاشایئوین معروضه سیندن چوخ تاثیرلندیم. نسیمین باشینا گتیریلن بلالارا، اونا وئرین ایشگنجه لره گوره عذر ایستیرم. بو، حلبیلرین ایشی دئییلدی، حلبده کی گلمهلرین و اونلارین هاوادلارلارین ایشی ایدی. تسللینی اونا تاپیریق کی، حلب نسیمینی اوز اوغلو کیمی قوینوندا اویوتدو و بو گون ده اویودور. من نسیمییه همیشه دعا اوخویورام. چونکی او، حاق یولوندا شهید اولوب. حاق سیز ایشگنجه لره معروض قالیب. یاراداندان تمننا

ئاديرم روحو شاد اولسون. بو گون ده هميشه اولدوغو كيمي، حلبده شاعرين آدى احتراملا ياد ائدليلير، اونا ايشگنجه وئرلر لعنتلنير ."

تاريخي اهميتيني نظره آلاق دؤكتور اكامين "عذرخواهليق" ايني بورادا بوتؤولوكدده وئريمي ضروري سايديق: "محترم قارداشلار! ۵۹۱ ايل بوندان اؤنجه بشر تاريخينده ان فاجعهلى حادثهلردن بيرى باش وئرميش، آذربايجانين بؤيوك شاعرى و فيلوسوفو، پارلاق ايستعداد صاحبي اولان متصووف ولى الله(اللهين دوستو) سيد على عمادالدين نسيمي وحشيجهسينه اعدام اولونموشدور .

بو گون بيز خجالت چكيريپ كى، بو مودهيش فاجعه تاريخه بيزيم حلب شهرينين آدى ايله بير يئرده دوشموشدور. دوغرو دور، همين فاجعه شهرمیزده حؤكمرانليق ائدن اجنيلير و اونلارين هاوادلارلارى طرفيندن تورديلميشدير، لاکين نسيمين گوناھسيز قانى محض بورادا آخيديلديغي اوچون من، معاصر حلبين ديني ايجماسينين رهبرى كيمي، سيزدن دؤنه-دؤنه عذر ايستيرم !

من چوخ واخت دینداشلارين اؤننده خطبه اوخوياندا نسيمين آجیناجاقلى طالعیینی ده يادا سالیير، اونا اللهدان رهملر ديليير، روھونا دعا لار سسلنديريم .

تاريخي-علمي منبعلرده اؤز عكسینی تاپميش معلوماتا گؤره، بو اعدامدان اون ایل سونرا حلب محكمهسى ايشه يئيدن باخيب اولكى عدالتسيز حكمو لغو ائتميش، آرتيق تاريخه قوووشان شاعره، گنج ده اولسا، برات وئر ميشدير .

بونولا بئله، بو گون من سيزدن عذر ايستميه داخيلي، معنوی احتياج دويدوم و آجيزانه توقئ ائدیرم كى، منيم عذرخواهليغي مي قبول ائديپ بوتون آذربايجان خالقينا چاتديراسينيز. بو، تك منيم يوخ، جمعی حلب موسلمانلارينين خواهيشيدير ."

دکتر محمود اکام

حلب شهر موقنسی

سورييا عرب جومهوريتی، حلب شهری،

بين الخالق نسيمي فوروموندا اوخونان معروضه دن .

۱۲ نوياير، ۲۰۰۸-جى ايل

"عذرخواهليق" اين عرب ديلىدن ترجمهسى حاجى فيرودين قوربانسويون "عمادالدين نسيمي" (باكى، "علم"، ۲۰۱۹، سه. ۱۲۸-۱۲۹) كيتابيندان گؤتورولموشدور .

گورونور، حاجى فيرودين رسمى سند آدلانديغي "عذرخواهليق" كيتابيني چاپدا اولان واخت الده ائديپ و "لاپ آخیردا بو رسمى سندی شرح سيز تقديم ائدیرم" يازماقلا كيفایتلنير .

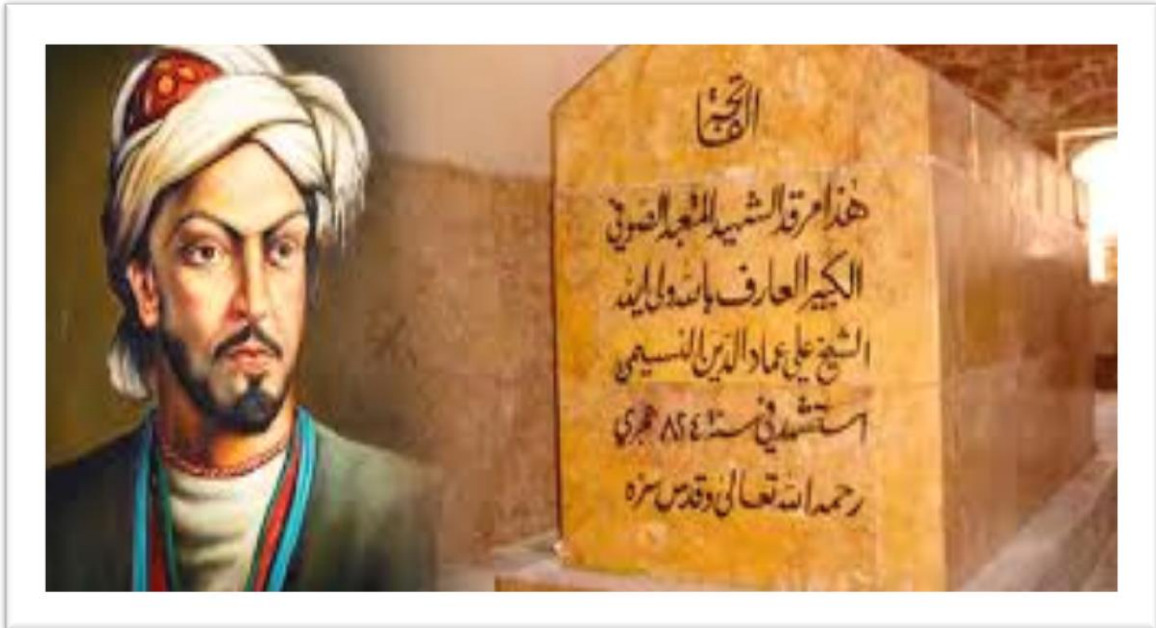
حقيقتن ده نسيمين باشينا گئيريلن بلالار گلمله ر و اونلارين هاوادلارينين ايشی ایدی. نسيمين محكمهسى بونو آچيق شكيله گؤسترير .

شاعرين محكمهسى حلبين شىخي، نايبي و قاضيلار قاضسينين و رسمى قبول اولونموش مذهبلرين (حنفيليك، ماليكيليك، شافعيلىك، حنبهليليك) دوردونون ده نمايندهلرينين ايشتيراكى ايله كئچيريليب .

اتهام ايله حنفيلرين قاضيلار قاضسى ابن الشناقشى چيخيش ائديب. حلبين نايبي يشبك اوزونو نسيمييه توتاراق: "دئيئلري اينكار انده بيلمهسن، سنى اولدورهجم" - دئيير. بو سؤزلرى ائشيتجك ابن الشناقشى يشبكين مكرلى نيتيني آنلايير و اتهامدان ايتميناغ ائدير .

حنليلر شىخي شهابالدين ابن هلال محكمين پوزولدوغونو گورهرك ماليكيلرين قاضسى فتح الدينين يوخارى باشا كئچير، نسيمين اولدورولمهسى بارده يازيلي فتوا وئرير و نسيمين توبهسينين قبول اولونماياغيني قئيد ائدير. نسيمي "كلمه شهادت" آليب دئيئلري رد ائدير. مجلسده ايلش دين خادimlerى قاضى و عالimler فتوا ايله تانيش اولدوقدان سونرا اونون اساس سيز اولدوغونو و گومان كى، شاعرين بنزرسيز ديني شعيرلريني نظره آلاق فتوانى قبول ائتمهيبيلر. قاضيلار قاضسى فتح الدين شهاب الدينه دئييب: "قاضى و علمالار سنينله راضى اولماديغي حالدا، من سنين سؤزونله دوروب اونا نجه اولوم كسه بيلرم؟"

سوریالی تدریقاتچی بکیر الناصرین گوستریدی کیمی، شیخ کامیل العزینین حلبین تاریخیندن بحث ائدن بویوک جملی "نحر ال اذهب" ("قیزیل چایی") اثرینده نسیمینین حیاتی و محکمهسی بارهده قیمتلی معلومات واردیر. اثرین ۳-جو جیلدینده اوخوماق اولور: "امیر یشبک هر دورد مذهبین قاضیلاریندان طلب ائتمیشدی کی، نسیمینی اولومه محکوم ائتسیلر. باش قاضی: "نسیمی امیرین ایستینه اساساً محاکمه



اولونور دئسه ده، قاضیلار و علمالار شاعرین کفرده تقصیرلندیریلمهسی بارهده قرارا گله بیلمهیبیلر. "وضعیتین گوزلنیلمز مجرایا دؤنویونو گورن حلب جانیشینی یشبک تنز ایشه قاریشیب: "سلطان نتیجه نی اونا بیلدیرمیی، نسیمی حاقیندا وئرلهجک گوستریشی گوزلمیی امر ائتدی". مجلس داغیلیب. مصردن سلطان معییددن جاواب گلنه قدر شاعری زیندانا ساخالاییلار.

چوخ کئچمیر کی، سلطان معییددن امر گلیر. امره اساساً، شاعرین بویونو ووروب دریسینی سویاراق جسدینی چارمیخا چکیرلر. امرده خصوصی ورغولانیردی: "چارچی جار چکسین. حلبده یئددی گون گوستریلین. سونرا دا ال-ایاغی کسلیسین، بیر پارچاسی ذوالقدر اوغلو علییه، قارداشی نصیرالدین و عثمان قاریؤلکه گؤندرلین؛ چونکی نسیمی اونلارین اینانجلارینی (اعتیقلارینی) پوزموشدور. بونون اوزرینه نسیمی اولدورولور."

ذوالقدر اوغلو علیی و قارداشی نصیرالدین قارقویونلو تورکمان طایفالارینین، عثمان قاریؤلکه ایسه آغقویونلو تورکمان طایفه اتفاقینین باشچسی ایدی (۱۳۹۴-۱۴۳۴). آغقویونلولارین پایتاختی دیاربکیر ایدی. اونلار عثمانلی سولتانلیغینین، او جملهده عثمانلی ایمپریاسینا تابع اولان مصر سلطانی معییدین سیاسی دوشمنلری ایدیلر. عثمان قاریؤلکه ۱۳۹۹-جو ایله عثمانلیلارا قارشی محاربهده تئیمورون طرفینه کئچمیش و حتی سیواسی ایستیلا ائتمیشدی. هله بو آرمیش کیمی، ۱۴۱۱-جی ایله قارقویونلولار باغدادی توتدو.

گویا اونلاری نسیمی یولدان چیخارمیشدی. حقیقت نامینه دئلیک کی، نسیمی آغقویونلو و قارقویونلولارین یئریندیسی سیاستی دستکلیردی. سلطان معیید ایسه نسیمین خالق آراسیندا بویوک نفوذا مالیک اولماسیندان خبردار ایدی.

سلطان معیید، گومان کی، تورکیه نین لاپ سرحدینده اولان حلبده نسیمین تورکمانلاری (او واخت شاملا حلب آراسیندا قارا تورکمان خانلیغی واردی - ق.پ.) اونا قارشی قالدیراجاغیندان چکینیب. اونون نسیمینی آرادان گؤتورمهیه رواج وئرهمهسی بلکه ده بو خوفلا باغلی اولموشدور. لاکین سلطان معییدین امریندن گؤرونویو کیمی، نسیمی دینه قارشی تقصیرلی بیلینهرک اولدورولمهیب. سلطان حلب شیخی، قاضیلار و دین خادیملرینین ریینی قولقاردینا وورا بیلمزدی. اونلار نسیمینی دینه قارشی چیخماقدا تقصیرلی بیلمیشدیلر. بئله اولان حالدا، سلطان معیید اصل حقیقتی آچمالی اولموشدو. اونو علییی،

قارداشی نصیرالدینی، عثمان قارایولوکو یولدان چیخارماقدا، عثمانلیلارلا اونلارین آراسیندا دوشمنچیلیک توخومو سیمکده تقصیرلی بیلرک اعدامینا گؤستریش وئرمیشدی .  
یئری گلیمشکن، عرب عالمینده نسیمییه دایر بلکه ده ایلك و ساتباللی "حلب یاقوتو عمادالدین نسیمی (۷۷۱-۸۲۰ ه. - ۱۳۷۰-۱۴۱۷ م.)، حیاتی، پونزییاسی و فلسفی فیکیرلری" (عرب یازارلار بیرلییین نثری، ۱۹۹۱) آدلی کیتابین مؤلفی سوریالی عالیم عبدالفتاح قلعهچی ده عرب دیلینده اولان مخزلر اساسیندا تدقیقات آپاراراق او قناعته گلیمشدر کی، نسیمین اعدام اندیلمهسی اونون دینی دنیل، سیاسی باخیشلاری ایله باغلی اولموشدور (باخ: بکیر نبیو. نسیمی کلامینین ایشیغیندا. باکی، "قاراباغ" نثریاتی، ۲۰۰۹، ص. ۲۴-۲۵) .

عرب تاریخچسی عباس عزوی "تاریخ عراق بین الاختیلالین" (باغداد، ۱۹۷۳) اثرینده نسیمین شخصیته، ادبی فیکیر تاریخینده یئری و س. ایله باغلی یازمیشدر: "نسیمین تهلوکهسی آرتمیشدی، سسی اوجالمیش، اونا اویانلار چوخالمیشدی. تریقتینین گنیشلنمهسی قورخوسو عالمی بوروموشدو. شاعرلیک گوجو ایله تبلیغات آپارماسی محاکیمه اولونماسینا یول آچمیشدی. آشقین و داشقین سؤزلری ایله ایسلام انتیقادینی حیغیریندان چیخاردیغی آنلاشیلردی... گؤزل بدیعی اوسلوبو ایله دینلیجیلری سارسیدردی. او، یامان جسور بیر شاعر ایدی ."

نسیمین قیسمت پای ایشگنجهلی اولوم اولسا دا، تاریخده جسور اینسان، قودرتلی شاعر کیمی قالدی. یشبکین طالعینین نئجه اولدوغونو ایسه شیخ کامیل العزینین کیتابیندان اؤیرنیریک .  
شیخ کامیل العزینین کیتابیندا یشبک عبدالله الیوسفینین شخصیته و کیملیگی باره ده دیققتچکن معلومات واردیر. کیتابدان معلوم اولور کی، یشبک جاهیل، پوزغون، قدار و طاماحکار بیر آدم ایمیش. المعید ترابلیس حاکمی اولارکن اونو مین دینارا آلیمیش. قدارلیغینا، پوزغونلوغونا و طاماحکارلیغینا گؤره او، نسیمین قتلیندن جمعسی ۴ ایل سونرا - ۸۲۴ هجریده اولدورولموشدو .

نسیمین اعدامیندان ۱۰ ایل سونرا حلب محکمه سینین ایشه یئنیند باخماسی، اولکی عدالت سیز حکمو لغو ائتمهسی، آرتیق تاریخه قوووشموش شاعره برات وئرمهسی هر شئی کؤکوندن دیشیب. شاعرین ایسلامین ایلك ایللریندن اوزرینده برقرار اولدوغو دایاقلاریندان بیرینده - سوریادا مسجدده دفن اولونماسی، آدینا کوچه قویولماسی و س. بونولا باغلیدیر .

هجری ۹۱۰- جو ایله سلطان قانسوه القوری اؤز قلبهسی شرفینه شاعرین ابدی اویودوغو مسجدی برپا ائتدیریب. بورادا نسیمییه مقبره تیکیلیب. توربهسی هله اورتا عصرلردن زیارتگاه چئوریلیب. بکیر الناصرین گؤستردی کیمی، دیوارلاردا نسیمی صنعتینی عکس ائتدیرن آذربایجان و عرب دیلرینده کیتابهلر و شعرلر یازلمیش لؤحهلر آسیلیب. همین لؤحهلرین بیرینین اوزرینده آشاغیداکیلاری یازیلار :

اگر قلبینده سیخنتی حیس ائتسن،

اونو نسیمین نفسی ایله معالجه ائت .

و اوردا، ایچرسیینده نسیمین سیرلری اولان

شرفلی (یئرین) منظره سینی مشاهیده ائت .

نسیمین حلبده آدینا کوچه قویولماسی، هله ۱۷- جی عصرده حلبی زیارت ائدن تورک سیباح-عالیمی اؤولیا چلبینین اونو شیخ نسیمی آدلاندیرماسی، حلبده نسیمی تکیه سینین اولماسیندان سؤز آچماسی، تکنین بو گونه قدر موجود اولماسی، نسیمین سویکوکونون - شجره سینین حلبده زمانمیزه قدر داوام ائتمهسی چوخ مطلبلردن سؤز آچیر، شاعرین موحیطی، حیاتی و یارادیجیلیغینا یئنی دیرلر پریماسیندان باخماق ضرورتینی اورتایا قویور .

©قاینق : ۰۹,۰۵,۲۰۱۹ ادبیات قزتی



## ادبی پروسئس حرکاتیندا یئنی دالغا Ədəbi proses hərəkətində yeni dalğa

AKADEMİK İSA HƏBİBBƏYLİ  
آکادمیک .عیسی حبیبلی

موسقیلیک دؤورو آذربایجان ادبیاتی بیر نئچه مرحلهدن کئچرک بیزیم گونلره و داها بؤیوک صاباحلارا دوغرو اینکیشاف ائتمکدهدیر. ایلک نؤوبهده اونو قئید ائتمک لازیمدیر کی، اؤلکمیزده دؤولت موسقیلییین ایگرمی سککیز ایلین تامام اولماسی و خالقیمیزین یوکسک و داواملی نایلیتلرینین ایشیغیندا بؤیوک گلجهیه اینملا آدیملاماسی جمعیتده اولدوغو کیمی، ادبیاتدا دا ثابت و دینامیک اینکیشافین اساسینا چئوریلیمشدیر. ادبی پروسئس جمعیتدهکی گرگینلیکلرین اووقاتینی یاشایاراق مورککبلیکدن، ضدیتلردن آیدینلیقلارا دوغرو اینکیشاف ائتمکده داوام ائدیر. ادبیات ایچینده اولدوغو جمعیتین کنجید دؤوروندهکی بحرانلاریندان، اوچوروملاریندان کچهرک اؤلکەسی و خالق ایله بیرلیکده آیدین ماگیستراللاردا ایرلییه دوغرو آدیملاییر. آرتیق ادبی پروسئسین چوخوقتبلو اینکیشافی موسقیلیک دؤورو آذربایجان ادبیاتینین گرچکلیگیدیر. چوخمتودلو ادبی پروسئس یئنی تاریخی ائپوخادا آذربایجان ادبیاتینی گئنیش یارادیجیلیق اوفوقلرینه چاتدیرمیشدیر. علمی-نظری معنادا دا ادبی پروسئس آنلابیسی گئنیش آنلابیسا چئوریلهرک، ایلین ادبیاتینین یئکون ایجماللاریندان ادبی گئنیشتاتین نظری درکینه، علمی شرحینه، پروفنوزلاشدیریلماسینا تکامل پروسئسلری کئچیرمیشدیر. ۲۰-جی عصرین یئتمیشینجی ایللرینده اساسی قویولموش و ۲۱-جی عصرین ایکنجی اونیللینین اوللرینده یئنیند برپا ائدیلمیش ادبی پروسئس علمی-یارادیجیلیق موشاویرهلرینده سسلندیریلن معروضهلرین ایجمال تنقیدیندن داها گئنیش باخیشلا آنالیتیک تحلیل اساسیندا مونوقرافیک درینلییه دوغرو ایرلیمهسی ادبی موحیطده اعتراف اولونان حقیقتدیر. آرتیق آذربایجان ادبیاتشوناسلیغیندا ادبی پروسئسی مونوقرافیک درینلیکده درک و شرح ائدن علمی نسل فورمالاشمیشدیر. یاش باخیمیندان موختلیف علمی نسللری احاطه ائدن علمی-ادبی پروسئس هر نسلین اوز اوانقاردینی میدانا چیخارمیشدیر. علمده آغساقال و اورتا نسلین مودریکلیگی ایله یئنی جاوان نسلین، "گنج قواردیپانین" انترژسی بیری-دیگرینی تاماملایاراق، ادبی پروسئسی بوتون یؤنلری ایله قاوراماقلا و یوکسک نظری سوییهده عکس ائتدیرمکده سیلری بیرلشدیرمهیه خیدمت ائدیر. بئلهلیکه، ادبی پروسئسین تکجه فاکتلاری و آیری-آیری حادثهلری ایله دئییل، کومپلئکس حالدا اساس آخینلاری، ادبی جریانلاری، مرحلهلری و پئرسپئکتیولری ایله بیرلیکده کومپلئکس شکیده آراشدیریلیب اوزه چیخارماغا دوغرو مارق، تشبوس و جهدرل قوووتلنمیشدیر. دیسئرتاسییا مؤوضولاریندان توتموش، مونوقرافیالارا، فردی پلان ایشلرینه، مقالهلره، علمی کونفرانس ماتئریاللارینا قدرکی بوتون علمی تدقیقات ساحهلرینده نظری سویینین یوکسلمهسینه دوغرو جدی ایرلیلیش موشاهیده اولونموشدور. همیشه اولدوغو کیمی، معاصر دؤورده ده علمی-نظری سوییهدهکی کئیفیت دییشیکلیکلری کوتلوی شکیده اولماییب، اما اولکی مرحلهلردن داها چوخ ایدراک صاحبینی احاطه ائتمهسی و سیرالارین گئنیشلنمکده داوام ائتمهسی ایله موشابیت اولونور. علمی-ادبی



پروسئسدهکی قوتلنمکده داوام ائدن بو مئیل تدریجن، اوبرازلی دیلله دئسک، فرقلی بیر دالغایا چئوریلیمکدهدیر. بوتون بونلار ایسه حاضرکی مرحلهده ادبی پروسئس مذاکیرملرینده ایلین ادبی یئکونلاریندان، ادبی نؤولرین و یا ژانرلارین اینکیشاف تئمپلرینی معین ائتمکدن معاصر ادبی آخینلارین، ادبی جریانلارین تظاهر فورمالارینین، اینکیشاف دیالکتیکاسینین شرح ائدیلمهسینه کئچیده ایستارت وئرمیشدیر. اونا گؤره ده مستقیل-لیک دؤورو آذربایجان ادبیاتیندا ادبی جریانلاشما باخیمیندان گئدن پروسئسلر حاقینداکی تقدیمات ۲۰۱۷-جی ایلدن اعتباراً "ادبی پروسئس حرکاتی" آدلانديرديغيميز "ادبی پروسئس" علمی-یارادجیلیق موشاویرهلری و تحلیللرینین یئنی تیپلی اوریزینال موقددیمهسی اولای بیلر .

\*\*\*

مستقیل-لیک دؤورونون چوخمتودلو ادبیاتی آذربایجان رنئسپوبلیکاسینداکی دئموکراتیک اینکیشافین و دنیا ادبیاتی و مدنیتینه دوغرو گئنیشلنمکده داوام ائدن اینتئقراسییا پروسئسلرینین قانوناویغون منطیقی نتیجهسیدیر. جمعیتین "نبزی" اولان آذربایجان ادبیاتی اجتماعی-سیاسی پروسئسلرین ایچرسیینده بیرلشهرک، اونون فؤوقونه دوغرو ایستقامت آلمیشدیر. اولکمیزدهکی چوخپارتیالی حقوقی-دموکراتیک سیستم ادبیاتداکی چوخمتودلو، چوخ سسلی پولیفونیک اینکیشافی دوغرولتموش، اؤزونون اینکیشافی ایله بیر سیرادا ادبی آخینلارین و ادبی جریانلارین دا فورمالاشماسینا او، مثبت تاثیرینی گؤستریر. گئنیشلنمکده داوام ائدن چوخسسلی ادبی پروسئسلری ادبی آخینلارسیز و جریانلارسیز تسوور ائتمک مومکون دئییلدیر .

معلوم اولدوغو کیمی، اولکمیزده دؤولت مستقیل-لیگی الهه ائدیلدیکدن درحال سونرا جمعیتده یارانمیش اونو ایتیرمک قورخوسو ادبیاتدا عکس-صدا وئرهرک چاشقینلیق، اومیدسیزلیک، معنوی بحران، حتی کدر موتیولرینی اؤن موقعیه چیخارمیشدیر. دئکادانس ادبیات بدیعی یارادجیلیق پروسئسلرینین بوتون ایستقامتلرینده موشاهیده اولونموشدور. اومیدسیزلیک و چاشقینلیق موتیولرینین، نجه دئیرلر، بوتون جبهه بویو گئنیشلنمهسی و بیر مدت داوام ائتمهسی آذربایجان ادبیاتیندا دئکادانتیزم ادبی جریانینی میدانا چیخارمیشدیر .

سوسیالیست رئالیزی یارادجیلیق مئتودونون کؤهنه قورولوشلا بیرلیکده عمرونو باشا وورماسی یئنی بدیعی مئتود آختاریشلارینی گوندمه گتیرمیشدیر. بو پروسئس، ایلك نؤوبهده، ۲۰-جی عصرین ۹۰-جی ایللرینده آیری-آیری ادبی قروپلارین یارانماسی ایله نتیجلنمیشدیر. موختلیف ایستقامتلری هدف و اؤرنک کیمی قبول ائدن ادبی قروپلار نتیجه اعتباریله بدیعی مئتودا و یا ادبی جریانلار چئوریله بیلمهسلر ده، بونولا آذربایجاندا چوخسسلی، چوخمتودلو ادبیاتین اساسی قویولموشدور. تکمتودلو سوسیالیست رئالیزی ادبیاتیندان چوخمتودلو آذربایجان ادبیاتینا کئچید مستقیل-لیک دؤورو ادبیاتینین ایدئیا-بدیعی و علمی-نظری اساسلارینا چئوریلیمیشدیر .

۲۰-جی عصرین آخیرلاریندان اعتباراً آذربایجان جمعیتینده باش وئرن جانلانا و اینکیشاف تدریجن اومیدسیزلیک، چؤکوش مئیللرینی آرادان قالدیرماغا باشلامیش و بونولا دا ادبیاتدا کچیک ادبی قروپلاشلارین یا بیرلشمهسی، یا دا عمرونو باشا چاتدیرماسی پروسئسلری یاشانمیشدیر .

آرتیق ۲۱-جی عصرین باشلانغیجیندا آذربایجان ادبیاتیندا ادبی قروپلاردان ادبی جریانلارا دوغرو یئنی بیر پروسئس اؤنه چیخمیشدیر. بو دؤوردن اعتباراً ادبی قروپلارین یئنین قروپلاشماسی اساسیندا، بزن ایسه مۇوجود ادبی ایستقامتلرین، آخینلارین اینکیشاف ائدرک گئنیشلنمهسی زمینده ادبیاتدا یئنی ادبی جریانلار یارانماغا باشلامیشدیر. آذربایجان ادبی تنقیدی ادبیاتداکی جریانلاشمانی ۲۱-جی عصرین

بیرینجی اونیللیبده حیس انتمیش، بو حاقدا ملاحظه لر یورودولموشدور. لاکین ادبی جریانلارین فورمالاشماسی اوچون معین زامان طلب اولوندوغوندان ادبی جریان مسئله سیندن ادبیات نظریه سی سویه سینده یالیز سون اوچ-دورد ایله نیسبتن گنیش دانیشیلماساغا مئیل آرتیشدیر. لاکین هله ده ادبی-نظری فیکیر ادبی جریان مسئله سینده بیر قدر احتیاطلا و یا تردودله یاناشماق دادیر. بونون نتیجه سیدیر کی، بو گونه قدر موختلیف تدقیقات اثرلرینده، ایجماللاردا یئنی تاریخی ائپوخانین ادبی جریانلاریندان آرا-سیرا سوز آچیل سا دا، کونکرت اولراق موستقیل لیک دؤورو آذربایجان ادبیاتیندا ادبی جریانلار مسئله سی نینکی کونکرت بیر علمی تدقیقات اثرلرینین موضوعو اولمامیشدیر، بو باره ده آیریجا، خصوصی بیر مقاله ده یازیلمامیشدیر. لاکین ادبی پروسس ادبی جریانلاردا پروسسلرینین درینلشدیریلمه سینده و گنیشلندیریلمه سینده دوغرو یول گنتمکده داوام ائدیر. بو معنادا ادبی جریانلارین اعترافی باخمیندان ادبی دوشونجه علمی فیکری قاباقلامیشدیر. اوزونو پوستمودرنیزم ادبی جریانینا عاید ائدن یئنی نسل یئتیشمیشدیر. یاخود دا دؤوری مطبوعاتدا چاپ اولونان بدیعی یازیلارین آدینین آلتیندا مؤتریزه ده (سورئالیست حکایه)، (پوستمودرنیست گزیشمه) کیمی قئیدلره تئز-تئز راست گلدیلمیز حالدا، ادبیاتشوناسلیق اثرلرینده بو مسئله لرین چوخ دا آکتیو شکیلده بحث اولونمور. یالیز سون ایللرده ادبیاتشوناسلیق علمی آرتیق آذربایجان ادبیاتیندا ادبی جریان مسئله سینده خئیلی درجه ده آدیجیل و گنیش دقت یئتیرمه یه باشلامیشدیر. بونون بیر اساس سببی ده ادبیاتین اوزونده جریانلاردا پروسسلرینین قابارماسی ایله علاقه داردیر. آرتیق ادبیاتشوناسلیق علمینین ادبی جریانلاردا یان کئچمه سی مومکون سوزدور. آذربایجان میلی علمی علملر آکادئمییسی نظامی گنجوی آدینا ادبیات اینستیتوتوندا ۲۰۱۸-جی ایله "ادبی جریانلار" سکتورونون یارادیلماسی دا تصادفی اولماییب، هم ادبیاتیمیزداکی کلاسیک ادبی جریانلارا دؤولت موستقیللینین، آذربایجان چیلیق ایدئاسینین ایشیغیندا یئنین قاییتماق ضرورتینی، هم ده موستقیل لیک دؤورو آذربایجان ادبیاتیندا ادبی تامیوللرین، جریانلارین خئیلی درجه ده فورمالاشماسی، دی-فاکتو بیان ائدیلمه سی، یاخود اعتراف اولونماسی رئالیغینی ایفاده ائدیر. ادبیات اینستیتوتوندا "ادبیات نظریه سی شعبه سی" نین و "ادبی جریانلار سکتورونون تشکیلات چیلیغی ایله ادبی جریانلار حصر ائدیلمیش علمی سئمینارین کئچیریلمه سی ده بو پروبلئمین معاصر دؤوروموز اوچون آکتوالیغینی نظره چارپدیرمیشدیر. بئله لیکله، حاضردا آذربایجان ادبیاتشوناسلیغیندا ادبی جریان پروبلئمینه یئنین قایدیش مرحله سی باشلانمیشدیر.

عینی زاماندا، چوخ عصرلیک آذربایجان ادبیاتینین دؤورلشمه سی کونسپسیاسینین حاضرلانماسیندا ادبی جریان عاملیندن اساس فاکتورلاردان بیر کیمی قبول اولونماسی دا ادبی جریانلار معاصر باخیشی اوزونده عکس ائدیریر. سون ایللرده آذربایجان ادبیاتینین تاریخی اینکیشاف یولونون معین ائدیلمه سینده ادبی جریانلارین رولونا و اهمیتینه خصوصی دقت یئتیریلمه سی بو فاکتورون میلی-اجتماعی و ادبی فیکرین اینکیشافیندا نه قدر بؤیوک رول اوینادیغینی ثبوت ائدیر. بو منتیق دن چیش ائدرک اثرکن رئالیزمین ۱۷-جی-۱۸-جی عصرلرده، معاریفچی رئالیزمین ۱۹-جو عصرده خصوصی ادبی-تاریخی مرحله یاراتماسی، ۲۰-جی عصرین اوللری ادبیاتینین تنقیدی رئالیزم و رومانیزم ائپوخاسی آدلاندیریلماسی ادبی جریانلارین آذربایجان ادبیاتینین تاریخی طالعینه و معاصر اینکیشافینا گوج لو شکیلده تأثیر گؤستردینی آیدینلاشدیریر.

سوونت حاکمیتین داغیلماسی ایله علاقه دار اولراق سوسیالیست رئالیزمی یارادیجیلیق منتودونون "عمرونو" باشا چاتدیرماسیندان سونرا موستقیل لیک دؤورو آذربایجان ادبیاتیندا هانسی یارادیجیلیق منتودو و یا ادبی جریان ادبی پروسه سی ایستیفامتلندیریلیمیشدیر - سوالینا علمی جواب آختارماق معاصر آذربایجان ادبیاتشوناسلیق علمینین اوزرینه دوشن ان مهم وظیفه لرین بیریدیر. اولکمیزده موستقیل دؤولتین یارادیلماسینین ۲۸-جی ایلین تامام اولماسینا باخمایراق، هله ده بو مسئله یه آیدینلیق گتیرمک ایستیفامتینده جدی بیر علمی آدیم آتیلمامیشدیر. فیکریمجه، ادبی پروسه سین اینکیشافینی معین ائدن بدیعی منتودو و یا

ادبی جریان مسئله سینی حل ائتمه دن ادبیات داکی گنڈیشاتین هان سی ایستیفامته دوغرو گنڈیینی، هارا اپار دیغینی، هان سی یئنیلیکلرین گنڈیردینی دوغرو-دوزگون گوسترک مومکون دئییلدیر .

موشاهیده لر گوستریر کی، مستقیل لیک دؤورو آذربایجان ادبیاتی اولکمیزده دنموکراتیک جمعیت مرحله سینین ادبیاتی اولدوغو اوچون واحد ادبی متودا مالیک اولان بیر ادبی پروسئس حاقیندا دوشونمک لوزوم سوزدور. تکپارتیالی سوونت جمعیتینین دوغوردوغو واحد یارادیجیلیق متودو آنلایشی آرخادا قالمیش، بیردفعه لیک آرخیوه وئر یلمیشدیر. چوخپارتیالی دنموکراتیک اساسلارا مالیک اولان مستقیل لیک دؤورو ادبیاتیندا چوخمتودلو، چوخسلی ادبیات یارانیب اینکیشاف ائتمکده دیر. چوخمتودلو ادبی پروسئس معاصر آذربایجان ادبیاتینین سیماسینی معین ائدیر. بو چوخمتودلولوق ادبیاتشوناسلیق علمینده معین ائدیلمیش رئالیست و رومانیک متودون چرچیوه سینه سیغیر. ادبی پروسئسین گنڈیشاتی مؤوضو، ژانر، اوسلوب باخمیندان اولدوغو کیمی، بدیعی متود جهت دن ده داها گنڈیش و رنگارنگ دیر. آذربایجان ادبیاتینین معاصر منظره سینده موشاهیده اولونان همین گنڈیش لیک و رنگارنگ لیک اطرافیندا جملشیب، کونکرئت یارادیجیلیق یولونو معین ائدن یازچی و شاعرلرین فرقلی ادبی مؤقعلری حاضرکی مرحله ده آیری-آیری ادبی جریانلاری دوغورموشدور. حاضردا آذربایجان ادبیاتینین ایندیکی دؤورونون اساس یارادیجیلرینی اؤز اطرافیندا بیرلشدیرن ان آزی آشاغیداکی ادبی جریانلار فورمالاشماق دادیر: ۱. نورئالیزم؛ ۲. پوستمودئرنیزم؛ ۳. ماگیک (سحیرلیجی) رئالیزم؛ ۴. دنکادنئیزم. (چورومه-اخلاقی چوکونتو)

البته، قنید ائدیلن ادبی جریانلار آرتیق ادبی موحیطده اؤزونو بیروزه وئرمیش، اینکیشافدا اولان تمایوللردیر. هئچ شوبهه سیز، بونلاردان باشقا دا ادبیاتدا معین آخینلار نظره چارپماق دادیر. مثلاً، آذربایجان ادبیاتیندا سورئالیزمین معین علامتلری گؤرونمکده دیر. بو یاخینلاردا چینگیز علی اوغلو اؤز شعیرلرینی "ادبیات قزنتی" نده "سورئالیست شعیرلر" روبریکاسی ایله چاپ ائدیرمیشدیر. ادبیاتشوناسلیقدا معاصر دؤورون فوتوریست یازارلاری حاقیندا معین ملاحظه لر سسلنیر. بوندان باشقا، آذربایجان میلی علملر آکادئمییاسیندا "قوشا قاناد: فیزیکا و لیریکا" مؤوضوسوندا کئچیریلن رئسپوبلیکا میقیاسلی علمی کونفرانسلاردا آرتیق آذربایجان ادبیاتیندا آکادئمیزم ادبی جریانین فورمالاشماقدا اولدوغونون آنونسلاری وئرلییر. هئچ شوبهه سیز، ادبی پروسئسین چوخمتودلو اینکیشافی داها باشقا ادبی جریانلاری، آخینلاری، تمایوللری ده میدانا چیخاراجاق دیر. بو ادبی آخینلاردان هان سینین داواملی اولوب-اولماماسینی یالنیز زامان حل ائده بیلر .

آرتیق مستقیل لیک دؤورو آذربایجان ادبیاتیندا فعالیتده، حرکتده اولان ادبی جریانلاردان مونوقرافیک تدقیقاتلاردا، دیسسرتاسیبالاردا، مقاله لرده بحث ائدیلمکده دیر. نظامی گنجوی آدینا ادبیات اینستیتوتوندا مؤفلر کوللکتیوینین حاضر لاییب نشر ائدیردی "مستقیل لیک دؤورو آذربایجان ادبیاتی" ایکجیلدیگی بدیعی یارادیجیلیق پروسئسلرینین، یازچی و شاعرلرین بدیعی یارادیجیلیغینین چوخمتودلو ادبیات پرینسپینین ایشیغیندا دیرلندیریلیب قیمتلندیریلمه سینین سانبالی علمی نومونه سیدیر. محض آذربایجان ادبیاتشوناسلیق علمینده ایلك دفعه بو مونوقرافیک تدقیقاتدا مستقیل لیک دؤورو ادبیاتیمیزین چوخمتودلو اینکیشافی بیان ائدیلمیش و علمی-نظری جهت دن اساسلاندیریلیمیشدیر. مستقیل لیک دؤورونده میدانا چیخان ادبی جریانلار حاقیندا دا ایلك دفعه بورادا کونکرئت معلوماتلار وئر یلمیشدیر. بوتؤولوکده ایسه مستقیل لیک دؤورو آذربایجان ادبیاتیندا مؤوجود اولان ادبی جریانلارین هر بیر ی آیریلیقدا، پونتیکاسی و ائستنتیکاسی ایله بیرلیکده تدقیق اولونمالیدیر .

بئله لیکله، عمومیتله، آذربایجان ادبیاتیندا ادبی جریان مسئله سی، خصوصاً ده مستقیل لیک دؤورو ادبیاتیمیزدا ادبی جریانلار پروبلمی دفاکتو علمی فیکرین گوندلیننه داخل اولموشدور. بو، ادبیاتشوناسلیق

علمینده آرتیق بدیعی مئتود آختاریشلاری ایله علاقه دار علمی فیکری اویاتمیشدیر. حساب ائدیرم کی، ادبی جریانلارلا علاقه دار پروبلئم ادبیاتین اینکیشاف ایستیقاملری، مرحلهلری و پئرسپئکتیولری، ژانرلار سیستمی، ائستتیکاسی، پوئتیکاسی و سایر کیمی جدی نظری پروبلئلری احاطه ائتدی اوجون ادبیاتشوناسلیق علمینین ادبیات نظریهسی و ادبی تنقید قانادلارینین قارشسیندا یئنی اوفوقلر آچیر. اصلینده، یوخاریدا قئید ائتدیمیز کیمی، ادبیاتین نظری درکی و شرحی ایله علاقه دار یئنی دالغا آرتیق باشلانمیشدیر. ایندیکی حالدا بوتولوکده ادبی پروسیسی، یاخود دا آیری-آیری یازچی و شاعرلرین یارادیجیلیغینی تدقیق ائدیپ اومومیشدیرمهلهر آپارارکن، ادبیاتین عمومی قانونلویغونلوقلاری ایله یاناشی، کونکرت اولاراق یارادیجی قولرین منسوب اولدوقلاری ادبی جریانلاردا چیخیش ائتمک لازیم گلیر. جلیل ممدقولوزاده و میرزه الکبر صابیردن بحث ائدرکن آذربایجان ادبیاتیندا تنقیدی رئالیزمدن، حسین جاویددن و محمد هادیدن سؤز آچارکن رومانئیزم ادبی جریانلاردا سؤز آچماق نه قدر علمیدیرسه، مستقللیک دؤورو ادبیاتیمیزی تحلیل ائدیپ دیرلندیررکن ده یارادیجی قولری منسوب اولدوقلاری ادبی جریانلاردا بیر یئرده اؤیرنیم قیمتلندیرمک بیر او قدر زوروی، فایدالی و علمیدیر .

مستقللیک دؤورو آذربایجان ادبیاتی چوخمئتودلو، چوخسلسی، چوخفسلی ادبیاتدیر. چوخمئتودلو آذربایجان ادبیاتی آرتیق میدانلاردا. و دؤولت مستقللیغینین ایندیکی مرحلهسینده مؤوجود بدیعی مئتود، اولوب و ژانر موختلیفلیگی ادبی ایستیقاملارین سیماسینی و یازچینین فردی اؤزونمخسوسلوغونو معین ائدیر. ادبی موخیطده و بدیعی یارادیجیلیق پروسیسینده بو دالغا، بو مئیل قوتلمکده، گئنیشلنمکده داوام ائدیر. بو، مستقللیک دؤورو آذربایجان ادبیاتینین آرتیق اؤزونون چوخسلسی یارادیجیلیق یولونو معین ائتدینی، بوتون ایستیقاملار اوزره ایستارت گؤتوردیونو، جدی اینکیشاف تئملرینه مالیک اولدوغونو نوماییش ائتدیریر .

معاصر آذربایجان ادبیاتشوناسلیق علمی ده چوخمئتودلو آذربایجان ادبیاتینی تدقیق-تحلیل ائدیپ قیمتلندیررکن مؤوجود ادبی اینکیشافین موختلیفلیغین، چوخمئتودلو، چوخسولوبلو اولماسینین فرقیندهدیر. بو دا آذربایجان ادبیاتینین اؤیرنیلیم دیرلندیرلمهسینده ده یئنی بیر علمی دالغانین باشلانمیشی گؤستریر. اینانیریک کی، ادبی پروسیسده، ادبیاتدا و علمی-نظری فیکرده میدانلاردا چیخان یئنی دالغا آذربایجان ادبیاتینی و ادبیاتشوناسلیق علمینی داها گئنیش اوفوقلاردا چاتدیراجاق دیر .

هئج شوبههسیز، هر ادبی جریان اؤزونون بؤیوک یارادیجی دوهاسینی دوغوراجاق دیر. اثرکن رئالیزم موللا پناه واقیفی، معاریفچی رئالیزم میرزه فتحعلی آخوندزادنی، تنقیدی رئالیزم جلیل ممدقولوزادنی و میرزه الکبر صابیری، رومانئیزم حسین جاویدی، علی بی هوسئینزادنی و محمد هادینی، سوسیالیست رئالیزمی سولئیمان رهموو، سولئیمان روستمی و علی ولیوی یئتیشدیریب بؤیوک ادبیات میدانلاردا چیخاردیگی کیمی، مستقللیک دؤورونون ادبی جریانلاری دا یئنی تیپلی گؤرکملی یازچیلارینی عرصهیه گئیره جکدیر .

قیسا زامان عرضینده یئنی تاریخی ائپوخانین ایزملری فونوندا مودرنیزم و نئورئالیزم زمینینده انار، ائلچین، علی کریم، فیکرت قوجا، صابیر اهدووون و ایسی ملیکزادنین، ماگیک رئالیزم ایشیغیندا عیسی حسینوون و یوسف صمد اوغلونون، پوستمودرنیزم دالغاسیندا کمال عبدالله نین، دئکادئنتیزم بورولغانیندا واقیف صمد اوغلو و رامیز رۇوشنین، سوررئالیزم واختیندا چینگیز علی اوغلونون بؤیوک ادبیاتین یارادیجیلاری اولاراق میدانلاردا چیخماسی گلهجکده یئنی ادبی جریانلارین فؤوقونه یوکسهلهجک قودرتلی سنتکارلارین یئتیشیب فورمالاشاجاغینا نیکیبن باخماغا اساس وئریر. عینی زاماندا، ادبیاتشوناسلیق باخیمیندا دا ایزملرین گؤرکملی تدقیقاتچیلاری کیمی ادبیاتشوناسلیق علمینه اؤز مؤهورونو باسمیش آکادئمیک ممد جعفر جفروو (رومانئیزم)، موخیر عضو یاشار قاریو (رئالیزم) کیمی مستقللیک دؤورونون ادبی جریانلارینین دا پشکار تدقیقاتچیلاری اولان پروفئسسونال ادبیاتشوناسلارینین دا یئتیشجینه، آدسان قازاناجاغینا اینانماق مومکون دئییلدیر .

**ادبی پروسیسدن، ادبیاتدان - ادبی جریانلار، اولکویه و دونیا!**

مستقللیک دؤورو آذربایجان ادبیاتینین و ادبیاتشوناسلیق علمینین یئنی تاریخی ائپوخاداکی اینکیشافینین ادبی و علمی-نظری دوستورو بوندان عبارتدیر .

\*\*\*

ادبی پروسئس حرکاتیندا یئنی دالغا هم ده ادبی تنقیدده کونسئپتواللیغا و پروسئسیوناللیغا دوغرو اینکیشافا تکان وئرمیشدیر. هر شعبدن اول، اونو قئید ائتمک لازیمدیر کی، نظامی گنجوی آدینا ادبیات اینستیتوتوندا آرتیق ۲۰۱۴-جو ایلدن آردیجیل اولاراق کئچیریلیمه باشلایان "ادبی پروسئس" علمی-یارادیجیلیق موشاویرهلری ادبی گئدیشتای آیری-آیریلیقدا دئتالار اوزره تحلیل ائتمکدن تدریج منته ایستیناد ائتمکله مسئلهلره کومپلئکس یاناشمالارا دوغرو اینکیشاف ائتمیشدیر. محض بو زمینده "ادبی پروسئس-۲۰۱۷" مذاکرهلرینده ایلک دفعه اولاراق ادبی پروسئسین گئدیشتای اساسیندا ادبی پروسئس حرکاتیندان دانیشماق مومکون اولموشدور. "ادبی پروسئس-۲۰۱۷" یارادیجیلیق موشاویره سینده گلینن آشاغیداکي یئکون علمی-نظری قناعت نظامی گنجوی آدینا ادبیات اینستیتوتوندا آردیجیل اولاراق کئچیریلن ادبی پروسئس مذاکرهلرینین دیالکتیک اینکیشافیندان چیخاریلان علمی نتیجه سیدیر: "بو ادبی پروسئس مذاکیره لری. A - ح (معاصر آذربایجان ادبیاتینی ایللر اوزره بوتون یونلری ایله تحلیل ائدیپ دیرلندیرن آردیجیل و سیستملی بیر علمی-ادبی حرکاتدیر. "ادبی پروسئس" مارافونو مستقیل لیک دؤورو آذربایجان ادبیاتینین ماهیتینی آچان، سجبیه سینی معین ائدن، مودئلرینی میدانا قویان، گله جک اینکیشاف یوللارینی گؤسترن حرکاتدیر. بو حرکات آذربایجان ادبیاتشوناسلیق علمینین آیری-آیری نسیللرینی و بوتون علمی درجه لردن اولان علم آداملارینی واحد پلاتفورمادا اؤزوند بیشلدیریر و ایستیکاملندیریر... ادبی پروسئس حرکاتی اؤزونون باش مقصدی اولاراق مستقیل لیک دؤورونون ان معاصر ادبیاتینین و ادبیاتشوناسلیق علمینین یارادیلماسینا و یئنی علمی نسلین یئنیسیب فورمالاشدیریلماسینا اینملا و اوغورلا خیدمت ائدیر."

بو، ادبی پروسئس مذاکرهلرینین ۲۱-جی عصرین یئتمیشینجی ایللریندن بیزیم گونلره قدرکی اینکیشافیندا گلیب چاتدیغی یوکسک اینکیشاف سوییه سیدیر. آرتیق علمی-ادبی حرکاتی ایستاتوسو قازانمیش پروسئسلرین داها دا گئنیشلنهرک و اینکیشاف ائدرک یئنی بیر دالغیا چئوریلیمه سی باشلانمیشدیر. بدیعی متندن و ادبی پروسئسلرین رئال لیکلاریندن چیخیش ائدرک آنالیتیک تحلیل اساسیندا پروسئسلره کومپلئکس یاناشماق، پروفئسیوناللیق و کونسئپتواللیغا جهد گؤستریمک ادبی پروسئس حرکاتینداکی یئنی دالغانین اساس سجبوی خصوصیتلریدیر.

عینی زاماندا، "ادبی پروسئس" مذاکرهلرینده آراسیرا سسلندیریلن، "ادبی پروسئس - ۲۰۱۷" ده آرتیق بیان اولونان ادبیاتدا گئدن پروسئسلرین یئنی ادبی آخینلار و ادبی جریانلارلا علاقلی تدقیقی و تقدیم اولونماسی دا یئنی تاریخی مرحلنن اساس اؤزومخوسولوقلارینداندیر. بیزیم موشاهیده لریمیزه گؤره، "یئنی دالغا" آدلاندریغیمیز ادبی پروسئسین ایجمالینی یاراتماق دان اونون درین و نظری شرحینی وئرمه ده دوغرو باش وئرمیش اینکیشاف تدریجی تکامل پروسئسلری اساسیندا فورمالاشمیش مهم علمی نتیجه دیر. ایندیکی حالدا بیز ادبی پروسئس موشاویره سینده مذاکیره یه چیخاریلان علمی معروضهلردن بیر چوخونو علمی یئنیلیک و نظری سوییه باخیمیندان نظامی گنجوی آدینا ادبیات اینستیتوتونون، حتی میلی علملر آکادئمیا سبیین مهم علمی نتیجه لری سیراسینا داخیل ائده بیلریک. آم ع آنین موخبیر عضو تهران آلیشان اوغلونون "۲۰۱۸-جی ایلین ادبی تنقیدی: دیسکورس و پروسئس"، فیلولوگیا علملری دوکتورو واقیف یوسفیلین "۲۰۱۸-جی ایلین پونزییاسی حاقیندا قئیدلر"، ائلناره آکیمووانین "تاریخین سونو" تو اینکار ائدن داها بیر ایل. "ایلین ادبی منظره سی")، سالیده شریفووانین "ادبیات تاریخچیلیگی - ۲۰۱۸"، ائسمیرا فوادین "پونما - ۲۰۱۹: ائپوس تفکورو و لیریک-فلسفی بیاننامه"، فیلولوگیا اوزره فلسفه دوکتورلاری نرگیز جاببارلینین "یئنی رومان معاصر باخیش"، مارال یاقوبووانین "بدیعی نثر و یارادیجیلیق تئخنولوگیا لاری"، آینور خلیلووانین "پونست - چاغداش بدیعی دوشونجین آختاریشلاریندا"، لاله هسنووانین "آذربایجانین روسدیللی ادبیاتی - ۲۰۱۸"، آینوره مصطافایووانین "۲۰۱۸-جی ایلین دراماتورگییاسی اوزرینده دوشونرکن"، نرمین جاهانگیرووانین "ایلین حکایه پالیتراسی" ایجماللاری قارشیبیا قویولان هدفلری، درین علمی تحلیللری، نظری عمومیشدیرمه لری اولان نظری تدقیقاتلاردیر. بویلیکی "ادبی پروسئس" معروضهلرینی تام حالدا "آذربایجان ادبیاتینین تاریخی اوچئرکلری - ۲۰۱۸" آدلاندریماق اولار. بوتولوکده "ادبی پروسئس -

۲۰۱۸ "آذربایجان ادبیاتینین بیر ایلینین رننتگن سوزگچیندن کنجمیش رئال گنڈیشاتینینی عکس ائتدیریب، اوبیئکتیو منظرهسینی یارادان مهم علمی پلاتفورمادیر .

تقدیم ائدیلن علمی معروضه لرین بیر چوخوندا موشاهیده ائدیلن کونسئپتوال یاناشما، یاخود کونسئپتواللیغا مئیل "ادبی پروسس - ۲۰۱۸" این علمی یئنیلی و مهم نتیجہسیدیر. فیلولوگیا علمری دوکتورو جاونشیر یوسفیلین "پونزییا و گنجر. گنجرین سواللاری" معروضهسی معاصر ائسسئ تنقیدینین باریز نومونهسیدیر. عمومیتله، دؤوری مطبوعاتداکی ادبی-تنقیدی یازیلاری گؤستریر کی، جاونشیر یوسفیلی معاصر دؤورده ائسسئ تنقیدینین، یاخود دا ادبی تنقیده ائسسئچیلین اساس یارادیجیلاریندان بیریدیر. ائسسئواری تنقید آرتیق جاونشیر یوسفیلی تنقیدینین فردی سیماسیدیر. ایلک دفعه "ادبی پروسس" مذاکره لرینه چیخاریلیمیش ائسسئ ژانری فیلولوگیا اوزره فلسفه دوکتورو مئهمان حسنلینین تدقیقاتیندا اوزونون گنجرک نظری تحلیلینی تاپمیش و بوندان سونراکی اینکیشاف تئمپلرینی معین ائده بیلیمشدیر .

ادبیات اینستیتوتوندا آذربایجان-آسییا ادبی علاقه لری شعبهسینین یارادیلماسی و ثمرلی فعالیتی ۲۰۱۸-جی ایله "ادبی پروسس حرکاتی" نا فیلولوگیا علمری دوکتورو بصیره عزیزعلینانین آسیا خالق لاری ادبیاتلاری ایله علاقه لر حاقیندا معروضهسینی گنیرمیشدیر. اوزون ایللر سونتئر اتقاقی چرچیوهسینده اساساً سسری-یه داخیل اولان رئسپوبلیکالاردا و اروپانین سوسیالیست اولکه لرینده یارانان ادبیاتی اؤیرنمکدن کنارا چیخارماقدا چتینلیکلرله اوزلشن آذربایجان ادبیاتشوناسلیق علمینین موسقیل-لیک دؤورونده اولکمیزین قریبئولو اینکیشافینا اویغون اولاراق اروپایا دوغرو سرحدلرینی گنیشلندیرمیشدیر. بونولا بئله، آذربایجان ادبیاتشوناسلیق علمینین قرب اولکه لری ایله علاقه لر اوزره دایره سی اطرافینداکی حرکتی ایرلییه دوغرو آددیم علامتی اولسا دا، آسییا ادبیاتی کیمی زنگین بیر خزینهدن کناردا قالماسی یالنیز اینکیشافی بیرطرفلی شکیده عکس ائتدیرمکله محدودلاشا بیلر. نهایت، ۲۰۱۶-جی ایله ادبیات اینستیتوتوندا "آذربایجان-آسییا ادبی علاقه لری" شعبهسینین تسیس ائدیلمه سی و فیلولوگیا علمری دوکتورو، پروفئسور بدیرخان احمدوون رهبرلیگی ایله قیسا مدتدهکی ثمرلی فعالیتی اؤلمیزده ادبی علاقه لرین بوتؤو حالدا، گنیش منظره سی ایله تقدیم ائدیلمه سینه نایل اولنوموشدور. بو معنادا بسیره ازیلیئوانین "ادبی پروسس - ۲۰۱۸" موشاویرهسینده "آذربایجان-آسییا ادبی علاقه لری" مؤوضوسوندا علمی معروضه ایله چیخیش ائتمه سی آذربایجاندا ادبی پروسس حرکاتیندا یئنی اولوب، آسیا ادبیاتینا آچیلان اهمیتلی بیر پنجره دیر .

"ادبی پروسس" موشاویره لرینده اومومیشمیش شکیده ادبی نؤولر اوزره ایجماللارین، یوخسا ادبی نؤولردن باشقا کونکرئت ژانرلار (مثلاً رومان، پوئست، حکایه) اساسیندا تدقیقاتلارین هانسینین علمی جهتدن فایدالی اولماسی مسئله سی ده گونوموزون مذاکره مؤوضوسودور. ادبی نؤولره دایر ایجماللار ادبی پروسسین عمومی ایستیقاملر اوزره اینکیشافینی، آیری-آیری ژانرلار اساسیندا تحلیللر ایسه ادبی پروسسین بوتون دنتاللاری، فاکتلالری و حادثه لرینی داها کونکرئت شکیده ایزلمه یه، تکامل پروسس لرینی رئاللیقلاری ایله بیرلیکده گؤستره یه ایمکان وئریر. ادبی پروسس موشاویره لرینین تشکیلی و کچیریلیمه سی جهتدن ادبی نؤولر اوزره آرسایی معروضه لر داها صرفه لی اولسا دا، ژانرلار اوزره تدقیقات علمی باخیمدان داها فایدالیدیر .

قنید ائتدیمیز کیمی، "ادبی پروسس-۲۰۱۸" کونسئپسوال ادبی تنقید پلاتفورماسیدیر. معروضه لرین اکثریتی اوچون پروبلمه، فاکتا، اثره موناسیبتده متنین درینلینه ینمک، نظری تحلیللر آپارماق اومومیشدیریلیمیش کونسئپسوال یاناشمالارا و علمی-نظری نتیجه لره شرایط یارادیر. اوزون ایللردن بری تنقید لئکسیکاسیندا اوزونمخوسوس شکیده "کونسئپت" ترمینینی ایشله دن تانیمیش تنقیدچی تئهران الیشانوغلونون تقدیماتلاریندا آرتیق اونون ادبی پروسس سه اوزونمخوسوس کونسئپتوال علمی باخیشلاری فورمالاشمیشدیر. "۲۰۱۸-جی ایلین تنقید

رئفلكسلىرى" معروضەسى ادبى تئقىدە كونسىتپتوال ياناشمالارين موكممل اؤرنىيدير. معروضەدەكى ادبى پروسئسى شرح ائتمك اوچون بديعى ادبياتدان و ادبياتشوناسلىق دان گئيريلن مثاللاردان باشقا ديگر تحليللر، موقاييسهلر و پروقوزلار كونسىتپتوال تئقىد نوتلاريدير: "بيزده تئقىددن شيكايت بير نؤو اونون ياشاما و حركت دوستورنا چئوريلميش؛ "بيلينسكچيلىك" شوؤوقو، ادبى تئقىدە اؤن مۇق ادعاسى و ايسررلارى ائينن ديشمز قالير"، "ادبيات قزنتى"نده "ادبياتشوناس تئقىدى" ... ادبى-تئقىدى پروسى-سين پروفئسيونال قاتينى گوجلنديرير، "تئقىدى كيتابلارى خرونولوژى ايلين دئييل، بوتؤو بير دؤورون ادبياتينين منظرهسينى گؤرمهيه ايمكان وئرير". و نهايت، تهران اليشانوغلونون مۇوجود ادبى پروسى-سين گئديشاتي، ايستيقامتى، ياخود ماهيتى حاقيندا يئكون كونسىتپتوال اوموميلشديرمهسى بئلهدير: "ادبياتدا، ادبى پروسئسده اولدوغو كيمي، تئقىدە ده اؤندن مركزه دوغرو بير سوزوشمه باش وئرئمش، ادبى تئقىد ميسسياسينى اؤن دير آختاريجيلىغيندان (هاراداسا اورالاردا، "اولماديجيميز يئرلر"ده) داها چوخ متنين (ادبياتين درينليكلرينه - سيرر آختاريجيلىغى" يؤنلتميشدير ."

معاصر ادبى تئقىدين اساس آپاريجى سيمالاريندان اولان واقيف يوسفاليدن كونسىتپتوال باخيشا اؤرنك: "پونزباميزدا عنعنهلرين زنگينلشمهسى ايكي آخاردا جريان ائتميشدير. بيرنجى حالدا عنعنهلر داخيلن، مضمونجا ديشميشدير، ايكينجى حالدا ايسه بو ديشيكليك بديعى فورمادا باش وئرئمشدير... ۲۰-جى-۲۱-جى عصرلر آذربايجان هئجا شعيرى محض بئلە اينكيشاف و يئئيلشمه ايمكانلارى ايله دقتى جلب ائتميشدير". واقيف يوسفالينين كونسىتپتوال علمى باخيشلاريني بديعى متندن، فاكثدان گئيريلن مثاللار اساسلنديرير و مۇهكملنديرير .

ادبى تئقىدە آرتيق يئنى ادبى نسييل ده ادبى پروسىسه كونسىتپتوال ياناشماغى باجارير، ادبياتدا گئدن پروسئسلىرى تحليل ائديب اوموميلشديريلميش نتيجهلر چيخارير. فيلولوگيا علملرى دوكتورو ائلناره آكيمووا ۲۰۱۸-جى ايلين اساس ادبى يئكونلارينا كونسىتپتوال باخيدان آشاغيداكى شكيله گيريش ائدير: "بوگونكو ادبيات يئنى تپولوژى حادثهدير. معاصر ادبى پروسئس يالئيز اجتماعى-ايدئولوژى موحيطين، ادبى-بديعى، ائستئتيك-معنوى ديرلرين تبدولاتا اوغراماسى دئييل، درين ايضاحلارى اولان مسئلهدير". ادبى گئديشات حاقيندا دا ائلناره آكيمووانين ملاحظهلرى كونسىتپتوالدير: "بو گون ادبيات داها چوخ سيمووللارين ديلي ايله دانيشماغى ترجيه ائدير. تاريخه دؤنوش، ميفولوژيه مئييل، ايرئئال عالمر، فانتاستيك دونيالار، فؤوقلئبى قوملرين آپاريجى اولماسى... ادبيات داها چوخ تحت الشعورا ائنيب، اديبلريميزين ياراديجيلىق روحو داها درينلره واريب، ميفولوژى كونتئكستين فرقلى تظاهرلرينى وئرير". ائلناره آكيمووا "تاريخين سونو"نو اينكار ائدن داها بير ايل" آدلانديريغى معروضهسينى هاملئتواري كونسىتپتوال بير مونولوقلا يئكونلاشديرير: "ادبيات - تاريخ و اينسانين "سونو" پروبلئماتيكاسيدان قورتولماسى اوچون وار اولمايدير؟! هر شعئين بير سونو اولسا دا، تاريخين سونو مدنيت (ادبيات) يارادانلارين الى ايله داينديريلا بيلر. چونكى رومان روللانا اينانساق، "ياراتماق اولومو اولدورمك دئمكدير ."

فيلولوگيا اوزره فلسفه دوكتورو، دوستنت مارال ياقوبووانين "نسر: نظريه و ياراديجيلىق تئخنولوگيالارى" معروضهسينده بديعى نئرين موختليف فورمالاريندا (رومان، پوئست، حكايه) يازيلميش يوزدن چوخ نومونهسينين تحليليني تئقديم ائدير. ايستر-ايستمز مؤلفين آپارماغا بورچلو اولدوغو علمى-نظرى اوموميلشديرمهلر كونسىتپتوال باخيش اوچون زمين هازيرلاميش و مارال ياقوبووا همين ايمكاندان ادبيات حاقيندا كونسىتپتوال دوشونمك باخيميدان ياراديجيلىقلا فايدالانماغى باجارميشدير. فيكريمجه، بو مقامدا مارال ياقوبووا اؤزونو آذربايجان ادبيات نظريه چيلينده ايمضا كيمي اثبات ائتميشدير. مقالهسيندن - معروضهسيندن گئيرديمىز تك بيرجه سيتات بو يئنى نسييل ادبيات نظريهچسبينين تانيماتق و تانيتماق اوچون كيفايت ائدير: "اؤتن ايلين نئرينه متن-نظريه مئيارى ايله ياناشديغيميزدا، معلوم اولدو كى، چاپ اولونموش اثرلرين بؤيوك اكثرىتى متن اولما بيلمير، مؤلف كيتابى و يا اثرى اولاراق قالير. نئرين متن اولما بيلمهسى اوچون ناصرين حكايهسى ايستاتوسو مؤلف ايستاتوسونان اوستون اولمايدير. هر بير متن (صحتت موكممل بديعى متندن گئدير) آدرساتدان آدرساتا عونوانلانان كودداشميش يازيدير. مؤلف نئر متنين سرحديندن ايچريه داخيل اولدوغو آندا تهكويهچيه چئوريلمهيدير. متنين كونستروكسياسى اولمايدير، متن مؤلف طرفيندن قوراشديريلان بير سخئمدير و

تهکییهچی بو سخئم-اینسانین، سخئم-زامانین و مکانین مهندسیدیر. ایلین نثرینین بوتون تهکییهچیلری مؤلفدیر، اما هر تهکییهچی مؤلف دئییلدیر ."

نرگیز جاببارلینین یئنی رومان تکنولوگیالارینا، آینور خلیل اووانین معاصر پوئستین ژانر سرحدلری و ایمکانلارینا، لاله حسنووانین آذربایجان روسدیلی ادبیاتینا، پروانه ممدلینین جنوبی آذربایجان ادبیاتینا، مئهمان حسنلینین انسسئ ژانرینا، آینوره مصطافایووانین معاصر دراماتورگیایا، نرمن جاهانگیرلینین ایلین حکایه پالیترا سینا، گولبنیز بابایووانین موللانصرالدینچی ساتیرایا، گولنار قمبرلینین اوشاق ادبیاتینا حصر اندیلیمیش معروضهلرینین هر بیریندن اونلارین اوزرینده دوشوندوکلری کونکرتت مؤوضو، پربولئم، مؤلف، بدیعی اثر حاقیندا اومومیشدیریلیمیش نظری فیکیرلرینی ایفاده ائدن اونلارلا سیتاتلار کتیرمک مومکوندور. لاکین علمی- ادبی پروسسدهکی مثبت تئندئنسییالاری تقدیر ائتمک، دقت مرکزینه چکمله برابر، هم ده ایفرات سیتاتچیلیق اصولوندان یان کئچهرک، بیلدیریمی اوزومه بورج بیلیرم کی، آرتیق آذربایجان ادبیاتشوناسلیق علمی جدی کئیفیت دییشیکلیکلرینین ایچرسییندهدیر و علامتدار جهت اوندان عبارتدیر کی، بو پروسس ایلدن-ایله داها دا تکمیللشهرک اینکیشاف ائتمکدهدیر. ادبی پروسس حرکاتیندا تنقید و ادبیاتشوناسلیق، ادبیات نظریهسی، ادبی علاقهله و بدیعی ترجومه ساحهلرینده تمثیل اولونان امکداشلار دا ایل عرضینده یورولمادان چالیشمیشلار. فیلولوگییا علملری دوکتورو سالیده شریفووانین "آذربایجان ادبیات تاریخچیلیگی" معروضهسی تاریخ فاکتیندان دئییل، بو علمی ایستیفامتین حاضرکی مرحله کئچیردی اینکیشاف مئیللریندن چیخیش اندیلهرک یارانان علمی جهتدن اومومیشدیریلیمیش تقدیماتدیر. راسیم نبیوغلونون ادبیات نظریه چیلیینه دایر معروضه سینده ده اومومیشدیریلیمیش تئزیسلر واردیر. لاکین بوتوولوکده قئید ائندیمیز ساحهله اوزره، خصوصاً، ادبی علاقهله دایر تقدیم اولونان ایجمالاردا فاکتارلارین سادالانماسی، اینفورماسیالارلارین تقدیم اولونماسی، خرونولوژی آپئکت تحلیل و دیرلندیریلیملری اوستلمیشدیر .

عمومیتله، ادبیات، ادبی پروسسدهکی کونسپتوال باخیش ادبیاتشوناسلیق علمینده یوکسک پروفئسیوناللیغا دوغرو اینکیشاف مئیلینی قووتلندیرمیشدیر. داها دوغروسو، علمده پروفئسیوناللیق ایستیفامتینده یاشانان تکامل پروسسله نظری کونسپتوال یاناشمالاری و اومومیشدیریلیملری فورمالاشدیرمیشدیر. بو مقامدا پروفئسیوناللیق کونسپتواللیق بیر-بیرینین سینونیمی کیمی سئلنمکدهدیر .

البته، علمی-ادبی پروسسدهکی پروفئسیوناللیق و کونسپتوال یاناشمالارا دوغرو مئیلین قوتلنمهسی ادبیاتشوناسلیق علمینده کئیفیت دییشمه لرینین مهم گؤستریجسیدیر. آنجاق هئچ ده همین کئیفیت دییشمه لرینی تام یئکون گؤستریجیلر کیمی باشا دوشمک، قبول ائتمک دوغرو اولماز. اولاً، دیگر بوتون علم ساحه لری کیمی، ادبیاتشوناسلیق علمی ده دایم تکمیللشمه لی، یئنیلشمه لی و اینکیشاف ائتمه لیدیر. بورادا، نئچه دئیرلر، سون حد، آخیرینجی دایاناجاق یوخدور و اولمامالیدیر. لاکین بیزیم قناعتیمیز بوندان عبارتدیر کی، مستقیل لیک دؤورو آذربایجان علمینده، "ادبی پروسس - ۲۰۱۸" دن صحبت آچیلدیغی اوچون کونکرتت اولاراق تنقید و ادبیاتشوناسلیقدا کئیفیت دییشمه لری باخیمیندان یئنی دالغا باشلانمیشدیر. نظامی گنجوی آدینا ادبیات اینستیتوتونون تیمثالیندا تقدیم ائندیمیز بو یئنیلشمه حرکاتی سادهجه آکادئمیک علمی دوشرگنی احاطه ائتمکله قالمیر، اولکه میقیاسیندا دا "گورونمز دالغانین" قابارماسی کیمی نظره چارپیر. ایندی میلی علملر آکادئمییاسیندا اولدوغو کیمی، مستقیل رئسپوبلیکامیزین دیگر علم و آلی تحصیل قوروملاریندا، رئگیونلارداکی علمی مرکزله ده علمین بوتون ساحه لری اوزره، او جمله دن ادبیاتشوناسلیق ایستیفامتینده علمده کئیفیت دییشمه لری حرکاتی باش وئرمدهدیر. ادبیاتشوناسلیق علمی اوزره اولکه میقیاسیندا قبول اولونان کیفایت قدر جدی ایضالار فورمالاشمیشدیر. قارشیمیزدا دوران اساس وظیفه ایچرسیینده اولدوغوموز علمی محیطده موشاهیده ائندیمیز "گورونمز دالغا" تی داها دا قاباریب اینکیشاف ائتمه سینه بلدچیلیک ائتمکدن، اونا دستک وئرمدن عبارت اولمالیدیر. حساب ائدیرم کی، آرتیق ایستارت گؤتورموش بو پروسس علمیمیزده معاصر دؤورون یئنی علمی مکتبلرینین یارادیلماسینا آپاریب چیخاراجاق دیر .

اوغورلار آرزولاییرام !

© مؤلف حقوقلاری قورونور! متندن ایستیفاده ائتدیکده ایستیناد مطلق دیر !

منبع : ۲۰۱۹، ۰۹، ۱۳ ادبی تنقید ادبیات قزنتی





## عمر خیامین روباعیلری محمد هادینین ترجمه‌سینده

ÖMƏR XƏYYAMIN RÜBAILƏRİ M.HADİNİN  
ƏSİNDƏTƏRCÜ

پروفیسور اسلام قریبلی  
PROF.İSLAM QƏRİBLİ

۲۰-جی عصر آذربایجان ادبیاتی و مطبوعاتینین سوتونلاریندان بیری اولان محمد هادی (۱۷۸۹-۱۹۲۰) یارادیجیلیغینین معین قیسیمینی اونون ترجمه‌لری تشکیل ائدیر. او، موکمل شکلده بیلدی عرب و فارس دیلریندن اونلارلا علمی، پوبلیسیستیک و بدیعی اثری آذربایجان دیلینه ترجمه ائدرک عصرین (۲۰-جی عصر نظرده توتولور - ا.ق.) اولرینده چیخان «حیات»، «فیوضات»، «تزه حیات»، «ترقی»، «صدا»، «اتفاق» و «اقبال» کیمی مطبوعات اورقانلاریندا چاپ ائدیرمیشدیر. موشاهیدهلر گؤستریر کی، شرق کلاسیکلری ایچرسیینده محمد هادینین رغبت بسلدی، یارادیجیلیغیندان بهرلندی و اثرلرینی ترجمه ائدی شاعرلردن بیری عمر خیام (۱۰۴۸-۱۱۳۱) اولموشدور. ماراقلی اوراسیدیر کی، م.هادی یالئیز او.خیامین رباعیلرینی ترجمه ائتمکله کیفایتلنمیش، تورکیده یاشایارکن (۱۹۱۱-۱۹۱۳) اونون حیات یولو و یارادیجیلیق دونیاسی بارده اطرافلی بیر مقاله یازاراق ایستانبولدا چیخان «تین» قزئتینده («تین»، ۱۸ هازیران ۱۹۱۱ [۵ هازیران ۱۳۲۷]، ن ۲۸) چاپ ائدیرمیشدیر. بو یازینی عمر خیامین تورکیده و آذربایجاندا اویرنیلمه‌سی ساحه‌سینده ایلک آدیملاردان بیری ده حساب ائتمک اولار.

عمر خیامی «ادبیاتی-ایسلامیین ان بنام، ان آزادکلام سیمالاریندان» حساب ائدن م.هادی موختلیف منبعلردن ایستیفاده ائدرک بئله قناعته گلیر کی، عمر خیام هیجری تاریخینین بیئینجی عصرینین اورتالاریندا یاشامیشدیر. او.خیامین تحصیل ایللری، طلبه یولداشلاری، یاشام طرزلی، اثرلری بارده معلومات وئرن مؤلف تأسفله قئید ائدیر کی، چینگیز خانین ایرانا هوجومو ائناسیندا بیر چوخ قیمتلی کیتابلارلا برابر او.خیامین دا اثرلری یاندریلیمیش، تصادف نتیجه‌سینده «رباعیات خیام» و آسترونومیادان بحث ائدن «تقویم جلالی» اثرلری قورتولا بیلیمیشدیر...

او.خیامی «کایناتی-حیاتا بدیین بیر گؤزلوکله باخان بو شاعری-حکیم» آدلانیران م.هادی اونون رباعیلرینین اوچونون فارسجا متنینی و نثرله ترجمه‌سینی وئردیکدن سونرا موتفکیرین سون شعیرلریندن بحث ائدیر. م.هادی قئید ائدیر کی، او.خیامین اثرلری عثمانلی تورکجه‌سینه و آذربایجان دیلینه ترجمه ائدیلب یاییلماسا دا، اونون اثرلری ایسگندرییه، لوندون، پاریس، بئرلین و هوللاندییا کیتابخانالاریندا مؤوجوددور. مؤلف داها سونرا بیلدیریر کی، «خیامین «رباعیاتی اروپا لیسانلارینا ترجمه اولوناراق شاعرین ملل متمدینه طرفیندن تانینماسینا سبب اولموش و «بو جمله‌دن اولماق اوزره «جبر و موقابیل» کیتابی فرانسیزجایا ترجمه اولونموشدور.»

او.خیامین فارجا شعیرلری ایله یاناشی، عربجه ده شعیرلرینین اولدوغونو قئید ائدن و بونلاردان بیرینین ترجمه‌سینی وئرن م.هادی بیلدیریر کی، «شاعر سون نفسی-حیاتیندا شو سؤزو ده سؤیلمیشدیر: اللهم انی الفتوحه المبالغل المکانی! (ای منیم رببیم، درجه ایدراکیمین ایمکانی ائردی قدر سنی تانییا بیلدیم.)

\*\*\*

۱۹۱۳-جو ایلین آخیرلاریندا تورکیه‌دن آذربایجانا قاییدیب مطبوعاتلا علاقه‌لرینی برپا ائدن، «ایقبال» قزئتینین رئاکسییاسیندا چالیشماغا باشلایان م.هادی بو قزئتده شعیر و مقاله‌لری ایله یاناشی، عمر خیام نیشابورینین بیر نئچه رباعسینی ده ترجمه ائدرک درج ائدیرمیشدیر («ایقبال» قزئتی، ۲۴ مارت، ۱۹۱۴؛ ن ۶۰۸، ۷۰۳، ۷۰۶، ۷۰۹، ۵۱۵).

قزئتین ۲۴ مارت ۱۹۱۴-جو ایله چیخیش ۶۰۸-جی نۆمره سینده م.هادینین سرلؤوحه دن اول «حضرت خیامین شعیرلرینی ترجمه جرات اندیرم» آدلی قئیدی، قئیددن سونراکی مقدیمه ده کاراکتئرلی حیصه ده ایسه عمر خیام و دیگر کلاسیک شرق شاعرلری حاقیندا بعضی بیلگیلر وئرلمیشدیر .

علمی کاراکتئر داشییان بو معلوماتلاردا عمر خیاما یوکسک دیر وئرن م.هادی یازیر: «عمر خیام کی، مدنی و دوهاشوناس اولان میللتلرین تاریخینده، تاریخی-ادبیاتیندا خئیمزنی-عظمت و احتیشام اولموشدور، خیام زیندنامدیر، ابدیات دیر، جاویدانی بیر دیریلیه مالیک دیر» («ایقال»، ن ۶۰۸).

سونراکی آبزاسلاردا سید ازیم شیروانین بیر، حافیظ شیرازینین ایکی بیتینی مثال گتیرمکله غربله موقایسه ده شرق ده سؤزه، صنعته قیمت وئرلمدیندن گیلئیلنن شاعر اؤزونون خیامین و حافیظین بیر سنکتار اولراق بؤیوکلویونو ترنوم ائدن آلتی بتلیک شعیرینی وئریر، داها سونرا خیام و اونون ارثی باره ده آشاغیداکیلاری دئییر: «ایشته سلطنتی-حرریتین حکمداری-ذی اقتیداری اولان حضرتی-خیامین اشاری، اشاری-هردم باهاری علما، فیکرن و عرفانن یوکسلمیش میل و اقوامین دیلترینه ترجمه ائدلمیش و جیددن ده لاییق اولدوغو مقامی-بلندی احراز ائلمیشدیر. خیام شرق ده بینام اولسا دا، قربده بانامدیر. خیام شرقی-قافیلده اوفول انتسه ده، قربی-شرق ده پیریل-پیریل پارلاییر و یاشاییر. من نامی-خیامی یاشادان جاهانی-مدنیته پرستیش ائیلرم .

بو گوندن اعتباراً او شاعری-حکیمین اضحاری-اشعارینی، اشعاری-هردم باهارینی ترجمه اندیرم و بو گون پک خزانزاده بیر منظره گؤسترن گلشنی ادبیاتیمیزی خندار رونق و طراوت ائتمک ایستیرم . خیام لاقئید و لاوبالیدیر. او جاهانباها شعیرلری ترجمه اندجک بیر جرعت گستاخانه گؤستریدیمن دولایی منی عفو اندجک ده امینم» («ایقال»، ن ۶۰۸).

م.هادینین ع.خیامدان ائئدی ترجمه لره کچمزدن اول بیر مثلاً قئید ائتمی زورری حساب اندیریک . معلومدور کی، عمر خیام فیلسوف، مونجیم و ریاضیاتچی عالیم کیمی داها چوخ مشهوردور و تدقیقاتچیلارین فیکرینجه، او، رباعیلرینی روحونا تسکینلیک اوچون یازمیشدیر .

اؤ.خیامین کونکرئت اولراق نچه رباعینین مؤلفی اولماسی بو گون ده مباحثلی مسئله لر دندیر. بعضیلری اونون رباعیلرینن ساینین داها چوخ، بعضیلری ایسه ۲۲۵ جیواریندا اولدوغونو قئید اندیرلر. پروفیسور نسیب گؤیوشوون عمر خیامین «رباعیلر» کیتابینا یازدیغی «خیام: شرق مودریکلینین تیمتالی» موقدیمه سیندن آیدین اولور کی، ایران عالیملری قاسیم قتی و محمد علی فروغینین تحلیلترینه و دقیقلشدیرمه لرینه گوره خیامین اولدوغو شبهه دوغورمایان رباعیلرین سای ۱۷۸-دیر. ۴۸ رباعی ع.خیامین روحونا او یغون گل سه ده، اونلارین اؤ.خیاما عیبیلیگی هله کی، مباحثه لیدیر (عمر خیام. رباعیلر. بورسا: دورا باسیم-یایین داغیتیم ل ت د ایشتی، ۲۰۱۴، ص. ۲۱؛ بوندان سونرا: اؤ.خیام. رباعیلر).

تدقیقاتچیلار بئله حساب اندیرلر کی، اؤ.خیامین رباعیلرینین توپلانیدیغی الیازما و چاپ کیتابلارینین اکثریتی قصورلو اولموش، اوللر آذربایجان دیلینه اندیلیمیش ترجمه لر ده اویدورما و تحریفلرله دولو منتلر اساسیندا ائدلمیشدیر (ع.خیام. رباعیلر، ص. ۲۱). م.هادی ع.خیامین رباعیلرینی ترجمه اندرکن هانسی منبعیه اساسلانیدیغینی گؤسترمیدیندن، بیز اونلارین هارادان گؤتورولدویونو معینلشدیرمکده چتینلیک چکسک ده، اون رباعیدن بنشینین فارسجا اورژینالینی.خیامین دقیقلشدیریلیمیش رباعیلرینین چاپ اولوندوغو کیتابدان (باخ: عمر خیام. رباعیلر) الهه ائده بیلدیک کی، آشاغیدا اونلاردان بحث ائدیجیک . «ایقال» قزئتینین ۶۰۸-جی نۆمره سینده ع.خیامین ایکی رباعیینین ترجمه سی وئرلییر. رباعیلر آشاغیداکلاردیر :

سن ایچمه سن، ایچلره ده تن سنده دیر،

مومکون اولورسا، من اولورام سونرا تووبه کار .

ای ایچمکله فخر قیلان شخصی-هوشیار،

قولدور شراب او ایشلره نیسبت کی، سنده دیر («ایقال»، ن ۶۰۸) .

آلوفتچیه دئمیشدی کی بیر شیخ: - مستسن،  
هر واخت باشقا بیر تورون اولورسان اسیری سن!  
آلوفته سؤیلهدی: - نه دئسن من او! یا کی سن؟  
قلبن ده ظاهرین کیمی تقوایرست مسین؟ («ایقبال»، ن ۶۰۸)

بیرینجی رباعینین اوریزینالی بنله دیر :

گر مئی نخوری طعنه مزن مستان را،  
بنیاد مکن تو حیلہ ات او دستان را .  
تو غزه بدان مشو کئی می نخوری،  
سد لقمه خوری که مئی غلام است آن را (ع.خیام. رباعیلر، س. ۳۰).

ترجمه سی :

اگر مئی ایچمیرسن سه، مستلره تنه وورما،  
سؤیلهدی کلرینله حیلہ نین و مکرین اساسینی قویما .  
سن چوخ دا مئی ایچممینله قورره لنمه،  
یوز لوخما کی، یئیرسن، مئی اونون یانیندا قولام - قول کیمیدیر .

خاتیرلتماق ایستیرییک کی، او.خیامین بو رباعیسی بؤیوک اروزشوناس عالیم اکرم جعفر طرفیندن ده  
ترجمه اولونموشدور. همین ترجمه ده بورادا وئریرییک :

ایچمیرسن اگر مستلری توهتملمه سن،  
یوز قلبی قمه، درده سالیر هر فیتن .  
سن ایچممینله فخر اندیرسن، لاکین  
یوز ایش توردیرسن داها پیس ایچمکدن (او.خیام. رباعیلر، س. ۳۱) .

اوریزیناللا توتوشدور دوقدا بنله بللی اولور کی، هر ایکی ترجمه بیر نوو سربست ترجمه تأثیری  
باغیشلا بیر. بعضی میصر اعلارین ترجمه سی م.هادیه، بعضیلری ایسه ا.جعفرده اوغورلو آیینمیشدیر .  
اوریزینالینی الدهه انده بیلمدیمیز ایکنجی رباعینین آلتیندا بنله بیر قنید وئریمیشدیر: «باکی، ۲۳ مارت،  
۱۹۱۴». چوخ معنالی و عبرت آمیز بو دوردلوکده عابده ایله «آلوفتچ» - فیکری داغینیق، مست بیر  
آدام قارشیشلاشیدیریلیر. مست آدامین «سن نه دئسن من اوپام، یعنی گوروندویوم کیمیم، سنین ایسه داخیلین  
ایله خاریجین تضاد تشکیل اندیر. ظاهرده عابد، تقوایرست کیمی گورون سن ده، داخیلین فیتنه-فساد  
یوواسیدیر»، - سؤزلری دیندن اوز چیرکین مقصدلری اوچون ایستیفاده اندلره توتارلی بیر جاواب دیر .  
«معریفته اهلی اولان کیمسه یه جانیم قوربان» و «کئچمیش گونونو هئچ دوشونوب یاد ائتمه»  
میصر اعلاری ایله باشلایان ۳-جو و ۴-جو رباعیلر قزئتین ۷۰۳-جو نؤمره سینده «پیامی-خیام. لیاموت  
شاعرین اولمز سؤزلری (تنقیدیونا اتحاف)» باشلیغی آلتیندا چاپ اولونموشدور .

اوریزینالینی الدهه انده بیلمدیمیز بیرینجی رباعیده جاهیلین صحبتینی دونیانین ان بؤیوک عذابی حساب ائدن  
شاعر بیلدیریر کی، ایمکان اولسا معریفته اهلینه جانیمی قوربان اندر، باشیمی یولوندا وئررم م.هادی  
رباعینی ساده و اوخوناقلی دیلله بنله ترجمه اندیر :

معریفته اهلی اولان کیمسه یه جانیم قوربان،  
قویارام پایینه باش، گر اول بیلسه ایمکان .  
ایستیرسن بیله سن جیددن عذاب عالمینی،

جاهیلین صحبتیدیر ایشته جاهاندا نیرانی («ایقبال»، ن ۷۰۳) .

ایکینجی رباعینین اور ریژینال متنی بئلدیر :

از ده که گذشت هیچ از او یاد مکن،  
فردا که نیامده است فریاد مکن .  
بر مانده و گذشته بنیاد مکن،  
حالی خوش باش و عمر برباد مکن (ع.خیام. رباعیلر، ص. ۳۰۶) .

ترجمہ سی :

دو نون کی، کچدی، اونو ہنچ یاد ائل مہ،  
صباح کی، گلمیش، فریاد ائل مہ .  
کچمیشی و گلجی، اوزول، تمل حساب ائتمہ،  
ایندینی خوش یاشا، عمرو برباد ائل مہ .

م.ہادینین ترجمہ سی :

کنشمیش گونونو ہنچ دوشونوب یاد ائتمہ،  
اندیشہ یی-فردا ایله فریاد ائتمہ .  
نہ ماضی خاطر لالا، نہ ایستقبالی،  
حالیندا خوش اول، عمرونو برباد ائتمہ («ایقبال»، ن ۷۰۳) .

ع.خیامین بو رباعسی م.موشفیق، ا.جعفر و میر مہدی طرفیندن ده دیلیمیزہ چئوریلیمیشدیر کی، اونلارین  
دا متنی بورا دا وئریریک :  
م.موشفیقین ترجمہ سی :

گل کنچن گونلری ہنچ یاد ائلمہ،  
یارین کی، گلمیش، فریاد ائلمہ .  
گلمیشین، کچمیشین اوستونده دورما،  
حالی گور، عمرونو برباد ائلمہ (اؤ.خیام. رباعیلر، ص. ۳۰۷) .

ا.جعفرین ترجمہ سی :

بیر گون کی کنچیب گندیب، اونو سالما یادا،  
بیر گون کی صباح گلمہ لیدیر، یوخ دور او دا .  
نہ کچمیشہ، نہ گلمیشہ باغلاما بئل،  
حال ایله خوش اول سن، عمرونو وئرمہ بادا (اؤ.خیام. رباعیلر، ص. ۳۰۷) .

میر مہدینین ترجمہ سی :

ائی دوست، گل اوزونو غصیہ سالما،  
بو کؤهنہ دونیانین غمینہ دالما .  
اولمایان گلمیش، اولان کنشمیشدیر،  
اولوب-اولمایانین ہابینا قالا (اؤ.خیام. رباعیلر، ص. ۳۰۷) .

دقت ائتسک، اوریزینالا ان یاخین و اوغورلو پوئتیک ترجمه م. هادی و م. موشفیقین ترجمه لریدیر. اکرم جعفرین ترجمه سی شعیریت، میر مهدینین ترجمه سی مضمونجا ضعیف دیر، داها دوغروسو اوریزینالا اویغون دئییل .

«ایقبال»ین ۷۰۶-جی نومره سینده چیخان ایکی رباعی «پیامی-خیام» باشلیغی آلتیندا چاپ اولونموشدور. عابده خیتابن دئییلن بو رباعیده مؤلف بیلدیریر کی، سن بیزی سرمست حساب ائتسن ده، بیز سندن آییغیق. بیز شراب، سن ایسه اینسان قانی ایچیرسن. هانسیمیز حاقلیبیق، سن یا بیز؟ رباعینی م. هادی بئله ترجمه ائدیر :

سندن بیز، ایا موفتی کی، چوخ پرکاریز،  
سرمستلریز، سندن، اوت هوشیاریز،  
بیز باده ناب ایچمه ده، سن خون بشر،  
انصاف ایله سؤیله: - هانکیمیز خونخواریز؟ («ایقبال»، ن ۷۰۶)

رباعینین اوریزینالی بئله دیر :

ای صاحب- فتوا ز تو پرکار تریم،  
با این همه مستی ز تو هوشیار تریم .  
ما خون رزان خوریم و تو خون کسان،  
انصاف بده، کدام خونخوار تریم؟ (ع. خیام. رباعیلر، ص. ۴۸۶)

ترجمه سی :

ای فیتوا صاحبی، سندن داها چوخ باجار یقلییق،  
مستیک، اما سندن داها آییغیق .  
بیز اوزومون قانین ایچیریک، سن ایسه اینسان قانین،  
انصاف ائله، هانسیمیز داها قان ایچنیک؟

ع. خیامین بو گؤزل و جسارتلی رباعی حسین جاوید، اکرم جعفر و میر مهدی طرفیندن ده دیلیمیزه ترجمه اولونموشدور. ان اوغورلو و اوریزینالا آز قالا اوست-اوسته دوشن ترجمه م. هادینین ترجمه سیدیر. فیکریمیز مباحثه دوغور ماسین دئییه، هر اوچ ترجمه نی تقدیم ائدیریک :

ح. جاوید ترجمه سی :

حضرتی مفتی، سیزه نیسبته بیز،  
هم آییغیز، هم دئییلیر نشه سیز .  
بیز ایچیریک باده، سیز اینسان قانی،  
هانکیمیز آنلات داها چوخ وحشیبیز؟ (ع. خیام. رباعیلر، ص. ۴۸۷)

ا. جعفرین ترجمه سی :

ای مفتی-شهر، بیز ده دیر پرکار لیک،  
مستیک سه ده سندن داها چوخ هوشیار یق .  
سن خالق قانینی ایچمه ده سن، بیز اوزومون،  
انصاف ائله، هانسیمیز چوخ خونخوار یق؟ (اؤ. خیام. رباعیلر، ص. ۴۸۷)

مير مهديين ترجمهسي :

اي شهر موفتسيي، سندن پرڪاريق،  
بونجا سرخوشلوقلا سندن هوشياريق .  
بيز شراب ايچيريڪ، سيز خالق قانيني،  
انصاف ائت، هانسيميز داها قداريق (ع.خيام. رباعيلر، ص. ۴۸۷) .

م.هادينين ترجمه انتديي «مصحف دورويور بير الده، بير الده ده جام» ميصرعسي ايله باشلانان  
رباعينين ده فارسجا متيني قنيد اولونان كيتابدا تاپا بيلمديك. رباعينين ترجمه سيندن گوروندويو كيمي،  
بوردا تصوير اولونان ليريڪ قهرمان گاه اوزونو بير الينده كتاب اولان حالال اينسان، گاه دا بير الينده مئي  
دولو جام اولان حرام اهلي آدلانديرير. بو قهرمانين داخيلينده ايكي ليڪ وار. او، نه تام موسلماندير، نه ده  
باشقا يول اهلي، يعني كافيير. همين رباعينين ترجمهسي بنله تقديم اولونور :

مصحف دورويور بير الده، بير الده ده جام،  
گاه مردى-حالليز، گاه مردى-حرام .  
ايشته بو گوي آلتيندا بيز او كيمسليز،  
نه باشقا يول اهليڪ، نه ده مسليمي-تام («ايقبال»، ن ۷۰۶) .

م.هادي ع.خيامين داها دور رباعسيني ترجمه ائدرک «ايقبال» قزئتئينين ۷۰۹ و ۷۱۵-جي نومره لرينده  
درج ائتديرير كي، همين ترجمه لربونلاردير :

جووروندن، اي آسيماي كي، شادان دئييلم،  
حرم كي، اسير اولماغا شايان دئييلم .  
بي عقل ايله نا اهلهسه شايد مئييليم،  
من ده او قدر عقللي اينسان دئييلم («ايقبال»، ن ۷۰۹) .

ان ياخشسيي كونلو مئي ايله شاد ائدليم،  
ماضي ايله آتتبه ده آز ياد ائدليم .  
بو عاريت عالمينده بير محبوسو،  
زنجيري خيرددين بير آز آزاد ائدليم («ايقبال»، ن ۷۰۹) .

خللاق كيمي اليم ايريشسيدي اگر،  
بو قبيبه ني اورتادان ائدرديم ذليل .  
بير باشقا فلڪ بينا ائدرديم يئنيدن،  
ايستكلرينه قولاي اولاردي نايل («ايقبال»، ن ۷۱۵) .

اولدوقجا اسيرين نجه پرواز ائدديم،  
عشقينه ناسيل نغمهيه آغاز ائدليم؟  
بير لحظه گوزوم ياشلاري قويماز گوزومو،  
باشقا بير اوزو گورمك اوچون باز ائدديم («ايقبال»، ن ۷۱۵) .

۱، ۲ و ۴-جو رباعيلرين فارسجاسي اليميزده اولماسا دا، ۳-جو رباعي عمر خيامين «رباعيلر» كيتابيندا  
واردير (اؤ.خيام. رباعيلر، ص. ۳۲۴). رباعينين فارسجا متني بنله دير :

گر بر فلکم دست بودی چون یزدان،  
بر داشتی من این فلک را ز میان .  
و از نو فلک دیگر چنان ساختمی،  
که از ادا به کام دل رسیدی آسان (اؤ.خیام. رباعیلر، ص.۳۲۴) .

ترجمه‌سی :

اگر یار ادا ن کیمی الیم گوی قوبه‌سینه یئتسیدی،  
من بو گوی قوبه‌سینی (قلی) آرادان گؤتورردیم .  
یئنین ائله بیر عالم دوزلدردیم کی،  
اوردا اورک اؤز کامینا، آرزوسونا آسانلیقلا چاتسین .

بو رباعی اکرم جعفر طرفیندن بئله ترجمه ائدیلیب :

قدرتده اگر اولسا ایدیم بیر یار ادا ن،  
یوخ ائیلر ایدیم بو عالمی من آردان .  
سونرا یار ادا ردم ائله بیر عالم کی،  
اؤز آرزوسونا آسان چاتا هر اینسان (ع.خیام. رباعیلر، ص.۳۲۵) .

گؤرونویو کیمی، م.هادینین ترجمه‌سینده رباعینین طلبیندن دوغان قافیله سیستمی پوزولسا دا، (آبا اوزینه  
آبجا) مضمون قورونوب ساخلانمیش، سربست‌لییه او قدر ده یول وئرلمیشدیر.  
م.هادینین ع.خیامدان ترجمه ائتدی رباعیلری نظردن کئچیرنده بیر داها شاهیدی اولوروق کی، شاعر  
ائستنتیک ایدحالینا اویغون اولاراق ع.خیامین بشری مؤضولو رباعیلرینی سئچهرک دیلیمیزه چئویرمیش،  
ایدحالینی اعلان اوچون اونلاردان بیر واسطه کیمی ایستیفاده ائتمیشدیر .



# محمد هادینین پوئتیک اثرلری تورکیه مطبوعاتیندا MƏHƏMMƏD HADİNİN POETİK ƏSƏRLƏRİ TÜRKİYƏ MƏTBUATINDA

Dr.DOÇ. TƏRANƏ ABDULLAYEVA

دکتر ترانه عبدالله یوا

۱۹۱۰-جو ایلین باهاریندان ۱۹۱۳-جو ایلین سون روبعونه قدر تورکیهده یاشاییب موختلیف مطبوعات اورقانلاری ایله امکداشلیق ائدن محمد هادینین همین مطبوعات اورقانلاریندا اون بئشه قدر شعیری درج اولونموشدور کی، «تؤوفیق فیکنت بی» و «ایستیفهام» شعیرلری استئننا اولماقلا) باخ: امیرهمدوو. محمد هادی. باکی: «یازچی»، ۱۹۸۵، س. ۱۹۲؛ قریلی. محمد هادی و مطبوعات (۱۹۰۵-۱۹۲۰). باکی: «علم و تحصیل»، ۱۹۱۱، س. ۳۵۷ (آذربایجان ادبیاتشوناسلیغیندا بو اثرلر حاقیندا معلومات وئریلمیش، ایدنیئا-ائستنتیک دیری موینلشدیریلیمیشدیر .

بیزیم شاعرین تورکیه مطبوعاتیندا چاپ اولونموش و متنینی الده ائده بیلدییمیز پوئتیک اثرلریندن اون بیر «مهتاب»، اوچو «رباب»، بیر ایسه «شهبال» مجموهسینده نشر اولونموشدور . م.هادینین تورکیه مطبوعاتیندا ایشیق اوزو گورموش ایلك شعیری «مهتاب» ژورنالیندا چیخان «اساتیری-اولینه» دیر. بو شعیر تؤوفیق فیکرته اتحاف اولونموشدور. محمد هادینین ۲۰-جی عصر تورکیه ادبیاتیندا یارادیجیغیندان بهرلندی شاعرلردن بیر ت.فکرات اولموش، ادیب ت.فکراته هم آیریلیقدا شعیرلر و مقاله حصر ائتمیش، هم ده موختلیف شعیر و مقاله لرینده اونون شخصیت و یارادیجیلیغینا موناسیبت بیلدیرمیشدیر .

موشاهیده لر گؤستریر کی، ت.فکراتین آدی م.هادینین شعیرلرینده ایلك دفعه بو اثرینده چکیلر. آذربایجان دؤورو مطبوعاتیندا چیخمایان و م.هادینین چاپ اولونموش کیتابلارینا دوشمهین «تؤوفیق فیکرت بیه اتحاف» ائیقرافی ایله «مهتاب» ژورنالینین ۱۰ نئموز ۱۳۲۷-جی ایل (ایول ۱۹۱۱) تاریخی بیرینجی نؤمره سینده چیخان بو شعیر همین ایللرده تورکیهده ت.فکراتین علیهینه باشلانان چیخیشلارا قارشی شاعری مدافعه ائتمک نیتی ایله یازیلیمیشدیر .

« ای مؤوقعی-حقیقتی ایشغال ائدن خیال،

ای چؤهری-معالییه حایل اولان زیلال»

بئیتی ایله باشلانان شعیرینده شاعر ایجتمایی-سیاسی موحیطی اتهام ائدیر، شاعره موخالیف اولان زمانه نی، اونا قارشی آپاریلان حاقسیز تبلیغاتلاردا ایشتیراک ائدن قلم صاحب لرینی «حقیقتی یئین، ضیالاری ایچن، ضیالیلاری قتل ائدیپ دو حالاری بوغان، دوغرو دانیشان دیللی سوسدوران، آیاق باسدیق لری زمیلری یاندیریپ مزارا دؤندرلر» کیمی دیرلندیریر .

زمانه سینده کی هرج-مرج لیه، ظلمه: «شرقین موحیطی-مظلومو اولموش بو گون یئرین!» - دئییه موراجیت ائدن شاعر یازیر :

فیضینله شرق سؤندو و اولدو خارابازار،

هپ باسدیغین زمینلری یاپدین بیرر مزار .

حالا یاشار، دورور سان، ایا قاتیل اول-حیات،

ائل قاتیلی-حیاتی-جاهانی-تفککورات !



شعيردن چيخاريللا بيلن نتيجه بوندان عبارت دير كي، تفككور صاحب لرينين قاتيلي اولان بوگونكو شرق بويوك دو هالاري قيمتلندير مدييندن، ايشيqli فيكي رلر يندن يئترينجه بهره لنمييندن خار بازارا دونور و بئله داوام انتسه آقبيتي بوندان دا پيس اولاجاق .

م. هادينين بيللا واسيطه ت. فكريته حصر ائديي ايكينجي شعير «توفيق فيكرت بي» آدلانير. «رباب» ژورنالينين ۲۶ هامون ثاني ۱۳۲۷- جي ايل تاريخلي بيرينجي نومره سينده (يانوار ۱۹۱۱- جي ايل) چيخان يئددى بئيت ليك شعير شاعرين «سنچيلميش اثرلري» نه «توفيق فيكرت» آدى ايله خيرادا ديشي ليكلره داخيل ائديلميش، لاکين يازيلما تاريخي سهوا «۲۶ كانوني-ثاني، ۱۳۳۰» (يانوار ۱۹۱۳) «کيمي وئريميشدير. بو شعير عيني زماندا «معارييف و مدنيت» ژورنالينين ۱۹۲۳- چو ايل تاريخلي ۲- جي نومره سينده ده درج اولونموشدور. ت. فكريتي شعيرين، ادبين شولسا چاچاني، ديل سيز وطنين دانيشان ديلي، عرفان گويلر ينين پارلاق اولدوزو کيمي ديرلنديرن شاعر بو قناعت ده دير كي، هئچ بير يئرسيز تنقيد و ايفتيرا اونون تورک ادبياتيندا و اجتماعي فيکيري نده توتدوغو يوکسک موقعيه خلل گنيره بيلمه يه چک دير. شعيرين سونوندا مؤلف ت. فكريته خيتابن دئير :

فيكرت – او بويوك شاعرو نووارو فوسونبار،  
هر تاري- «رباب» يندان اوچان نغمه يي- سحار .  
افجاني- وطندن توكولن قطره يي- آبي،  
شعير اينجيلري ياپماق دا انگتي- ربابي .  
بير ناله، بير ائي واه، بير افقاني- جيگرسوز،  
دستي- هنرينده اولويور شعيري- قمبروض .  
اي دستي- هنر، دستي- ادب، دستي- رهاساز،  
آقشلايان اللر سني، البته، قيريلماز !

« ايستي فهمام» («سوروشوب آلاما» – ت. آ.) شعيري بير باشا ت. فكريته حصر اولونماسا دا، م. هادي اونو يئنه ده حورمت و محبتله آشاغيداکي کيمي ياد ائتميشدير :

نئچون ترانه لر اوچماز ربابي- فيکرت دن،  
اوزاق مي يوخسا او دا نغمه يي- حقيقت دن؟

يئري گل ميشکن فئيد ائدک كي، «رباب» دا يازيلما تاريخي آلتيندا «۱۳ مایيس ۱۳۲۸ (ماي ۱۹۱۲)» کيمي گوستريلن ايگيرمي سککيز بيت ليک بو شعير متنينده بير سيرا ديشي ليکلر ائديلمکله ايگيرمي ايکي بيت اولاراق «اضحاري- افکار، نئچين؟» آدى ايله «ايقبال» قزئتینين ۲۴ فنورال ۱۹۱۴- جو ايل تاريخلي ۵۸۶- جي نومره سينده ده درج اولونموش و اورادان گوتورولهرک شاعرين «سنچيلميش اثرلري» نه ده داخيل ائديلميشدير .

«حقيقت، اي بشرين سرمدی ايلاهه سي، چيخ،  
گورون بو ظولمه تہ باتميش موحيطه چوهرن آچيق -...!»

بئيتي ايله باشلانان مثنوي فورماسيندا اولان بو شعير مضمون و ايديالجا م. هادينين تورکيه يه گنتميشدن اول يازديغي و باکيدا نشر اولونان قزئتلرده درج ائديردی رومانتيک- معارييف چي شعيرلري ايله ياخيندان سلسشير. حقيقتي نظرينده بير اوبراز کيمي جانلانديران، «چيخ ايشته نورو ايله شليقا دياريميزا، ضيالار ائيله نيثار کايئاتي- تاريميزا» سوزلري ايله اونا مراجعت ائدن بيلديري كي، «ليباسي هپ گنجه لر دن، خرافه دن هورولن» موحظوموز اينسانين اليندن ايختياريني آلميش، اونون قفلت يوخوسوندا اويومواسينا سبب اولموشدور. شاعر سوال ائدير :

نئچين آيىلمادى مىللت؟ ندىر بو خوابى-مزار ..!  
ندن قفسلر ايجينده طويورى-نازنده،  
نئچين جهل تھككومله سرفرازنده؟  
...ندن؟ ندىن؟ عجباً آشيقيز بو خسرانا؟  
نئچين پرىي-حقيقت بو يئردن انتدى فرر؟  
ندن بولوندى بو يئردە قاناديلان افكار؟  
ترقييات ايشيغى سوندو، سوندورولدى ندىن،  
يومولدىمو گوزوموز يول آجان او شعشدن؟

سوللارا جاواب آختاران شاعر بو قناعتە گلير كى، حقيقت، برابرليك، قانونلارا حورمت دئيىلن شعيلر شوق اولكلرلر يئندە برقرار اولمايىنجا سفالت گيردايىندان قورتولماق مومكون اولمايلاق دير. اودور كى، يئنه ده حقيقتە مراجعت ائدير :

حقيقت، اى بشرين سرمدى ايلاهسى، آچ  
اوزوندىن اورتويو، شرقە حيات وئر، جان ساچ!  
ندىر حيات؟ اونو آنلات بو كايئاتيميزا،  
دمادم آغلييوروز، خنده وئر حايئاتيميزا .  
بو شرقى-قافيل و سفيل اوميدياب اولسون،  
بيناىي-جهل و تعصوب، يئتر، خاراب اولسون!

م.هادينين ت.فكرته حصر ائتدىي داها دورد شعيرى وارداير كى، بونلاردان بيري «ببر ايشتيقايى-  
مؤحريق... چشمه ادب بو گون ادبياتا آغلاير» آدى ايله «صدا» قزئتئين ۱۸ مارت ۱۹۱۱-جى ايل  
تاريخلى ۶۰-جى نؤمره سينده، ايكنجسى ايسه «خلوقون پدرى» آدى ايله «ايقبال» قزئتئين ۲۴ ايل  
۱۹۱۴-جو ايل تاريخلى ۶۹۱-جى نؤمره سينده، ديگرلى ايسه «ناسيل يوكسلمهسى؟» و «فيكرت»  
آدلارى ايله شاعرين ۱۹۱۴-جو ايله نشر اولونان «شكوفه حكمت» كيتابلاريندا درج اولونموشدور. بو  
شعيرلر گؤستريلىن منبع لردن گؤتورولهرك شاعيرين «سئچيلميش اثرلى» نه سالىنميشدير. بيرينجى  
شعيرين آلتيندا بئله ببر ايمضا قويولموشدور: «تئين» قزئتى موحررير لر يئندن. م.هادينين «مهتاب»  
ژورنالينين ۲۷ نؤمور ۱۳۲۷-جى ايل (ايل ۱۹۱۱) تاريخلى ۲-جى نؤمره سينده درج اولونان «شرق  
قادينلارى» شعيرى قادين آزادليغى مؤوضوسونداير. تورك يازيچى و ژورناليستي، ايزميره دنيزدن  
چيخان يونان عسگرينه ايلك گولله آتاراق تورك مقاومت حركاتينى باشلاتميش، ايشغالچيلارا قارشى  
دؤيوشده هلاك اولموش حسن طاهاسينه (۱۸۸۸-۱۹۱۹) اتحاف اولونان :

« بختى-سياهى-مىلته بنزر نيقابينيز،  
شرقين ضياسى مى او قار انليق سيابينيز؟»، -

بئتى ايله باشلايان اون دورد بيتليك بو شعيرين يئندى بيتى «ايقبال» قزئتئين ۱۸ دئكابري ۱۹۱۳-جو ايل  
تاريخلى ۵۳۲-جى نؤمره سينده «جينسى-لطيفه» آدى ايله موستقىل ببر شعير كيمي درج اولونموش، اوردان  
گؤتورولهرك شاعرين «سئچيلميش اثرلى» نه داخيل ائدلميشدير .  
شرق قادينين طالعيينين هله ده ظولمت ايجينده اولماسيني و بونون دا بيرينجى شاهيدينين اونلارين نيقابى،  
چادراسى اولدوغونو بيلديرن مؤلف قريبن حياتينين اوخوموش، تحصيل گورموش قادينلارى سايه سينده  
پارلاماسيني قئيد ائدير. عصرين يئنى شمه، تجددود عصرى اولدوغونو ديگر اثرلرينده دؤنه-دؤنه  
وورغولادىغى كيمي، بو شعيرينده ده بئله ببر قناعتە گلير كى، قادينى اسارتده، «گنجيه بورونن  
گونوزلر» حاليندا ساخلايان جمعيت بختيار اولمايىلمز .

مأمور اولورمو؟ ظن ائدمم کایناتیمیز :  
تعمیر اولونمادیقجا حیاتی-خارابینیز - ..!

دئییه قادیلارا خطاب ائدن شاعر اثرینی آشاغیداکي آرزو ایله تاممالییر :

بیر آتش اولایدیم و یاخایدیم او طولامی،  
انظاره سریدیم روحی-تابانی-گیرامی !

شرق ایله قربین موقایسیهسی، قربین علم و معاریف سایهسینده بیر چوخ موشکوللرینی حل ائتمهسی، سنییه سینی اینکیشاف ائتدیریب کایناتین سیرلرینه واقیف اولماسینی بیر چوخ اثرلرینده گؤستریب شرقی بونلاردان عبرت گؤتورمهیه چاغیران م.هادی» مهتاب» ژورنالینین ۱ آوقوست ۱۳۲۷-جی ایل (آوقوست ۱۹۱۱) تاریخلی ۴-جو نؤمرهسینده چاپ ائتدیردی «قرب مدنیته - شرقی-حاضر» شعیرینی ده بو مؤوضویا حصر ائتمیشدیر. تورک یازچیسینی، ژورنالیست و سیاستچسینی جلال ساهیر اروزانا (۱۸۸۳-۱۹۳۵) اتحاف اولونان بو شعریده شاعر بیلدیریر کی، اگر قرب، بورانین اینکیشاف ائتمیش و اینکیشاف ائتمکده اولان مدنیته، صنایعسی اولماسایدی، «هر شعی سؤنردی شمی-ایدراکیمیز کیمی.» «شرقین لیکاسینی بوروموشدور بو گون سحاب» دئین، شرقی، شرق دونیاسینی سئون، شرقین قفلت یوخوسوندان اویانماسی اوچون یوللار آختاران شاعر «سیزلار ایچیم حالینا، ای کیشوری-خاراب» دئیرک شرق دونیاسینی عتالتدن چیخماغا سسلهیرک یازیر :

ای معبدی-اسارت اولان آدمیته،

سن نامیزدمسین ابدی قهر و ذلته؟

-بیلیم ندیر کی، سنده بو جننتلی ایشتیاق؟

ای شرق! «اونوتما، بار یقملر عصری-فیضدیر»

نقش ائتملی بو سؤزلری الواحی-فیکرته ...!

م.هادینین» مهتاب» ژورنالیندا «اضحاری-افکار» («دوشونجه چیچکلری» - ت.آ.) ادلی ایکی شعیری چاپ اولونموشدور ( ۱، ۲۲ آوقوست ۱۳۲۷ -جی ایل (آوقوست ۱۰۱۱)، ن ۴، ۷) .

بیرینجی اثر، اصلینده موسیقی، بوتؤو بیر شعیر دئییل، کیچی بیر، ان بویویو آلتی میصراعان عبارت اولان اون حکمتلی شعیر پارچاسیدیر. هر بیرسعی زربول-مئل اولای بیلهجک بو پارشالارین بیر نئشهسینه نظر سالاق :

جانلیدان دهرده بیر جانلی اثر قالمایدیر،

بو جدلگاهدا چارپیشمالی، چارپیشمالی، چارپیشمالیدیر !

\*

ظولمون مئوهسیدیر حریت .

\*

قادین بیر جانلی گولدور، حاق اونا بیر گلشن رؤوشن،

نه یئرده پردپوش اولسا، او یئر قطعین اولماز شن .

\*

سیلابی -طبیعتی دوردورماق ایستهین

بدبخته سؤیله کی: اولجکسن بیلا-کفن .

شاعرین بوتون بندلری چارپاز قافیهلر شکلینده قورولموش (۱-۳ ؛ ۲-۴) اون بندلیک «اضحاری-افکار» شعیرین اساس مؤوضوسو قادین آزادلیغی مسئلهسی اولسا دا، بورادا طبیعت تصویرلرینه ده، اجتماعی مسئلهلره یئر آیرلمیشدیر .

پردهیه بورونموش، اوزو نيقابلا اورتولموش قاديئلارنى اوزاقلاردا پارلايان اولدوز، ال چاتماز اوميدلر، قىلى، ماتملى بايراملار كىمى خاراكترىزه ائدن شاعر داها سونرا قاديئلار ختابن بئله يازير :

سنى گوردوكجه من تصورده  
منكثيف بير زوهايا بنزديرم؛  
شمسى موزلېم گورونجه ديدمده،  
مشرىقى سونموش آيا بنزديرم .

« بو قارانليغين بير ايشىقلى صاباحى يوخمو؟» - سوالى ايله اوخوجوسونا مراجعت ائدن، قاديئى يئرين  
ملىي آدلانديرارق اونون حالينا آغالايان، «ياشاسين احترامى-نساويت» سوزلرى ايله اونو آلفيشلايان  
شاعر «قىريل اى ال، آچىلسين او پرده» دئيه عصيانكار سسىنى قالدېير و يازير :

چكىل ائى ظولمت، اى سفيل حجاب !  
هايل اولما ليفايى-روزوموزا .  
گونش اىستر موحيطىمىز، نه سحاب  
چكمه سدد اوفوقى-ديل افروزوموزا ...!

دورد بندلىك «طىياره» شعيرينده («مهتاب»، ۸ آوقوست ۱۳۲۷-جى ايل (آوقوست ۱۹۱۱)، ن ۵، س. ۴۶) عاغلينين گوجو ايله قارا تورپاقلار حؤكم ائدن اينسانين - تورپاق اوولادىنين عرصه سيغمايىب ايندى ده سمالارا، گؤيلره حؤكم ائتمكده اولدوغوندا، فيكرينين دوشونجهسى اولان طىياره ايجاد ائتمه-سندن، «افلاكى قوجاغيندا داشىماسىندان»، «بحرى-سماواتدا اوزوب اوممانلارى آشماسىندان»، اينسانين زكاسى و سىي قارشىسىندا هر شعيبين آجىز قالماسىندان حيرانلىقلا دانىشان شاعر «ايشچى» شعيرينده («مهتاب»، ۱۵ آوقوست ۱۳۲۷-جى ايل (۱۹۱۱)، ن ۶، ص. ۶۲) زحمتكش اينسانين، فھلنن ياشايشىندان، اهلى-ايلينين حياتىنى تامين ائتمك اوچون آغىر زحمته قاتلاشماسىندان سوز آچىر. شاعرين تصويرينده بو جور ايشچى دونىدا هر جور تعريف و آلفيشلار لايىق دىر، چونكى او، گونش ائتىندا، سويوقدا، شاختادا چاليشاراق آلتىنين ترى، علينين قابارى ايله روزسىنى قازانىر، كىمسىنن قاباغىندا ايلىب اونا ال آچمىر، اينسانين ان بينىلمىش سيفتلىرىدىن اولان آبىر و حيانى آياقلار آلتىنا آتمىر. محض بو خصوصيتينه گوره ايشچىنى اثرينين پونتيك قهرمانى كىمى سئچن، اونون آلتىن ترينى پارلاق اينجىلره بنزهدن شاعر اوندكى چاليشماق، حالال زحمتى ايله ياشاماق عشقىنى يوكسك دىرلندىرير و بوتون اينسانلارا، خصوصيله زحمتسىز گليرله، گوزو اونون-بونون الينده اولوب هيا و شرفىنى بير قارين چورميه ساتانلارا خيتابن يازير :

حضورى-اهلى قىناده توكولمه-سین ده حیا،  
حضورى سعیده توك، توك شو پارلاق اينجىلرى !  
سجاق گونشلىرىن آلتىندا ايشله، هئچ دورما،  
سيغىنما باشقالارىن سايه بورودتینه،  
زهر ليسانلىلارىن گىر مه بارى-مىننتینه،  
سوكاك-سوكاك هلاكتى-دناى وورما !

«اتحاف» شعيرى ( «مهتاب»، ۱۵ آوقوست ۱۳۲۷-جى ايل (۱۹۱۱)، ن ۶، ص. ۶۰) تورك ژورنالىستى و شاعرى، ۱۹۰۶-۱۹۱۱-جى ايللرده باكىدا فعاليت گؤسترمىش، بير مدت بالاخانىداكى «نشرى-معاريف» مكنبىنه مودىرلىك ائتمىش «فيوضات» ژورنالىنين (۱۹۰۶-۱۹۰۷) امكداشلارىندان بىرى و «بىنى فيوضات» ژورنالىنين (۱۹۱۰-۱۹۱۱) رئاكتورو اولموش احمد كامالا (۱۸۷۳-۱۹۴۲) اتحاف ائدىلمىشدير .

احمد کمالی فیکرلری ایله «سؤنوک ویدانداری تنویر ائدن، اویوشموش جانلارا یئنی روح سین» صنتکار کیمی دیرلندیرن شاعر اونون آذربایجاندا آیرلماسینا تأسفلنیر و بو آیریلیغین کؤنوللو یوخ، سیاسی سببلر اوجباتیندان اولدوغونو آشاغیداکي کیمی تقدیم ائدیر :

تؤکرکن عرضی-قافقازیایا الهانی-فوروزانی،  
فیوضاتینلا اوخشارکن دیلی-شوببانی-عرفانی،  
شیمالین قارتالی قورخدو سماوی شاهبالیندان،  
ناسیل کی، قورخویور امواجی-جوشان «هیلال»یندان .

دقت ائدیلسه، شاعر بورادا تام آچیق شکیلده اولماسا دا، بیلدیریر کی، شیمالین قارتالی، یعنی چار روسیاسی احمد کمالین آذربایجانداکی فعالیتیندن احتیاط اندرک اونون قافقازدان گئتمهسینی یئرلی حکومتدن طلب ائتمیش و ایستینه نایل اولموشدور .

محمد هادی لیریکاسینا مخصوص اینقیلابی و عصیانکار روح اونون «عالیه -اشعاریم» («مهتاب»، ۲۹ آوقوست ۱۳۲۷-جی ایل (۱۹۱۱)، ن ۸، ص. ۹۴) و «ربابی-اینقیلاب» شعیرلرینده («مهتاب»، ۵ سئنتیابر ۱۳۲۷-جی ایل (۱۹۱۱)، ن ۹، ص. ۱۱۲) اوزونو داها قاباریق شکیلده گؤستریر. بو شعیرلرینه قدر تورکیه مطبوعاتیندا فیکرلرینی داها احتیاطلا، اوستوورتولو وئمهیه چایشان شاعر بو اثرلرینده ایدئالینی آچیق شکیلده اورتایا قویور. تورکیهده یاشادیغی مدتده اورادا باش وئرن حادثهلرین هنج ده وطنی آذربایجاندا اولدوغوندان اورکاچان اولمادیغینی، خالقا موختلیف دلر وئرملکه حاکمیته گلن «اتحاد و ترقی» پارتیاسینا یاخین اولانلارین - گنج تورکلرین میللتین اومیدلرینی دوغرولتمادیغینی، اولکه داخیلیندهکی هرج-مرجلیک، حکومت کابینهلرینین بیر-بیرینی اوز ائتمهسی، تورکیه نین بالکانلاردا، ترتابلیس قربة گئت-گنده نفوذونو ایتیرمهسی، آورورا ایمپریالیست دوولترینین شرقه یونهلیک ایشغالچیلیق سیاستی م.هادیده پارلاق گلهجهیه اومیدی گئت-گنده سؤندورمهیه، اوندا اینقیلابی و عصیانکار روحون بینیدن آلوولانماسینا سبب اولردو .

شاعر ایلهامینا مراجعتله باشلانان «عالیه اشعاریم» (شعیر عالییه مه - ت.آ.) شعیرینده «سن ائیلدیین دم منه عصیانلاری ایلهام، بیر آسی دنیزدیر سانیرام مندهکی افکار» دئین شاعر شرقه، «بو عرضی-موتیه» عصیان اندرک زولمتلری بیخماق اوچون آسیلره - اینقیلابچلارا قوشولماق و اولانلارین اؤنونده گندهرک باریاراقدار اولماق ایستیونی بیان ائدیر. شاعرین آرزوسو بودور کی، او قارائلیقلار منی یاندیرسا بنله یان سین، یاخیلسن، یوخ اولسون و «اولسون وطنین چؤهرهسی بوسه شگاهی-انوار». شاعر بیلدیریر کی :

بیلسم اولومومله اثرچک شرق حیاتا،  
جاندان کنچهرک من اولارام ایلک فداکار !  
قانملا اگر خنده فروز اولسا حقیقت،  
خندان اولاراق ائیلرم البت اونو ایثار !

شاعر دوشونور کی، حقیقتین شرقده آشکار، ظاهر اولماسی اوچون بیر اینقیلابا احتیاج وار و نه قدر کی، شرق جالت و اسارت پردهسی آلتیندا قالمیشدیر، اونون سعادتیندن، ایشیقلی صاباحیندان دانیشماق بوش بیر خیالدير. اودور کی، یازیر :

اولدوقجا سن، ای واه کی، مؤوهومی-تصوور،  
آقیمیزی قاپلایاجاق ظولمتی-قهار ...!  
اولدوقجا سن، ای سئودجییم، گیرییه محکوم،  
محکوم اولاجاق گیرییه مشریقدهکی انظار .!

«ربابی-اینقیلاب» اثرینده شاعر بیر آز دا ایرلی گندهرک ایسرارلا بیلدیریر کی، اینقیلاب یاغیشینین یاغمادیغی بئرده حرریت چیچکلری بیتمز و اینقیلاب سایهسینده ظلمون اوزوندهکی پرده بیرتیلمایینجا حقیقتین، آزادلیغین گولچؤهرهسی گؤرونمز .

میللتین فیکری خورفاتا آوده اولدوغوندان «مازی یاشار، ظالم یاشار، طولوملر یاشار» و بو چیرکابلاری، کیرلری یالینز اینقیلاب توفانی تمیزلهیه بیلر .

آرتیق تمیزلیک ایستوروز، نردەسن سن، ای سیلابی-جوشپوروی-میدانی-اینقیلاب؟ ..

دئین شاعر ایسرائر لا بیلدیریر کی :

هاولار دورور بو گون ده او ماضی کۆپکلری،  
دیل سیز، حایات سیز یئنه شیرانی-اینقیلاب !!

کۆچمیش، کۆهنه فیکیرلرله یاشایانلاری، شرق اولکه لرینی، خوصویله تورکیه، ایران و وطنی آذربایجانی ایرتیجاچی، برابر سیزلیک قانونلاری ایله ایداره اندیب حریتی، ایستیقلالی هر وجهله بوغماق دا ایسرائرلی اولانلاری «ماضی کۆپکلری – کۆچمیشین ایتلری» آدلاندیرماغا مجبور اولان شاعر روسیانی ایرتیجاچی باش ناظری پیوتر آرکادیوویچ ایستولیپینین (۱۸۶۲ – ۱۹۱۱) سوی-قصد نتیجه سینده اولدورولمه سی ایله علاقه دار «ایستولیپین قتل مونسایتی ایله» ادلی مقاله یازیب چاپ ائتدیرمکه کیفایت لئمیر («مهتاب» ژورنالی، ۱۱ ائیلول ۱۳۲۷-جی ایل (۱۹۱۱)، ن ۱۰، ص. ۱۲۳)، بیر نئشه گون سونرا چاپ ائتدیردی «ناقوس ماتم» («ماتم زنگی» – ت.ا.) ادلی شعیرینی («مهتاب»، ۲۷ ائیلول ۱۳۲۷-جی ایل (سنتیابر ۱۹۱۱)، ن ۱۲، ص. ۱۵۱) ایستولیپینی اولومجول یارالایان شخصه – بوقرافی اتحاف ائدرک بو عملینه گۆره اونو آلقیشلاپیر . بوقرافی ظلم صحنه سینین آتشین مواهیدی حساب شاعر بیدیر کی، سنه قاتیل دئمک اولماز، چونکو سنین اولدورویون اینسان یوخ، اینسانلیغین قتلینه فرمانلار وئرن «اولومدور.»

«داشداں یاپیلما قلبینی دلدین بیر آفتین،  
حریتین نیگاهینی گولدوردو جراتین -»!

دئین شاعر قنید ائدیر کی، سن دار آغاجیدان آسیلیب بو فانی جاهانا «الویدا» دئسن ده، آرزولادیغین پارلاق گونو گۆرمه سن ده، علینله یئنی بیر اینتیباه زنگی (ناقوسی-اینتیباه) چالدیغیدان آدین میللتین یادداشیندا ابدی یاشایاجاق دیر. «شایسته دیر پرستیشه ویجدانو غیرتین، ای مرد قهرمانی تاریخی-عدالتین»، - دئییه اونا تحسین اوخویان م.هادی داها سونرا یازیر :

جانلار اسیرگیورسا دا آیینی-ماتمین،  
ناقوسی-قلب و جان سنی اوخشار حزین-حزین .  
قالدیردین ایشته جیسمینی بیر جانلی انگلین،  
اهلی-تجدود اولدو بیرر زینده هیکلین .

م.هادینین «داستان شان» ادلی هر بندی آلتی میصراعدا عبارت اولان شعیری («شهبال» ژورنالی، ۱۵ کانونی-اول ۱۳۲۸ -جی ایل (دئکابر ۱۹۱۲)، ن ۶۷، ص. ۳۶۵) قهرمان تورک عسگرلرینه اتحاف اولونموش، بیر نؤو حربی مارش تأثیری باغیشلاپیر. اساس لئیتموتیوینی «ایلدیریم ساچان قیلینجینلا تورک میللتینین امین-آمانلیغینی پوزان ایشغالچی اوردولارا اولارین یئرینی گۆستر» ایدئاسی تشکیل ائدن بو شعیرین همین ایله یازیلیب چاپ ائدیلمه سی تصادفی حادثه دئییلدی. تاریخدن معلوم اولدوغو کیمی، همین واختلاردا تورکیه یه قارشى اروپا اولکه لرینین گوجلو باسقسی وار ایدی و عثمانلی ایمپئریاسی چوخ آغیر دوروما دوشموشدو. بالکانلاردا، ترابلیسقرده، یونانیستانلا سرحد اولان بیر سیرا منطقه لرده اودوزموش وضعیتده اولان تورکینین «اولوم، یاخود قالیم» مسئله سی قاجیلماز، دیون دوشموش بیر پروبلئمه چئوریلیمیشدی. محض بئله بیر زاماندا بو جور جسارتلی و اومید وئریجی بیر شعیرین یازیلیب چاپ ائدیلمه سی هر جور آلقیشا لاییق ایدی. فیکریمیزین تصدیقی اوچون سون بندی بوتؤلوکده وئریریک :

آرتیق یئتر بو حال، بو بحران، بو قیل و قال !  
آرتیق یئتر بو آردی کسيلمز اولان قیتال !  
آرتیق یئتر بو مولکه آخان خونی-ایختیلال !  
گۆستر بو گون جاهانلارا بیر محتشم جیدال !

گول چۆهریی-هیلال جیدالینلا پارلاسین،  
گولسون ظفر جمالی، عدو قانلار آغلاسین !

م.هادینین «رباب» ژورنالیندا نشر اولونان «شرق» شعیرینده ( «رباب»، ۱۹ تئموز ۱۳۲۸-جی ایل (ایول ۱۹۱۲)، ن ۲۸، ص ۳۱۲) سرلؤوه مدن سونرا بئله بیر قئید وئرلمیشدیر: «بؤیوک فئیلئوسوفومزا اتحاف». بو شخصین کیملیگی گؤسترلمهسه ده، حساب ائدیری کی، اثر رضا توفیقه اتحاف اولونموشدور. بیزی بو فیکیره گتیرن اودور کی، تخمیناً بو شعیرله سسلشن باشقا بیر اثرینی شاعر رضا توفیقه حصر ائدرک اونو بو آدلا آدلاندیرمیشدیر: «تورکلرین یئگانه فیلسوفو رضا توفیق حضرتلرینه» («صدای حق» قزنتی، ۲۵ آقوست ۱۹۱۴-جو ایل، ن ۱۹۴).  
«صدای حق» قزنتینده درج ائتدیردی شعیرده :

« ای معرفتین، فلسفه نین منبعی نورو،  
حالا دا قارائلیق بشرین مهدی-ظهورو !  
ای خامه ی-عللامه سی، میزرابی-حقیقت،  
حالا یاشاییر اولمیجکیمیش کیمی وحشت - »!

دئییه رضا توفیقه مراجعت ائدن شاعر «شرق» شعیرینده شرق - قرب پروبلئمینه توخوناراق دونیوی علملره اوستونلوک وئرمله صنایع سینی اینکیشاف ائتدیرن قریین اوستونلوکلرینی دیله گتیریر، محض معاریف و مدنیتدن اوزاق دوشدویندن هله ده شرقین سمالارینی بوروین دلالت پرده سینین کئیف بولودلارینین داغیلماقدان سا، داها دا قالینلاشماسیندان اورک آغریسی ايله بحث ائدیر .  
شرقه :

«سحرلرین یئنه معظالم، شفقلرین یئنه تار،  
لیالی-ماضیه اولماق دیلرمی ریجعتدار؟  
گونش لرین یئنه مدفونی سحاب اولدو،  
عمل چیچکلری سولدو، چمن خاراب اولدو» -

دئییه مراجعت ائدن شاعر حساب ائدیر کی، محض معاریف و مدنیتدن اوزاق دوشمه سی نتیجه سینده شرقده «آچیلدی نظره یی-ظولمت، یومولدو چشمه ضیا، دیریلدی روحی-تعصوب، گؤمولدو روحی-دوها.»  
شاعرین تصویرینده شرق انله بیر وضعیتیه سالینیب کی، بورادا حقیقتین آنجاق آدی وار. کئچمیشیندن آیریلماق ایستهمین شرقه شاعرین آشاغیداکی خطابی چوخ معنالی و دوشوندورجودور :

حایاتی-مظالمه دن هپ حظ یابسان سن،  
ندیر شو خسته لیین، آنلاسام زواللی وطن؟  
و بیر طبیب اولای بیلسم جسورو بیپروا،  
آرار-آرار دا بولوردوم سانا دوایی-رها .  
طبییبی-نبض شوناسین دا وار، فقط ای واه !  
دورور اؤنونده اونون کوتلی خرافیناه !  
تاریخی عزمی-اطیبیایا مانیتی-حایات،  
بو کوتله، صحتینه جانلی بیر مرز... هئیهاه !

م.هادینین تورکیه مطبوعاتیندا درج اولونان پوئتیک اثرلری باره ده قناعتلریمیزی اومومیشدیررکن بئله بیر نتیجهیه گلیری کی، تورکیه ده یاشادیغی اوللرده ده او اؤز اننوی مؤوضولاریندان و استنتتیک ایدحالیندان اوزاقلاشمامیش، شعیرلری ایله معاریف چی-رومانتیک اولاراق هورریت و آزادلیق آشیقی کیمی بوتون اینسانلغا، داها چوخ جانیندان آرتیق سئودیی تورک-موسلمان دونیاسینا خیدمت ائتمیشدیر .

## بیر سئوگی حکایه سی ارک قالاسی افسانہسی *BİR SEVGİ HEKAYESİ ƏRK QALASI ƏFSANƏSİ*

*Dos.Dr. Esmira Fuad*

دکتر اسمیرا فواد

عصرلردن بری خالقین یادداشیندان، آذربایجان فولکلوروندان سوزولوب گلن عبرت آمیز بیر عشق افسانہسینین موتیولری اوزرینده قورولموش «ارک قالاسی افسانہسی» پوئماسیندا محمد بیریا محبت و اینام، سئوگی و اعتبار، صداقت و دؤزوم کیمی بشری دویغولاری ترننوم اندیر. آذربایجان خالقینین بؤیوک تاریخینین گونوموزدک گلیب چاتمیش نیشانہسی، مؤهنتشم بیر تاریخی عابدہ اولان ارک قالاسی تبریزده اوجالدیلمیشدیر. منبعلره گؤره، «ایراندا مداین سارایینا برابر توتولان تبریز ارک قالاسی (علیشاه قصری) اؤز دؤورونده دونیانین ان بؤیوک موسلمان معمارلیق نومونہسی اولموشدور. بو عظمتلی بینا انلخانای هؤکمدارلاری سلطان خودابن دنین و ابو سیدین وزیری اولموش تاجددین الیشاهین گؤستریشی ایله ۱۳۳۸-۱۳۴۵-جی ایللرده تیکیلیمیشدیر. قاجارلار دؤورونه قدر ارک قالاسی دؤولت قصری کیمی ایستیفاده اندیلیمیش، سونرالار ایسه ستارخان، باغیرخان و دیگر تبریز موجهیدلرینین سیغیناچاقلاریندان بیر اولموشدور. ارک قالاسی بیر دفعه زلزلهدن، بیر دفعه ده چار روسیاسی اوردوسونون هوجومو زامانی خسارت آلمیشدیر (۱).»



گونئیین گؤرکملی شاعری یدالله مفتون امینی «ارک قالاسی» شعرینده ده آیدین صورتده گؤستریر کی، «بیزیم عصرده ایراندا باش وئرمیش بوتون موترقی حرکتلار (اینقیلابلار-ا.ف.) اؤز باشلانغیجینی بو قالادان آلمیشدیر (۲،۲۰۹).» شاعر لیریک قهرمانین دیلی ایله عصرلرین سیناقلارینا، سرت روزگارلارینا، داخلی و خارجی دوشمنلرین، مورجع قولرین آمانسیز هوجوملارینا معروض قالان، آنجاق بوتون هوجوملارا سینہ گرهک مغزور دایانان، انلین سپیرینه چئوریلن بو یئنیلمز قالانی وسف اندیر :

ای ارک، ائی بیر سینہسینی مین بلایه سپیر ائدن آلینماز قالا ..!

ای ارک، ائی ایستیقلا لیمیزین اؤلمز نیشانہسی، سنہ ابدی عشق اولسون ..!

تاریخ بویو بیر چوخ ظالملارین قیلنجی سنین آیاغینین آلتیندا سینیبدیر (۳،۲۲) .

«ارک قالاسی» افسانہسینین یاراندیغی واختدان اوزون ایللر، عصرلر، قرینهلر اؤتموشدور. آنجاق بو قالانین تیکینتسی ایله باغلی یارانمیش عبرت آمیز افسانہ خالقین، موتفکیر ادیبلریمیزین روحوندا، تفککورونده بوتون دؤورلرده اؤز یئرینی قورویوب ساخلامیش و قهرمانلیق، سئوگی، وفا، اعتبار، صداقت رمزی کیمی نسیللردن-نسیللره اؤتورولهرک تاریخین یادداشیندا داشلاشمیشدیر. «زاواللی خلقینین دردین گرکدیر بیریا چکسین، بو یولدا قانیم باتسام، بؤیوک بیر ایفتخاریم وار» (۴)، - میسسیاسی ایله یاشایان و یازیب-یارادان محمد بیریانین دا مرامی او دؤورون میلی روحونو، یاشام طرزینی، ایدئیالارینی یئنین قلمه آماقلا هئچ زامان توکنمهین بؤیوک عشق، محبت دویغولارینین ابدیشارلیغینا دقتی چکمک، اینسانین، بشر اؤلادینین کامیللشمه سینده، اؤزونه قایدیشیندا بؤیوک رول



اوبنادیغینی ثبوتاً یئتیرمکدیر. بیریا یاراتدیغی اوبرازلارین دیلی ایله بوتون سیرلی مقاملارا، اونو دوشون دورن سواللارا جاواب تاپیر و باش وئرن قارشیسایالینماز مورککب سیتواسییلارلی نئجه آشدیغینی گؤستریر. یالنیز عشقین، محبتین خیانت و رزالته قالیب گلجینی وورغولاییر. عشق سیز، محبت سیز بیر اوربین تار-مار اولدوغونو اثر بویو اوخوجونون دقتینه چاتدیریر. اوری محبتله، پاک سؤگی ایله چیرپینان شاعر حاقا، حقیقته چاتمانین یولونو دا انله بوندا گؤرور. بیریا ایختیار بیر قوجانین اوغلونو، عؤمور-گون یولداشینینی ایتیردیکن سونرا دونیانی درک ائتدیینی کدرلی اووقاتلا آنلاتدیقدان سونرا انله یاراتدیغی اوبرازین دیلی ایله بیر چوخ سیرلی مقاملارین، اصل حقیقتین اوزریندن پرده نی گؤتورور :

قوجا سونرا دئدی: - آی اوغول، اینان،

اینسان بیر گمیدیر، دنیزدیر جاهان .

اونوما آجیقلی دالغادیر حیات،

دالغاسیز بیر دنیز اولورمو، هئیها،

چوخ زامان آچمامیش قونچه سولوبدور،

کیم بیلیر، حیاتدا نلر اولوبدور .

محتشم سارایلار ائدلمیش خراب،

ظلمدن اولونموش اورکلر کباب .

اؤلکلر داغیلیب، دوغرانیب شاهلار

یارانمیشلار ائدیپ ساسیز گوناھلار(۴,۱۶۹) .

قتید ائتدیمیز کیمی، پونمادا تصویر ائدیلن بو مقاملار بیر اوزو حقیقت، دیگر اوزو یالان اولان دونیانین معناسینی، اینسانا عمرونون و بو عمرو یاشادیغی صورده تورتدی عملرین قاید-قانونلارا ضد اولان، حاقلی و حاقسیز طرفلرینی اونه چکیر. اینسانین وارلیغی، یاخود یوخلوغو قدر دیری اولمایان مادی دونیا االدانمانین، اونون ظاهری گورونتوسونه، جاه-جلالینا اویوب اوزونو ایتیرمیین علیهینه اولان شاعرین مقصدی، اصلینده اینسانین هر شئیدن اونجه اوزونه و دونیانی دیرلی ائدن ایدئیالارینا، محبتینه اؤنم وئرمکدیر. او، «ارک قالاسی افسانهسی» پونماسیندا دونیالارجا مالی-مولکو اولان زنگین بیلرین، خانلارین عادی، ساده بیر قول قدر دیره مالیک اولمادیغینی وورغولاییر. قارا قولون قلبینده کی بویوک سؤگی اونون معن بویوکلویونو، مقدسلییه، ایلاهی دویغولارا اینامینی آچیقلایان یئگانه اساس جهتلردن دیر. زامانی اؤتن بیر افسانهدن بحث اولونان بو پونمادا اساس قهرمان-قارا قول محبتین گوجو ایله حقیقته واریر. قوجانین نقل ائتدی روایتی شاعر اوزونخاص تهکییه ایله اوخوجویا چاتدیریر :

بابام انشیتیمیشدی شیخ باباسیندان،

ارکین قالاسینی تیکدیرن زامان،

قارا قول آدیندا جوان وار ایمیش .

همیشه گولرک شاد یاشایارمیش .

نه چوخ خورک یئییب، نه چوخ یاتارمیش،

ارکین لاپ باشینا کرپیچ آتارمیش .

کنچنده اورادان قدیم حکموران،

قولون قدرتینه اولوبان حیران،

دؤنوب خادیمیندن ائیلهدی سوال -

اورا کرپیچ آتماق دئییل می محال؟

خادیم عرض ائیلیر: - عزیز حکموران

ذوقيله هر ايشی گؤررسه اينسان،

طبيعيدير کی، چاتار بوتون مورادا (۴,۱۷۱).

لاکين بعضن خيانت يوواسينا چئوريلن اينسان قليبين نلره قادير اولدوغونو بيلن شاعر حؤکمرانين دقتيني جلب ائدن، زحمتی، اذيتی، سئوگسی، لياقتی ایله اينسانلارين گؤزونده اوجالان قارا قولون خوشبختليينه خلل گتيرمک ايستهين قارا قوللری ده نظردهن قاچيرمير، اونلارين مکرلی نيتلرينی، معناسيز ايستکلرينی ايفشا ائدير. بئله کی، خاديمين حکمدار قارشيسيندا ايتاتکارليغي و قارا قولو تعريف ائتدي صحنه اونون و حاکمينين ايچ اوزونو آچير، چيرکين نيتلرينی آشکارا چيخارير. قارا قول قدر صاف و لياقتلی اولمايان، محبتين فضيلتيني آنلامايان خاديم اونون قالانين تیکينتيسينده گؤستردی قئیری-عادی جلدالين، امک رشادتینين سئودیی قادينا اولان سئوگسیندن، بؤيوک عشق و هوسیندن قايناقلانديغینی بيان ائدير :

-ذوقسوز بشره اولماز ایراده

ذوقسوزلر قالار دايم جفاده .

ياشادير بو قولو بير ذوق، او حسرت

سؤيلهدی حکموران: - دور سسینی کس

مگر بيزده يوخدور او ذوق، او هوس؟

سنين بو سؤزلرين يالاندير يالان !

خاديم دئدی: - عفو ائت، بؤيوک حکموران

حقیقی ذوق ایله عشقین قدرتی

پایدار ائيلميش بوتون خيلقتی (۴,۱۷۲).

آغاسينا دوغرونو، حقیقی سؤیلدینینی اثبات ائتمک اوچون خاديم حيلهگر، ایمان سيز آناسيندان کؤمک ايستير و بو آددیملدا او زونو چتینلییه سالیير. مودریک شاعر خاديمين خيصلتینده ده چاتيشمازليقلارين اولدوغونو وورغولايير. اوغلونا کؤمک ائتدینینی دوشونن، اونون يوکسک وظيفهده قالماسی اوچون هر جور آچاقليغا، ائو ييخيب پيسلیک ائتميه حاضر اولان، دين پردهسی آلتیندا ايبلیس اوزونو مهارتله گيزلهين قاری او زونو تنز-تلسیک قارا قولون آروادينا يئتيرير. شیرين ديلینی ايشه سالاراق سادلؤوح گلینين قلبينه يول تاپير، ارينين عادی، يوخسول بير فهله اولدوغونو، ميمونا بنزر قارا قولون اونا ياراشماديغینی، بو گؤزلليکله زنگين بير آدامين-چوخدان بری اونو سئون اوغلونون یاری اولا بيلجینینی، سارايلاردا کومفورتلو حیات ياشاماغا لاييق اولدوغونو سؤيلير. سئوگسی ارينين اونا اولان عشقیله موقایيسهده چوخ ضعيف اولان سباتسيز گلین يونگول، راحت حياتين ظاهری پاريلتسینا آلدانير. قارا قولون سئوگسی ایله ساده و خوشبخت حیات ياشاماسينا رغمن، چوخ آسانليقلا ياسمن قارينين قوردوغو حيله توروئا دوشور. بو عبرت آمیز حکايه، پونمادا هر بير اوبرازين، خصوصيله ياسمن قاری کیمی ناپاک، سؤزو ایله عملی اوست-اوسته دوشمهين خبيث، ايبلیس خيصلتلی قادينلارين، بدنیت اينسانلارين، گناهسيزلاری گونوهکار دوروما دوشورن، ائولر بيخان وارليقلارين منحوس دوشونجه و عمللرينی آيدین شکيلده آچيقلاير :

بير پارا قاريلار ايبلسيه بنزر،

قوجا تولکو کیمی اولور حيلهگر .

دامارلاردا آخار قيزيل قان کیمی،

آلدادار آدامی بير شيطان کیمی

سحيرلر دوزلدر جادلار قورار

قملی اورکلره گيزلين اود وورار .

اُندر بولبوللری گولون دن جودا  
اونون ایشلرینه حیران دیر قضا  
قاری رول اویناییب افسانهلرده  
آباد قصرلرده، ویرانهلرده  
قوروب دسیهلر، بؤیوک فیتنهلر  
ایگیدلر قانینی ائدیبدیر هدر؟  
گرکدیر اونلارا اویماسین بشر .  
ایمان سیز قاریدان ائتمهسن حذر -  
منیم تک دونیادا سرگردان گزر (۴,۱۷۲) .

محمد بی ریا اثرده یئر اوزونون اشرفی اولان اینسانین بو کیمی حاللاردا فیکرین دن دؤنه بیلجیینین استئنا اولمادیغینی دا نظردن قاجیرمیر. بو نوانسی اونوتمایان شاعر حادثهلرین سونون دا قارشیلیقلی تضادلاردان یارانان اصل حقیقتی اوزه چیخاریر، ارک قالاسینین یالنیز سئوگی، عشقه صداقت اوزرینده قورولدوغونو بیان ائدیر .

سئوگیلسینین وفاسیزلیغینی، عهدینه قئیری-صادیقلیینی گؤرن قارا قولون روحدان دوشمهسی دوشمنه موقتی اوغور گتیریر. لاکین بدخاه خادیمین هیله قوراراق آشیق قارا قول ائتدی پیسلیک اونون اؤزونه قارشى یؤنلیر. روحدان دوشموش قارا قولون الینین ایشدن سویوماسی ارک قالاسینین تیکینتیسینین یاریمچیق قالماسینا سبب اولور. قارا قول اوندان اوز دؤنردن وفاسیز سئوگیلسینین بلکه ائوه گنج گلدینه گؤره قاشقباق تۆکدویونو دوشونهرک دئییر .

سؤیلهدی: - گؤزلیم، منی باغیشلا،  
گون آلتین دا بو گون پیشیب یانمیشام،  
سنه زحمت چکیب پول قازانمیشام .  
چورک، ات آلاندا چوخ دایانمیشام،  
هله دوندکین دن آز یوبانمیشام (۴,۱۸۳) .

گوروندویو کیمی، عهدینه، سئوگیسینه صادق اولان آشیقین اصلینده بؤیوکلویونو، اوزولونمازلیغینی درک ائده بیلیمین سئوگیلسی، قارینین شیرین دیلینه آلداناراق اوز عهدین دن دؤنور .

- آرتیق مومکون دئییل عمر ائدک قوشا ،

منه صاباح سحر تلاق وئر، بوشا

بو هیسلی داخمادا قالا بیلرم

دوغروسو، من ده گون گورمک ایسترم (۴,۱۸۵) .

قادینین وفاسیزلیغی سون اعتباریله مینصیفتلی، حیلهگر قارینین فیتنهسینه رام اولدوغو مقامدا ایچینده پئشیمانچیلیق حیسی کئچیرن گلینی شاعر موثبت اوبراز کیمی تقدیم ائتمیر، عکسینه، قارا قولون پاک نیتلییینی، صاف عشقینی اوجا، مقدس توتور و اصل محبته اوستونلوک وئریر. ارینه نیفرتله باخیب: جهنم اول، آی قارامات گئت! آز منه یالواریب ایلتیجالار ائت! - دئین یونگول دوشونجهلی گلین... قادینین اونا قارشى وفاسیزلیغین دان سارسیلان قارا قول... اونون پریشانلیغینی، الینین ایشدن سویودوغونو گورن بننالار، فهلهلر بیر-بیرینه دئییر، هر کسی «گورسن قولانه اولموش؟ بس نیه سارالیب گول کیمی سولموش؟ یقین کی، باشیندا اونون قزا وار! - سواللاری دوشوندورور. ارک قالاسینین تیکیلیمهسینده اساس رول اوینایان اوبراز کیمی، او، پونمادا حادثهلرین آخارینی، مجراسینی دئییشیر، خادیمین مکر و حیلنن ایشا اولونماسینا سبب اولور .

ارک قالاسینین یاریمچیق قالدیغینی گۆرن آن خادیم ایله بویوک حکمدار دا وضعیتدن ناراحتلیق کئچیریر و تئز پوسقودا دوردوقلاری یئردن چیخیرلار. حقیقتن ده دردینی هئچ کسه آچا بیلمهین قارا قولون قمگین حالی، اوزونتودن اولجک دوروما دوشمهسی حکمداری پریشان اندیر. خادیمه تعجیلی تدبیر گۆرمهسینی، وضعیتینی امر اندیر و ارک قالاسینین تیکینتسی یاریمچیق قالارسا، اونلارین هر بیرینی دار آغاجیندان آسیراجاغینی بیلدیریر .

غضبیه دایانیب گنتدی حکموران

خادیم انتدیینه اولدو پئشیمان

اؤز - اؤزونه دندی : -بیر تدبیر گۆرک

یننه سئوسین قولو او گۆزل گرک (۴,۱۹۱) .

بئلهیکله ده اوجا عشقین قارشسیندا مکر، حیله، یالان ایفشا اولونور. قارینین حیلهسینه آلداندیغینی، ریاکارلیغین، حیله نین قوربانلی اولدوغونو باشا دوشن گلین سوندا سهو انتدیینی آنلابیر، عملیندن پئشیمان اولور، ارینین سئوگسی، اعتباری قارشسیندا یئنیلیر. یئنین سئوگسیندن ایلهام آلان قارا قول محبتین گوجو ایله اولکی نشله حیاتینا قایدیر. سئوگیلسینین باغیشلابیر، اونون عشقی ایله ارک قالاسینین تیکینتسینین باشا چاتماسیندا حل اندیجی رول اویناییر، خاریقلر یارادیر :

سئویندی فهلهر گولدو بننالار،

حکموران عملدن اولدو خبردار .

دوشوندوردو اونو بو درسی عبرت،

سؤیلهدی دوغوردان ذوقو محبت .

حاکمدیر هر زامان بوتون بشره

او باعدی فقط خیره، شره (۴,۲۰۴) .

محبتینه صادق اولان قارا قولون حیاتی اراک قالاسینین طالعيله باغلايان شاعر بونولا هر بیر اینسانین، بشر اولادینین ایچینده اوجالان محبت قالاسینی دا عکس انتدیرمکدیر. بیریا «ارک قالاسی افسانهسی» پونماسیندا سئوگینین خیانت اوزرینده قلبهسینی خیرین شره قالیب گلمهسی کیمی سچیلدیریر .

محمد بیریا اصل سنتکار مهارتی ایله تاریخاً «بوتون شاعرلرین مراجعت انتدیکلری محبت مؤوضوسونو دا یئنی بیچیمده شعیره (پونمالارینا دا-ا.ف.) گتیره بیلدی. اساس مسئله محبتده دویغو ایله کمالین اوز-اوزه قویولماسیدیر (۵,۱۹۸)». او، هم صرف لیریک-رومانتیک، هم ده تنقیدی رئالیسم، ساتیریک روحلو اثرلرینه اجتماعی-سیاسی رنگ قاندى و یئنی مضمون چالارلاری ایله بزهدی. لاکین شاعر «ارک قالاسی افسانهسی» پونماسیندا بیر داها گؤستردی کی، اولکلری فتح اتمیش حکمدارلار، فیرونلار بئله، بیر گون فانی دونیادان کؤچونو چکهجک، یئر اوزوندن سیلینیب گندهجکلر، لاکین قنلرده، اورکلرده هئیکلشن مقدس سئوگی، پاکلغینی قورویوب ساخلايان و اورکلرده هئیکلشن اولوی محبت بوتون پیسلیکلره قالیب گلهجک، ابدیتدک یاشایاجاقدیر. اثرلرینین «اوزونمخصوصلوغو، اوریزینال ادبی-بدیعی تاپینتیلاری، هئچ کیمینکینه بنزمهین دست-خطی محمد بیریانین عموم آذربایجان ادبیاتی تاریخینده یاشاماسینین، ابدی قالاسینین(۵,۱۹۸)» تأمیناتچسی اولدو، آدینی مدنیت تاریخیمیزین صحیفه لرینه یازدی ...

### ***İstifadə olunmuş ədəbiyyat***

- 1.Güney Az.tarixi abidələri.internet saytı.
- 2.XX əsr Cənubi Azərbaycan Ədəbiyyatında Demokratik İdeyalar (1900-1985), Bakı, "Elm", 1990,s.209.
- 3.Yədulla məftun Əmini. Kulak şeirlər toplusu, təbriz, "Şəms" nəşriyyatı, 1334-1955) 3.
- 4.Hökumə məmməd qızı. "Şair ömrünün elçiləri, Bakı, 2003.
- 5.<http://www.ainboard24.co/azerbaycan-edebiyati-ve-inesene>.
- 6.marketingmanagement.ws-internetsaytı
- 7.Almaz Əliqızı. Ədəbi qeydlər, Bakı: "Elm və təhsil", 2010.

# ÖYKÜ

## حکایه

# ائیوان و میدان

قدرت ابوالحسنی سهلان

نه قدر فیکیرلشیردیم، بو کرخانایا گلندن بری، اربابین ائیوان دانیشیغیندان بیر خوش خبر خاطرلامیردیم. کۆپک اوغلو همیشه مملکتین دورومو بئله دی ائله دی، دئییدی! ایش یئریمده تئز-تئز قولاغیما چاتیر، شرق اوغلودا اؤزونه تاي پوللولا ساياغی مملکتی چاپیب-چاپیب قاچاقادی!! اون ایلدن چوخدور، شرق اوغلونون ماشین قطعه سی دوزلدن کرخاناسیندا یونتالامالیک ائدیرم، اون ایکی ایلده آیری یئرلرده چالیشمیشام، آنجاق بیر قیراندا بوراجان آرتیرا بیلمه میشم. شهرین یوخسول محلله لرینین بیرینده ایسه، آرواد و دؤرد اوشاغیملایا بیرگه آتامدان قالان حیطده یاشاییرام.



شرق اوغلو اوچ ایلدن چوخدور، چئشیدلی باهانالارلا کرخانادا چالیشان ۵۰۰ نفردن آرتیق فهله نین حوقوقونون اوچده ایکیسینی وئرمه ییدی. بونا باخمایاراق، اربابین ایلین سون شنبه سی ائیواندا خوش سؤزلری اولاجاق خبری یاییلاندا، منده بوتون ایشچیلر کیمی اولدوقجا سنوینیب گلجه یه اومودلانیم. هفته ایکیسینین اول ساعاتلاری خبر یاییلیدی، مملکتده کی توررومه گؤره، گلن ایل ایللیقلار آزی ایکی قات آرتاجاق! هابئله دئییردیله، شرق اوغلو کرخانا یانینداکی قورو یئرلریندن، هره یه ایکی یوز مئترمربع یئر آیریپ وئره جک! یئر پولونون ایلك قیسطینی بیزه اولان بورجوندان حئسابلایاجاق، قالانیندا قیسطیلا ایللیقلاردان چیخاجاق!!

ائیوان خبری یاییلاندا سونرا، وضعیتدن بئزمیش ایشچیلر ایشلرینه گیریشدیله و تازادان شرق اوغلو کرخاناسینی منیمسه میس اولدولار. او نئچه گونده، ایشچیلر شنلیکله فقط اربابین خوش خبریندن دئییب، قورو یئر حاققینداکی تاسارلاریندان سؤیله ییردیله. تکجه بونو دئییم کی، منده گئجه-گونوز گؤزل مکاندا یئرلشن یئریمه فیکیرله شیردیم و او هفته منه عؤمرومون ان اوزون هفته سی اولدو.

دیده وعده گونو گلیب چاتدی. شنبه سحر ساعات اونا ۲۰ دقیقه قالان، ایش داشلاریملا بیرگه، کرخانانین فوتبال مئیدانیجان اولا بیلن محوطه سینه دوغرو یولا دوشدوک. سالونلارلا اوتاقلاردان دسته-دسته چیخانلارین هامیسینین مقصدی، همن مئیدانی ایدی. اونا ۱۰ دقیقه قالان مئیدان چاتیب، یولدشلارلا بیرگه بیر اویغون مکاندا دایاندیق. او تاریخه کیمی، مئیداندا بئله بیغیجاغی خاطرلامیردیم. شاد ایشچیلر گوروه-گوروه بیر-بیرلریله اوجادان قونوشاراق اربابین ائیوانا چیخماسینی گؤزله بیردیله. نهایت، اونا یکی-اوج دقیقه گئچمیشدی کی، شرق اوغلو قورونان دالی اوتاقدان ائیوانا چیخدی. دالیسجا چیخان یکی اوجا بوی کیشی آغانین ساغیندا اولاراق، ایکیسیده سولوندا یئر آلدیلار. مئیدان سوسوب ائیوانا ماراقلاندى. دالبادال اوج صلوات چئویریلدی و قارا گؤزلوکلو ارباب، یکی قدم گؤتوروب سس اوجالدانین آرخاسینا گئچدی.

ارباب، همیشه کی کیمی اولده، عزیز ایشچیلرین داها بیر دؤنه ده بیغیجاغیندا اولماغیندان اولدوقجا موتلو اولدوغونو سؤیله دی. سونرا ایشچیلر یاشایشینا یئتیشمه یی سوروملولارین گره کن گؤروی بیلدی. اونا مئیداندان، "یاشاسین، یاشاسین!" هارایی ائشیدیلدی. شرق اوغلو آردیندان، اولکه نین آغیر دورومدا اولدوغونو سؤیله ییب، خالقین مسئوللار یانیندا اولماغی واجیب بیلدی. ائیواندان گونون اصلی سؤزونه گئچمک ایسته ینده، مئیدانین ماراغی اولدوقجا آرتدی. ارباب اینام و صمیمیتله بویوردو: "هر اینسانین بیر آبیرو و گلیرلی ایشی اولسا، نه قدر گؤزل اولارها، نه قدر گؤزل اولارها!! هره بیر گؤزل یئرده یاشاییرسا، نه قدر یاخشی اولارها، نه قدر یاخشی اولارها!!" بو سؤزلر ائیواندان گلنده توم مئیدانی شنلیک بورودو. بو سفر، "یاشاسین، یاشاسین!" هایخیربسی توم مئیداندان یوکسلدی. اربابدا ساغ الینی قوزاییب مئیدانا ساری تریپدی و تشککورلر ائتدی.

شرق اوغلو، داغ لیواندان سو ایچدیکه، سؤزلرینی بئله داواملادی: "بونلار یاخشیدی، آما دؤولت بیز کرخانا دولاندرانلاری دستکله میر کی؟! بیزده سیزین بوینوموزداکی حاقلاریزی اؤده یه بیلمیریک. بیزده سیزه یئتیشه بیلمیریک کی، سیزینده گلیرلی ایشیز اولوب گؤزل یئرلرده یاشایاسیز! الله شاهیددی، من کرخانا دولادیرماقدان بئزمیشم! عزیزلر، یکی آیاجان اوزوزه ایش تاپین، من بو کرخانانی ساتاجام. سیزی آلاها تاپیشیردیم!" اود قویان خبرلر ائیواندان یاییلدی، اؤفکه لی اعتراض هارایلاری مئیداندان قالخدی. ارباب تلم-تله سیک ائیواندان اکیلدی. هر طرفدن بو سؤزو ائشیدیردیم، اسکیک کؤپک اوغلونون خوش خبری بو ایمیش ها!! ایندی او جریانلاردان یکی ایلدن چوخ سوووشوبدو. شهرین هر بیر یئرینه باش چکمیشم، ایش یوخدو دئییلر. هامینین وضعیتده ائله منه تایدی. بو موددته بیز ۵۰۰ نفر، سؤزوموزو بیر یئر چاتدیرا بیلمه ییب، بیر ایش گوره بیلمه میشیک. آنجاق شرق اوغلو، کرخاسینی، یانینداکی قورو یئرینی و باشقا ماللارینی ساتا بیلدی و پوللارینی دولارا چئوریب عایله سیله بیرگه مملکتدن اکیلیب گؤزل کانادایا قاچدی.

# شعريميز ŞEİRİMİZ

اوره بيم آنانى ايسته بير، قيزيم!

**نریمان حسن زاده**

Nəriman Həsənzadə

اوره بيم آنانى ايسته بير، قيزيم!  
سن ياشا دونيادا غم سيز، كدر سيز!  
بير سس قولاغیما «دۆز» دئير، قيزيم!  
من دۆزدوم، ياش اؤتدو مندن خبر سيز.

قاشلاريم قارادی، ساچلاريم آغدی،  
طبیعت شكليمی چكیر يئيدن.  
هامی بو دونيادا قوجالاجاقدی،  
آما تک قوجالماق، درد وئریر هردن .

«داغلار» دئیه-دئیه من داغ آشمیشام  
هانى طالع دوستوم، اوركدن گولن؟!  
دونيادا ياشاييب دونيالاشمیشام  
دونيايلا دوز گلدير داها من دئین.

دادديم آجيسینی شیرین حیاتین،  
هله بو آجيدان دویان اولماييب.  
قيزيم! قارداشینلا سن اولماسايدین،  
دئيرديم دونيادا آنان اولماييب.

داها ياش آرتدیقجا، صبريم آزالير  
ياش، ياشدی... نئيله سن ياشايير، قيزيم!  
قادينسيز، آتا دا آناسيز قالير،  
اوره بيم آنانى ايسته بير، قيزيم!...

**قاتار قاييتماز**

**علی جوادپور**

نه اؤزون گلرسن، نه ده خبرین  
بوخ... سنی آپاران قاتار قاييتماز.  
يوللار ياديرغايار، اونودار يوللار  
کورک اوسته ياتار، قاتار قاييتماز.

گئدر، دايانماز کی ایلین قاتاری،

گئدر بى قاتارى، گلين قاتارى.  
كيم دئير «قائتاراق گلين، قاتارى»؟  
گئدر گۇزدن ايتر، قاتار قاييتماز.

گئتدين، ايندن بئله هر گلنده ياز،  
سولغون گۇرونه جك چيچكلر بير آز.  
سونبولر ساچينى كولك داراماز  
ايلر باشا چاتار، قاتار قاييتماز.

گئندده دولويدو بو بوش قاتارلار  
دونيا قاتار-قاتار بوشالار، دولار.  
كيمدن كوسمك اولار، اينجيمك اولار؟  
الين هارا يئتر؟ قاتار قاييتماز.

ياغيش يادداش لاردان ايزلر اونودور  
هر گون عۇمروموزدن بير گونو اودور  
يالاندان گۇزله بير «على جوادپور»  
بوخ... سنى آپاران قاتار قاييتماز...

---

## سنوگيليم! صابير باقيرزاده

سنوگيليم! عالمه سنسيزجه يادام سانميشديم.  
بيلمه دن، بال كيمي آغزينا دادام سانميشديم.

جانيمي باغلى دوشونموشدوم ازلدن جانينا  
جيسمينه آرخا دوران قول-قانادام سانميشديم.

ال اۇزومدن اوزه لى، پامبيغا دۇنسم ده گولوم!  
سنه، سۇيگنمه اولان بير پولادام سانميشديم.

سۇزوموزدن آجيشان شاختالى دويغومدا، كولك  
سنوگيميزدن آليشان ايستى اودام سانميشديم.

داهى جان دئيرمه وئرمز اينانيرديم اوره يى  
دئمه بس بير بيخيلان دوستلوغا دام سانميشديم.

اۇز سوچومدور، چكيرمايندى جزاسين دا همن،  
تانيمازدان سنى من، چون كى ادام سانميشديم...



## ياشادى

نصرت كسمنلى  
بو سئوگى نين عؤمرو بئله قيسايميش،  
بنؤوشه تك بيرجه هفته ياشادى.  
سئوينمه يه صبرى بئله چاتمادى،  
نه ياشادى، غم طرفده ياشادى.

بو تر غؤنچه آچيلمادان سولارميش،  
بو محبت هانسى سمته يول آلميش؟  
سئون لرین گونو قارا اولارميش،  
گؤرن كيملر سئويب كئفده ياشادى؟

او اوركدن گولديووموز گون هانى؟  
صداقتدن دانيشديغين ديل هانى؟  
بو سئوگينين سهو مى دوشدو عونوانى؟  
ؤز عؤمرونو ائله سهوده ياشادى...

## يعقوب نيكزاد

سنه باغلاديغيم اوره يى بوراخ!  
بو يولون اوزونه داش يامانيدي.  
اوردا كوچه لرین گؤيلو-گؤزو توخ  
بوردا قبيرلرده لئش يامانيدي.

قينانان سسلرده تيكان ايزى وار  
ياشام دفترينده اولوم سؤزو وار  
هله ديليميزده اؤزگه گؤزو وار  
باهارين قوينونا قيش يامانيدي.

سئوينج اك وطنين يال-ياماجينا!  
بیر گولوش اميزدير قارداش، باجينا!  
گوناهسيز گؤز، گندير دار آجاجينا  
قيلينجين ديلينه باش يامانيدي.

گؤزله...! هر آدديمدا قورولوب تله  
گؤي لره اوچماغا داريخما هله!  
شايد "پنجره دن يئنه داش گله"  
منيم اوره ييمه قوش يامانيدي...

## آى حكيم!...

نريمان حسن زاده

آغزین بد خبره آچیلدی سنین  
سونرا نئجه گولدون، نئجه، آی حکیم؟!  
سسین اوره ییمه سانجیلدی سنین  
حکیم لیک بویدومو سنجه، آی حکیم!؟

سن گولدون، یانیندا سوسوب آغلادیم  
یئنه اومیدیمی سنه باغلادیم  
ساغ ایکن اینسانا من یاس ساخلادیم  
وئردین امه ییمی هئچه آی حکیم!

بیر قاپی باغلادین، یوز قاپی آچدیم  
قیشین سویوغوندا اولکه دولاشدیم  
حکیمین الیندن حکیمه قاچدیم  
هانى دیپلومونون گوجو، آی حکیم!؟

خسته نین طالعی ایلگکدی پوزهان  
حکیمین اللری دویمه باغلایان  
سن بیر قبریستانلیق اینسان قیرمیشان  
بیر علمی درجه اوچون، آی حکیم!

قبولا گلنده بنواخت دوشموشم  
بو ائودن-ائشیکدن اوزاق دوشموشم  
من سنین الیندن قاچاق دوشموشم،  
حکیم لری سئچه-سئچه آی حکیم!  
شهر-شهر، کوچه-کوچه، آی حکیم!...

### قویمارام

نریمان حسن زاده  
دؤزومون آزالیب، نه اولوب یئنه؟  
بئله گورممیشدیم آی سارا، سنی.  
اوخوما یانیمدا غم ماهنیسینی!  
قویمارام او سنلر آپارا سنی.  
اؤزوم آپاراجام گور هارا، سنی!

یئنه بیر چمنده سوفره آچاریق  
یئملیک بیغا-بیغا آرخی آشاریق  
بیر آز قوجالمیشیق، جاوانلاشاریق  
بیر آز دینجه له ریک بولاقلار اوسته  
قوشلار ماهنی دئیر بوداقلار اوسته.

بیز عۆمور سورموشوک لیاقت ایله  
بیز حیات گۆرموشوک نه میئت ایله!  
اؤ-ائشیک قورموشوق اذیت ایله  
بیر-بیر داش اوستونه بیز داش قویموشوق،  
بیر حالال یاستیغا بیز باش قویموشوق.

آخشام تئاتردا قوشا اوتوراق  
گوندوز آرتیست لره شن مجلس قوراق  
هله «پومیئی» دورور، بیز ده برک دوراق  
اونو بیز صحنه ده گۆرک، آی سارا!  
بیر آز صبرین اولسون گرک، آی سارا!

هله نه گۆرموشوک بیز بو دونیادا؟  
قوش هاوادا یاشار، بالیق دریادا.  
یاغیشلار، کولک لر دؤیوب صحرادا.  
دونیا دوزنگاه میش، هئچ بیلیمیشم،  
سنه سیغینمیشام، «سارا» دئمیشم.

دؤزومون آزالیب، حیاتیتم منیم!  
بئله گۆرممیشدیم آی سارا، سنی.  
اوخوما یانیمدا غم ماهنیسینی!  
قویمارام او سنلر آپارا سنی  
اؤزوم آپاراجام داغلارا سنی...

### **واخسیز کؤچن اوغلوما...**

عزیز نامجو (ائل آرخاسی)  
اجلین اوخونا نه تئز توش گلدین  
او ناکام جانینا اؤزونه قوربان  
اؤلومون اودلاییر تانیانلاری  
دیپلرده دئییلن سؤزونه قوربان

فلک ترسه یازدی یازینی اوغول  
چئویریب قیش ائندی یازینی اوغول  
قوی من اؤزوم چکیم نازینی اوغول  
تویا حسرت قالان گؤزونه قوربان

"ائل آرخاسی" دئییر گئتمه بیر دایان  
عۆمرومون گونشی یوخودان اویان  
آنان سوووردوقجا باشینا هر آن  
سولاییر مزارین توزونا قوربان

## اینانما!

مکاییل آزافلی  
کؤنول دوستوم! وفاسیزین آندینا،  
بیر ده شیرین دیلرینه اینانما  
یوز فیتنه‌لی، یوز بیر دیللی گؤزلین،  
یوز ال دین اللرینه اینانما!

اصیل تاپیب محبتله حیات قور!  
حیله‌گردن، فیتنه‌کاردان کنار دور!  
عملی شر، قلبی موردار، اوزو نور،  
فندگیرلرین فئل‌لرینه اینانما!

بو «آزافلی» نه‌لر گوردو، نه چکدی!  
سینه‌سینده وفا آدلی گول اکدی  
مین گؤزلین بلکه بیر چیچک‌دی  
تتر-تتر آچان گول‌لرینه اینانما!...

## یوخون قاچدی ائوده یاتا بیلمه‌دین نریمان حسن زاده

یوخون قاچدی ائوده یاتا بیلمه‌دین  
تورپاقدایات، تورپاق قوزوم، آ لایلائی!  
گیزلی-گیزلی اوفولدادین، اینله‌دین  
اویاق قالان یوخوسوزوم، آ لایلائی!

گوزگو کیمی ظریف ایدی گول اوزون  
اینصاف‌دی‌می تورپاق آلتدا چوروسون؟!  
دومان گل‌سین قبرستانی بوروسون  
دومان سنه اؤریک اولسون، آ لایلائی!  
تورپاق سنه دؤشک اولسون، آ لایلائی!

یانیمدایدین، یاشاییردیق بیر بابات،  
یوخولاردا گاه دوغماسان، گاه دا یاد  
آییلیرام نه سن وارسان، نه حیات  
یوخولاردا گؤروش‌نیم آ لایلائی!  
یاخین ایکن گئن دوشنیم، آ لایلائی!

لایلائی دئدیم، بئشیک دئدیم مزارا  
داش گتیردیگ، سالدیق سنی حاصارا

ها يالوارديم، ها چاغيرديم آي سا...را!...  
داريخاندا هيانيميز، آ لايلاي!  
آيري دوشن عونوانيميز آ لايلاي!...

### جاير نووروز

سن ائله بير واختدا راست گلدين منه،  
قوروموش بولاغام، بولانميش سويام.  
سن ائله بير واختدا راست گلدين منه،  
اوخونموش نغمه يم، چالينميش توپام.

نه گوجوم چاتدي كي سندن ياپيشام،  
نه گوجوم چاتدي كي، سندن قاچام من.  
نه اودوم اولدو كي يانام، آيشام،  
نه سحر يم اولدو كي، جاوانلاشام من.

سن ائله بير واختدا راست گلدين منه،  
عومرون پاييز واختي، خزل چاغي يدي.  
سن ائله بير واختدا راست گلدين منه  
سنين گنج ليپنين گوزل چاغي يدي.

نه دئيه بيلديم كي، توتماز سئوداميز،  
نه دئيه بيلديم كي، توتار بيزيمكي.  
بيزيمدير سمادا آخان او اولدوز،  
او اوزاقدا ايتن قاتار بيزيمدي.

سن ائله بير واختدا راست گلدين منه،  
دايانيب دورموشدوم يول آيريجيندا.  
سن ائله بير واختدا راست گلدين منه،  
بير اوزوم جاواندي، بير اوزوم قوجا.

نه دئيه بيلديم كي سئون چاغيمدي،  
نه دئيم سئويرم، منه داياق اول.  
نه دئيه بيلديم كي، منه ياخين دور،  
نه دئيه بيلديم كي، مندن اوزاق اول.

سن ائله بير واختدا راست گلدين منه،  
عومرون عشق باده سي ايچيلميش ايدي.  
سن ائله بير واختدا راست گلدين منه،  
منزليمين چوخو كئچيلميش ايدي .

نه دئيه بيلديم كى اورك سن منه،  
نه دئيه بيلديم كى، اورك دئيلسن.  
نه دئيه بيلديم كى گرک سن منه،  
نه دئيه بيلديم كى، گرک دئيلسن.

سن ائله بير واختدا راست گلدين منه،  
بو نئجه فصيلدى، نئجه واخت ايدي؟  
سن ائله بير واختدا راست گلدين منه،  
بو نئجه طالعدى، نئجه بخت ايدي؟

نه دئيه بيلديم كى، پناهسيزام من،  
نه دئيه بيلديم كى پناه منده دير.  
نه دئيه بيلديم كى گوناھسيزام من،  
نه دئيه بيلديم كى گوناھ منده دير.

سن ائله بير واختدا راست گلدين منه،  
اؤزوم اؤز حاللما گولمك ايستديم  
سن ائله بير واختدا راست گلدين منه،  
تزه دن دونيايا گلمك ايستديم....

#قائناق : شعر اوجاغي  
@SheirOcagi

## صياد زيادپور

ينر اوزونده قوتسال سانديغيم ادام  
ينرين لاپ آلتيندان ياسا گندن دير!  
غضب لى\_ غضب لى وورنوخور مودام  
بهانه آختارير كوسه، گندن دير!

گوركمى بنزه بير اينصافسيز شاها  
باخمير روحو شاعير، فيكرى سياحا  
اوعنونده يالواريب او علم ده داها  
قالماز گوعزلريمى باسا، گندن دير

دئيلديم هيچرانين ديزه چو عكه نى  
او منسيز ينمزدى ياغلى تيكه نى  
نالم گرک توتا آلا چكه نى  
آل قانين او جونا قوسا، گندن دير

او اوزدن بو اوزه چنوريلن قادين  
چكينيپ بير آن دا پوزمور عينادين  
چاليشير سوچلوسان\_ دئيه صيادين  
گوعزون ده يول لاردان آسا، گندن دير!

Yer üzündə qutsal sandığım adam  
Yerin lap altından yasa gedəndir !  
Qəzəbli\_ qəzəbli vurnuxur mudam  
Bəhanə axtarır küsə ,gedəndir !

Görkəmi bənzəyir insafsız şaha  
Baxmır ruhu şair, fikri səyyaha  
Önündə Yalvarıb ölsəm də daha  
qalmaz gözlərimi basa, gedəndir

Deyildim hicranın dizə çökəni  
O mənsiz yeməzdi yağlı tikəni  
Naləm gərək tuta ala çəkəni  
Al qanın ovcuna qusa, gedəndir

O üzdən bu üzə çevrilən qadın  
Çəkinib bir an da pozmur inadın  
Çalışır suçlusan\_ deyə səyyadın  
Gözün də yollardan asa, gedəndir !

### Səyyad ziyadpur

زحمته قاتلاشیب دوروب گل میشدین  
گنجه نین بیرینده یوخوما منیم  
یوللارین دامارین قیریپ گل میشدین  
کیشین دینج ینرینده یوخوما منیم

کیش دنیلن آدلیم آدادیر آدا  
چنوره سین گمی له دؤلان دیق سودا  
سنوینج آراجییدی گمی ده سو دا  
اۆرک ال-وئرینده یوخوما منیم

بوئش شئی دیر هئی اومو هئی کؤسؤ یازدی  
یوخوما بیر جۆتلۆک اویکؤسؤ یازدی  
تائری یازیسیدی، الی چاتمازدی  
ار اوغلو ارین ده یوخوما منیم

یوخودا گۆرۆشدۆک بیز هاندان هانا  
ماجال تاپدیق هره اوز پایین سونا  
کنشگه یاتا بیلیم دنو یوخوسونا  
هر گیر ها گیرینده یوخوما منیم

حۆرمته وئر دین ایمضالی کیتاب  
سنوگیمه پای اولدو سایغیما جواب  
گۆزل تاپینتیدی نفیس ده بیر چاپ  
سوزون سوز وئرینده یوخوما منیم

بیردن اویاتدیم کی یئر ایچینده ی  
بۆرکویه اوغرامیش وړ ایچینده یم  
تپه دن دیرناغا تر ایچینده یم  
جالایب ترین ده یوخوما منیم

چوخ یوزومو اولور آز گلشینین  
قادین گلشینین قیز گلشینین  
دندیم یا رب اوزون یوز گلشینین  
خیرین ده شرین ده یوخوما منیم

**Zəhmətə qatlaşıb durub gəlmişdin  
Gecənin birində yuxuma mənim  
Yolların damarın qırıb gəlmişdin  
Kişin dinc yerində yuxuma mənim**

**Kişi deyilən adlım adadır ada  
Çevrəsin gəmilə dolandıq suda  
Sevinc aracıydı gəmi də su da  
Ürək al-verində yuxuma mənim**

**Boş şeydir hey umu hey küsü yazdı  
Yuxuma bir cütlük öyküsü yazdı  
Tanrı yazısıydı əli çatmazdı  
Ər oğlu ərin də yuxuma mənim**

**Yuxuda görüşük biz handan hana  
Macal tapdıq hərə öz payın suna  
Keşgə yata biləm dev yuxusuna  
Hər gir ha girində yuxuma mənim**

**Hörmətlə verdiyin imzalı kitab  
Sevgimə pay oldu sayğıma cavab  
Gözəl tapıntıydı nəfis də bir çap  
Sözün söz vərində yuxuma mənim**

**Birdən oyandım ki yer içindəyəm  
Bürküyə uğramış vər içindəyəm  
Təpədən dirnağa tər içindəyəm  
Calayıb tərini də yuxuma mənim**

**Çox yozumu olur az gəlişinin  
Qadın gəlişinin qız gəlişinin  
Dedim ya rəb özün yoz gəlişinin  
Xeyrin də şərin də yuxuma mənim**